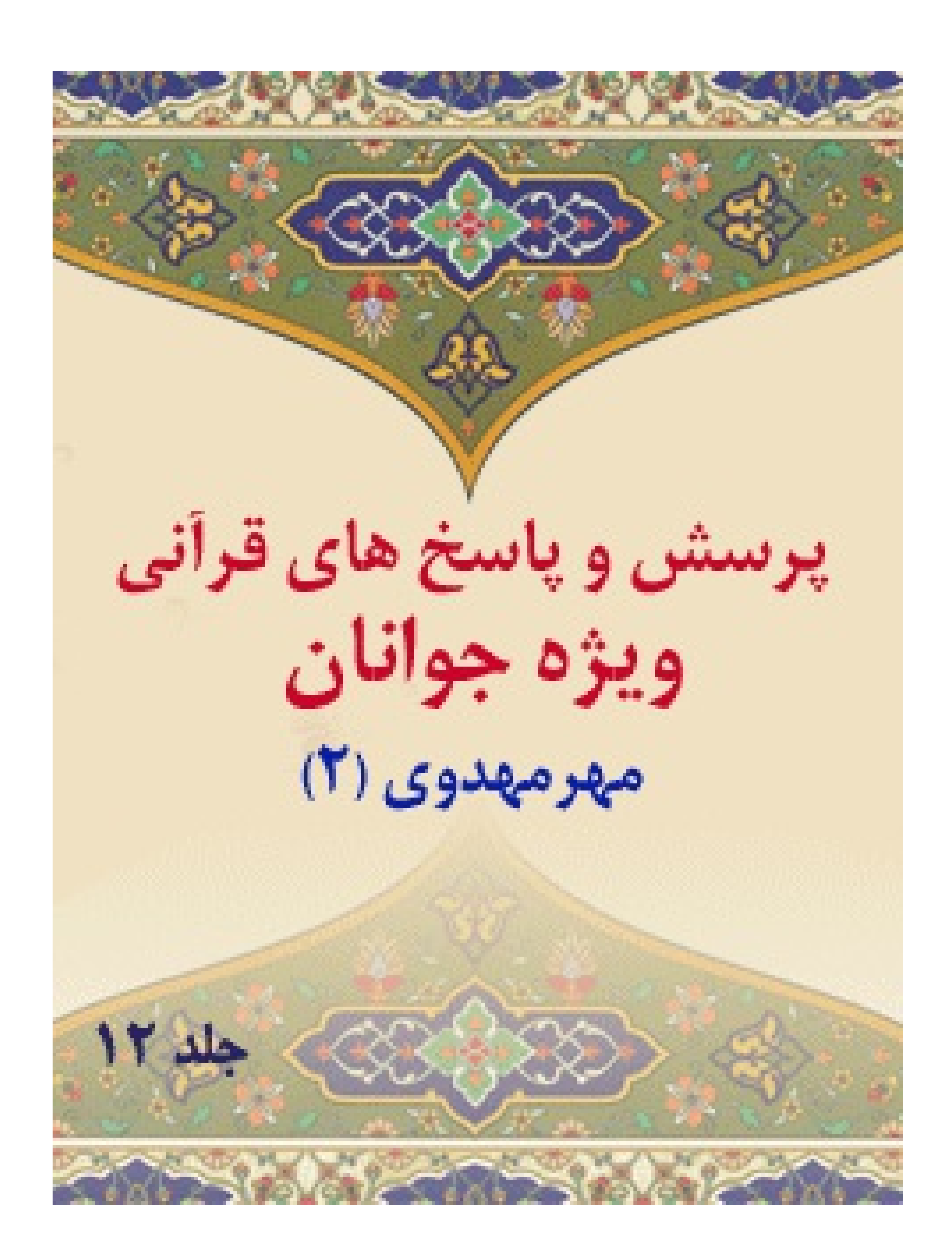


پرسش و پاسخ های قرآنی
ویژه جوانان
مهر مهدوی (۲)
جلد ۱۲


بسم الله الرحمن الرحیم

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان

نویسنده:

محمدعلی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، جلد ۱۲(مهر مهدوی ۲)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : ترنم مهر/ جمعی از پژوهشگران؛ زیر نظر محمدعلی رضاییاصفهانی.

مشخصات نشر : قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری : ۱۹۴ ص.

فروست : پرسش و پاسخ های قرآنی ویژه ی جوانان ج۱۲

شابک : ریال

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی:

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۹۲] - ۱۹۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : مهر مهدوی(۲)

موضوع : پرسش‌های مذهبی-- اسلام

شناسه افزوده : رضایی اصفهانی محمدعلی ۱۳۴۱ -

رده بندی کنگره : BP۶۵/۲/ش۸ ۱۳۸۴ رده بندی دیویی ۲۹۷/۱۷۶

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۷۸۳۲۹

درآمد

قرآن کریم نوری همواره تابان است که بر اندیشه‌ی بشر تابید و راه انسان‌ها را روشن ساخت، این کتاب منبع عظیم معرفتی و سفره‌ای الهی است «۱» که می‌تواند نسل‌های بشر را از زلال معرفت خویش سیراب سازد؛ و مقام دانش و دانشمندان را ارج می‌نهد و عالمان و جاهلان را مساوی نمی‌داند، «۲» بلکه با اشارات متعدد به مباحث علوم تربیتی، کیهان‌شناسی، زیست‌شناسی، رویان‌شناسی و روح و روان انسان بلکه با اشاره به مسائل فرا روانشناسی، حسّ کنجکاوی و پرسشگری انسان را تحریک می کند و زمینه رشد علوم را فراهم می‌سازد. «۳»

پرسش کلید دانش است. «۴» و ذهن پرسشگر ارجمند است، و وظیفه‌ی دانشمندان، دریافت پاسخ از منابعِ قرآن، حدیث، عقل و علوم تجربی و ارائه‌ی آن به تشنگان حقیقت است.

از این رو جمعی از پژوهشگران حوزه و دانشگاه گردهم آمده و با تأسیس «واحد پاسخ به پرسش‌های تخصصی قرآن و علم»، و ارسال

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۲

پرسشنامه به دانشگاه‌های مختلف، به گردآوری پرسش‌ها و ارائه‌ی پاسخ پرداخته‌اند، که حاصل تلاش این عزیزان در این مجموعه گردآوری شده است.

بنده که از آغاز با این عزیزان همراهی داشته‌ام، شاهد تلاش علمیِ همراه با تعهد آنها بوده‌ام، که در حد توان کوشیده‌اند پاسخ‌های مناسب و متین ارائه نمایند. البته برخی پرسش‌ها نیز از طریق شنوندگان محترم رادیو قرآن دریافت شده و در برنامه‌ی پرسش و پاسخ قرآنی آنجا پاسخ داده‌ایم که به این مجموعه اضافه شده است.

امیدوارم خدای متعال این خدمت علمی و قرآنی را از همه‌ی ما بپذیرد و این اثر مورد عنایت خاص حجه بن الحسن العسگری (ع)

قرار گیرد.

در ضمن از خوانندگان محترم درخواست داریم که ما را از راهنمایی و پیشنهادات و انتقادات خویش محروم نفرمایند و از جوانان عزیز می‌خواهیم که اگر پرسش‌هایی در زمینه‌ی «قرآن و علم» دارند، به نشانی ما ارسال فرمایند. «۱»

با سپاس

دکتر محمدعلی رضایی‌اصفهانی

قم- ۱۹/ ۳/ ۱۳۸۷

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۳

فصل اول: مهدویت در قرآن

اشاره

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۵

آیات مربوط به ظهور و انتظار کدامند؟

پرسش:

آیات مربوط به ظهور و انتظار کدامند؟ پاسخ:

مقدمه:

یکی از ویژگی‌های قرآن کریم ابدی بودن این کتاب است. یعنی چون قرآن کتابی است که در آخرین دین نازل شده است لازم است با زبانی سخن گوید که در همه‌ی مکان‌ها و زمان‌ها قابل استفاده و عرضه باشد، در غیر این صورت به مرور زمان آن تازگی و صلابت خود را از دست خواهد داد. حال با توجه به این ویژگی (یعنی ابدی بودن آیات آن) اکثر آیات به صورت کلی و «قضیه حقیقیه» نه «شخصیه خارجیه» بیان شده است و در هر زمان مصادیق این قضیه حقیقیه- که به صورت عام و کلی بیان شده- استخراج می‌شود.

از این رو در تفاسیر یا روایات تفسیری وقتی برای آیه‌ای مصداق

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۶

معرفی می‌کنند مفسرین می‌فرمایند: «این یکی از مصادیق این آیه است نه اینکه این آیه فقط همین معنا و مصداق را داشته باشد.» «۱»

به عنوان نمونه در سوره‌ی حمد ذیل آیه‌ی «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» شیخ صدوق از امام صادق (ع) حکایت می‌کند: «الصراط المستقیم امیرالمومنین (ع)» و علامه در شرح آن می‌نویسد: این روایات از قبیل تطبیق و بیان مصداق بارز برای آیه می‌باشد. «۲»

با توجه به آنچه بیان شد: در مورد ظهور و انتظار فرج حضرت مهدی (عج) بلکه دیگر جنبه‌های شخصیتی ایشان آیه‌ی صریحی وارد نشده ولی با در نظر گرفتن منطق فهم قرآن و تأویل و تفسیر و با توجه به روایات آیات متعددی را می‌توان بر شمرد که یکی از مهمترین مصادیق آیه حضرت ولی الله الاعظم حجه بن الحسن العسکری (عج) می‌باشند که مجموعه‌ی این آیات در کتب متعددی جمع‌آوری شده که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. معجم احادیث الامام المهدی زیر نظر علی کورانی، ج ۵ که در این کتاب در مورد حضرت تا ۲۶۰ آیه ذکر شده است.

۲. سیمای امام زمان (عج) در آیینه قرآن، علی اکبر مهدی‌پور، ۱۴۰ آیه را ذکر کرده‌اند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۷

۳. سیمای مهدویت در قرآن، محمدجواد مولوی‌نیا، ۷۴ آیه را توضیح داده‌اند.

۴. مهدی در قرآن، محمد عابدین‌زاده، ۴۰ آیه را توضیح داده‌اند.

در خصوص مسئله‌ی انتظار و ظهور حضرت مهدی (عج) که یکی از جلوه‌های بحث پیرامون حضرت است- نیز آیاتی وجود دارد که به عنوان نمونه دو مورد آن را معرفی می‌کنیم:

۱. قرآن کریم در سوره‌ی انعام آیه‌ی ۱۵۸ می‌فرماید:

«هَلْ یَنْظُرُونَ إِلَّا أَن تَأْتِیهُمُ الْمَلَائِکَهُ أَوْ یَأْتِیَ رَبُّکَ أَوْ یَأْتِی بَعْضُ آیَاتِ رَبِّکَ یَوْمَ یَأْتِی بَعْضُ آیَاتِ رَبِّکَ لَا یَنْفَعُ نَفْساً إِیمَانُهَا لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِن قَبْلُ أَوْ کَسَبَتْ فِی إِیمَانِهَا خَیْراً قُلِ انتَظِرُوا إِنَّا مُنتَظِرُونَ»

آیا انتظاری غیر از این دارند که فرشتگان به سویشان آیند، یا پروردگارت بیاید، یا برخی از نشانه‌های پروردگارت بیاید؟! (امّا) روزی که برخی از نشانه‌های پروردگارت (پدید) آید، شخصی که قبلًا ایمان نیاورده، یا در ایمانش نیکی کسب نکرده است، ایمان آوردنش سودی نخواهد داشت. بگو: «منتظر باشید! که ما (هم) منتظریم.»

در ذیل این آیه ابی‌بصیر از امام صادق (ع) حکایت می‌کند:

منظور از آن روز، روز خروج حضرت قائم (ع) است، آن روز انتظار کشیده شده، از ما است؛ بعد حضرت فرمودند: ای ابابصیر! خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبت او منتظر ظهورش باشند و در زمان

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۸

ظهورش از او اطاعت نمایند که اینان اولیای خدایند که هیچ ترس

برایشان نیست و حزن و اندوهی نخواهند داشت. «۱»

۲. قرآن کریم در سوره‌ی یونس آیه‌ی ۲۰ می‌فرماید:

«وَیَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَیْهِ آیَهٌ مِن رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَیْبُ لِلَّهِ فَانتَظِرُوا إِنِّی مَعَکُم مِنَ الْمُنْتَظِرِینَ»

و می‌گویند: «چرا نشانه (معجزه‌واری) از پروردگارش بر او فرو فرستاده نمی‌شود؟!» پس بگو: « (آنچه از حسّ) پوشیده، تنها برای خداست؛ پس منتظر باشید، [چرا] که من (هم) با شما از منتظرانم.»

یحیی بن قاسم می‌گوید: از امام صادق سوال کردم درباره‌ی آیات اول سوره‌ی بقره که می‌فرماید: «الم این کتاب هیچ تردیدی در آن نیست و مایه هدایت متقین است، کسانی که به غیب ایمان می‌آورند.» امام فرمودند: «متقین در این آیه شیعیان علی هستند و غیبت همان حجت قائم غائب می‌باشد و شاهد بر این مدعی «آیه‌ی ۲۰ سوره‌ی یونس» است که می‌فرماید:

«و کافران گویند: چرا آیت و نشانه‌ای از پروردگارش بر او نازل نمی‌شود. پس بگو همانا غیب مخصوص خداوند است پس منتظر باشید که من نیز از منتظران هستم ...» «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۹

ظهور، آمدن حق و رفتن باطل است

پرسش:

ارتباط آیه ۸۱/ اسراء با امام زمان چیست؟

پاسخ:

قرآن مجید تنها کتابی است که جامع مطالب و معارفی است که انسان در هدایت و سعادت به آن نیاز دارد و در بدست آوردن همه‌ی معارف الهی باید به آن تمسک نمود. یکی از مباحث مهم که می‌توان از قرآن بدست آورد مباحث مربوط به مهدویت می‌باشد. که مفسرین گرانقدر در حدود ۲۴۹ آیه از قرآن را در مورد حضرت مهدی و مباحث مربوط به آن حضرت تفسیر یا تأویل نموده‌اند.

از جمله آیه‌ی ۸۱ سوره‌ی اسراء می‌باشد که می‌فرماید:

«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقاً؛ «۱»

و بگو: «حق آمد، و باطل نابود شد؛ [چرا] که باطل نابود شدنی است.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۲۰

شأن نزول آیه

جابر بن عبدالله می‌گوید: بعد از فتح مکه با رسول خدا (ص) وارد مکه شدیم و به مسجد الحرام آمدی در حالتی که ۳۶۰ بت در آنجا بود و پیامبر (ص) دستور دادند: «همه‌ی بت‌ها را از خانه‌ی خدا بیرون بیاورند و بشکنند.» یک بت بزرگ به نام هبل بود که پیامبر اکرم (ص) به حضرت علی (ع) فرمودند: بر روی شانه‌ی من سوار شو و این بت بزرگ را بشکن! حضرت علی (ع) به پیامبر اکرم (ص) عرضه داشتند که شما پای خود را بر پشت من بگذارید و آن بت بزرگ را بشکنید، اما وقتی پیامبر (ص) پای مبارک خود را بر پشت حضرت علی (ع) نهادند حضرت علی (ع) می‌فرمایند: من تحمل سنگینی نبوت و رسالت پیامبر (ص) را نداشتم! و به پیامبر (ص) گفتم: اجازه دهید من بر شانه شما قرار بگیرم و بت را بشکنم. وقتی روی شانه پیامبر (ص) قرار گرفتم و در حال شکستن بت بزرگ هبل بودم خداوند آیه‌ی «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقاً» «۱»

را نازل فرمود.

پیامبر (ص) بعد از آن هر چه بت‌ها را می‌شکستند این آیه را تکرار می‌نمودند.

در تفسیر این آیه می‌خوانیم: مطلب این آیه یک قانون کلی است چرا که به هر امر ثابت و باقی «حق» می‌گویند، و «باطل» بر خلاف حق

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۲۱

است؛ یعنی چیزی که ذاتاً دوام و بقاء و ثبات ندارد، و «باطل» اگر چه، چند روزی هم جولانی دارد اما از بین خواهد رفت ولی «حق» اگر چه چند صباحی هم کم رنگ شود اما بالاخره ثبات و قوام خود را پیدا می‌کند و باقی خواهد ماند. دین مبین اسلام- قرآن مجید- رسالت پیامبر اکرم (ص)- ولایت ائمه هدی (ع)- احکام شریعت اسلام و اموری از این قبیل همه «حق» و ثابت و پایدار هستند. و در مقابل، ادیان باطل- شرک- کفر- اخلاق فاسد و حکومت ظالمین و قوانین بشری و بدعت‌گونه و اموری از این قبیل همه باطل و نابودشدنی هستند. «۱»

یکی دیگر از نمونه‌ها و مصادیق آمدن «حق» و نابود شدن «باطل»، برپا شدن دولت حضرت مهدی (عج) می‌باشد چنانچه از امام باقر (ع) در تفسیر این آیه حکایت شده: وقتی قائم قیام کند دولت باید از بین می‌رود. «۲»

و در روایتی دیگر حکایت شده: وقتی حضرت مهدی (عج) متولد شدند بر بازوی مبارک ایشان نوشته شده بود: «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقاً.» «۳» یادآوری:

البته مفهوم این احادیث معنای وسیع آیه را به این مصداق منحصر نمی‌کند بلکه قیام حضرت مهدی (عج) از بارزترین و روشن‌ترین

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۲۲

مصداق‌های این آیه می‌باشد چرا که نتیجه‌اش پیروزی «حق» بر «باطل» در سراسر جهان می‌باشد.

آری این قانون تخلف ناپـذیر الهی، در هر عصـر و زمانی مصـداقی دارد و قیام پیامبر (ص) و پیروزی ایشان بر شـرک و بت‌پرستی و همچنین قیام حضرت مهدی (عج) بر ستمگران و جباران جهان از چهره‌های روشن و تابناک این قانون کلی دراین آیه است و همین قانون الهی است که رهروان راه حق را در برابر مشکلات امیدوار و نیرومند ساخته و بر استقامت ایشان افزوده است. «۱»

به امید آنکه شاهد این پیروزی و آمدن حق و غلبه‌ی آن بر باطل باشیم و در راه این هدف عالی انجام وظیفه کنیم. ان شاء الله!

معرفی کتاب:

برای مطالعه‌ی بیشتر رجوع شود به:

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۲، آیت الله مکارم شیرازی.

۲. تفسیر المیزان، ج ۱۳، آیت الله علامه طباطبائی.

۳. تفسیر نورالثقلین، عبد علی بن الجمعه العروسی الحویزی.

۴. سیمای امام زمان در آئینه قرآن، علی اکبر مهدی‌پور.

۵. سیمای مهدویت در قرآن، محمدجواد مولوی‌نیا.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۲۳

آیات قرآن و نشانه‌های ظهور

پرسش:

آیا در قرآن نشانه‌های آخر الزمان آمده است؟ چند آیه بیان کنید.

پاسخ:

در قرآن حـدود ۲۵۰ آیه بر مطـالب و مبـاحث پیرامون حضـرت مهـدی تفسیر و تاویـل شـده است که بعضـی از این آیات اشاره به حوادث و وقـایع قبـل از ظهور دارد. البته لازم به ذکر است این اشارات قرآنی و مقاصـد ربانی به صورت صـریح در آیات نسـبت به علائـم ظهور نیست بلکه از تفسـیر یـا تأویـل یـا بطن آیات و یا تطبیق آیات بـدست می‌آیـد که مقتضای زبان قرآن چنین است یعنی قرآن دارای ادبیات بیانی خاص به خود می‌باشـد که فهم مقاصـد آن از طریق تفسـیر و تطبیق و تأویل و غیره بـدست می‌آید، که در مبـاحث زبان‌شناسـی قرآن کاملًا بحث شـده است و در این مجال اشاره به بعضـی از آیات قرآن که بر علائم ظهور حضـرت مهـدی دلالت دارد می‌پردازیم.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۲۴

در آیـات قرآن مطـالب بسـیاری هست که به لفظ عام بیان شده‌انـد و در هر زمان بر عـده‌ای مصـداق می‌یابـد و گاهی هم، لفظ آیه خـاص ولی معنـای آن عـام است و شامل کسان دیگری که مشابه آن عمل از آنان صـدور یافته نیز می‌شود. هر یک از این موارد از تفسـیر و تأویـل و بطن و تطبیق موارد بی‌شـماری از آیـات قرآنی را شامـل می‌شود. من جمله آیـاتی که تفسـیر و تأویـل و تطبیق بر مبـاحث مهـدویت و علائـم آخرالزمـان شـده است که مواردی از آن را بیـان می‌کنیم بعضـی از آیـاتی که اشـاره به این علائـم دارد عبارتند از:

۱. بقره/ ۱۴۸. «... فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

۲. بقره/ ۱۵۵. «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»

۳. انعام/ ۶۵. «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَن يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَاباً مِن فَوْقِكُمْ أَوْ مِن تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعاً وَ ...»

۴. مریم/ ۳۷. «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِن بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِن مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ»

۵. شعراء/ ۴. «إِن نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِم مِنَ السَّماءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ»

۶. سباء/ ۵۲. «وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّى لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِن مَكَانٍ بَعِيدٍ»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۲۵

۷. فصلت/ ۵۳. «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ ...»

۱. آیه ۱۴۸ سوره بقره: «... پس در نیکی‌ها [بر یکدیگر] پیشی گیرید. هر کجا که باشید، خدا همه شما را خواهد آورد، ...»

امام باقر (ع) ضمن حدیثی طولانی فرمودند: خدای تعالی در آن حال سیصدوسیزده نفر که اصحاب آن حضرتند به سر او جمع می‌کند و ایشان را در غیر موسم حج مانند ابرهای وقت پائیز جمع می‌کند یا جابر آیه‌ای که خداوند تعالی در کتاب خود ذکر کرده مضمون آن همین است «اینما تکونوا یأت بکم الله جمیعاً» یعنی هر کجا باشید خدای تعالی همه شماها را به یک جا می‌آورد ... و بعد از آن امام باقر (ع) فرمودند: آن سیصد و سیزده مرد که (قرآن به آنها اشاره دارد) در بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند. «۱»

روایات متعدد دیگری هم که در مضمون با این حدیث مطابقت دارد در منابع روائی به چشم می‌خورد «۲» پس از این روایات متعدد که یکی از آنها را نقل کردیم معلوم می‌شود آیه ۱۴۸ سوره بقره اشاره به یکی از علائم ظهور که جمع شدن ۳۱۳ نفر از یاران حضرت مهدی باشد در مکه

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۲۶

دلالت دارد که تفسیر آن از روایات معلوم می‌شود.

۲. آیه ۱۵۵ سوره بقره: «و قطعاً [همه شما را به چیزی از ترس و

گرسنگی و کاهشی در ثروت‌ها و جان‌ها و محصولات، آزمایش می‌کنیم؛ و به شکیبایان مژده ده.»

در روایات تفسیری ذیل آیه از معصوم (ع) حکایت شده که فرمود آن است فرموده خدای عزوجل «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ ...»

که [شما را می‌آزمائیم یعنی شما مومنین را و [خوف یعنی ترس از پادشاهان فلان خاندان در اواخر سلطنتشان و [گرسنگی به گرانی نرخ‌هایشان است و [کمبودی اموال به فساد و تباهی تجارتها و کمی سود آنهاست و [جانها] مرگ زودرس است و [ثمرات کمی رشد گیاهان و کم شدن برکت میوه‌ها است و اینکه فرموده [بشارت بده به صبرپیشگان یعنی در آن هنگام به خروج قائم (ع) سپس فرمود: ای محمد بن مسلم این است تأویل آن آیه که خدا می‌فرماید «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ ... «۱»

»

در ذیل این آیه روایات دیگری نیز وجود دارد که دلالت دارد بر

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۲۷

اینکه تاویل این آیه بر علائم ظهور حضرت مهدی (عج) است. «۱»

۳. آیه ۶۵ سوره انعام: بگو او تواناست که بر شما عذاب و بلائی از آسمان یا زمین فرستد یا شما را به اختلاف کلمه و پراکندگی و مخالفت با هم درافکند.

یعنی بعضی از شما بعض دیگر را بکشد. «۲»

۴. آیه ۳۷ سوره مریم: طوایف مردم از پیش خود اختلاف کردند وای بر این مردم کافر هنگام حضور آن روز بزرگ. از امام باقر (ع) روایت شده است که حضرت فرمودند همین آیه را از حضرت امیرالمومنین پرسیدند آن حضرت فرموده‌اند به مشاهده سه چیز منتظر باشید در آن حال عرض کردم یا امیرالمومنین آنها چیستند؟ فرمود: اختلافی است که در میان اهل شام واقع شود (مربوط به

خروج سفیانی است) و بیرقهای سیاهند که از خراسان می‌آیند (مربوط به خروج سید خراسانی است) و اضطرابی است که در ماه رمضان واقع می‌شود (که مربوط است به صیحه آسمانی که از علائم حتمیه آخرالزمان است) بعد حضرت پیرامون علامت سوم (صیحه آسمانی) آیه ۴ سوره شعراء را فرمودند که مگر نشنیده‌اید که

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۲۸

خداوند می‌فرماید اگر می‌خواستیم از آسمان برای ایشان نشانه‌ای نازل می‌کردیم که همه گردن زیر بار ایمان بیاورند و آن نشانه و آیت صدائی است که از آسمان (توسط جبرئیل) می‌رسد آن چنان صدائی که از شدت مهابتش دختر با عفّت را از پس پرده بیرون کشیده و خوابیده را بیدار و بیدار را مضطرب می‌سازد. «۱»

۵. آیه ۵۳ سوره فصلت: ما آیات قدرت و حکمت خود را در آفاق جهان و نفوس بندگان کاملًا هویدا و روشن می‌گردانیم تا ظاهر و آشکار شود که او بر حق است و ...

در ذیل این آیه روایت شده است از امام کاظم (ع) که در اطراف زمین فتنه واقع می‌شود و در دشمنان حق مسخ. و علامه مجلسی (ره) در ذیل این روایت می‌فرماید یعنی آیت‌های الهی در اطراف عَلَم فتنه‌هایند که واقع می‌شود و آیتهایی که در نفس ایشان است عبارت است از مسخ شدن ایشان. «۲»

نتیجه:

اگر به تفسیر و یا تأویل و یا تطبیق آیات مراجعه کنیم خواهیم دید که بسیاری از آیات دلالت بر علائم ظهور حضرت مهدی (عج) دارد که به بعضی از آنها در این مختصر اشاره شد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۲۹

فصل دوم: تفسیر آیات مهدویت

اشاره

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۳۱

پرسش:

بعضی از آیات مربوط به مهدویت را برایم تفسیر کنید؟

پاسخ: «۱» براساس احادیث در قرآن حدود ۲۵۰ آیه در رابطه با مهدویت وجود دارد که به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم.

رفع فتنه‌ها از جهان با قیام مهدوی

قرآن کریم در آیه سی و نهم سوره انفال، به مسلمانان دستور می‌دهد که تا رفع فتنه از جهان به جنگ ادامه دهند، و می‌فرماید:
وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَاتَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلّهِ فَإِنِ انتَهَوْا فَإِنَّ اللّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۳۲

و با آن (کافر) ان پیکار کنید، تا آشوبگری باقی نماند، و دین یکسره از آنِ خدا باشد. و اگر آنان (به کفر) پایان دادند، پس در واقع خدا به آنچه انجام می‌دهند، بیناست.

نکات و اشارات:

۱. واژه «فِتْنَه» در قرآن کریم گاهی به معنای آزمایش، بلا و فشار می‌آید. و در آیه فوق می‌تواند به معنای شرک و بت‌پرستی باشد که انواع محدودیت‌ها و فشارها را برای جامعه در بردارد. و نیز شامل انواع فشارهای دشمنان در برابر اسلام و آزادی مسلمانان شود. «۱»

۲. آیه فوق به دو هدف عمده جهاد اسلامی اشاره کرده است:

نخست بر چیدن بساط بت‌پرستی و شرک که در حقیقت نوعی خرافه و انحراف است.

و دوم بدست آوردن امنیت از فتنه‌ها تا زمینه‌ای برای آزادی بیان برای تبلیغ و نشر اسلام شود.

۳. در حدیثی از امام صادق «ع» حکایت شده که: «تأویل و تفسیر نهائی این آیه هنوز فرا نرسیده است، و هنگامی که قائم ما قیام کند، کسانی که زمان او را درک کنند، تأویل این آیه را خواهند دید، به خدا سوگند در آن زمان دین محمد «ص» به تمام نقاطی که شب آن را فرا می‌گیرد، خواهد رسید و در روی زمین مشرکی باقی نخواهند ماند.» «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۳۳

۴. با فتنه‌های درونی و بیرونی مبارزه کنید:

امام عارفان، در تفسیری دیگر از آیه فوق می‌نویسد: «فرزندم! از خود بینی و خودخواهی درآی، که این ارث شیطان است، ... و بدان که تمام گرفتاری‌های بنی‌آدم از این ارث شیطانی است که اصل اصول فتنه است، و شاید آیه شریفه «و قاتلوهم حتی لاتکون فتنه و یکون الدین للّٰه» «۱» در بعضی مراحل آن، اشاره به جهاد اکبر و مقاتله با ریشه فتنه، که شیطان بزرگ و جنود آن که در تمام اعماق قلوب انسان‌ها شاخه و ریشه دارد، باشد. و هر کس برای رفع فتنه از درون و برون باید مجاهده نماید و این جهاد است که اگر به پیروزی رسید، همه چیز و همه کس اصلاح می‌شود.» «۲»

البته حدیث فوق از باب تطبیق بر کامل‌ترین مصداق آیه است. که در آن زمان همه فتنه‌ها از زمین رخت بر می‌بندد.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. پیام آیه فوق این است که: جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالَم.

۲. آموزه آیه آن است که تا زمانی که کافران به مسلمانان فشار می‌آورند با آنان بجنگید، اما هرگاه دست بر داشتند با آنان رفتار مناسب کنید.

۳. آموزه دیگر آیه آن است که دین (اسلام) را بر جهان حاکم کنید.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۳۴

جهانی سازی مطلوب (مهدوی)

قرآن کریم در آیه سی و سوم سوره توبه به پیروزی جهانی اسلام اشاره می کند و می‌فرماید:

هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ

او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند؛ و گر چه مشرکان ناخشنود باشند.

نکات و اشارات:

۱. مقصود از هدایت، همان دلایل روشنی است که در آیین اسلام وجود دارد و مقصود از دین حق اسلام است که اصول و فروعش حق و تاریخ و مدارک آن نیز حق و روشن است.

۲. اشاره آیه فوق به همراهی پیامبر اسلام با هدایت و دین حق، گویا اشاره به دلیل پیروزی اسلام بر ادیان دیگر است، زیرا هنگامی که محتوای دعوت پیامبر «ص» هدایت باشد و عقل بشر بر آن گواهی دهد و اصول و فروعش موافق حق و طرفدار آن باشد، چنین آیینی طبعاً بر همه ادیان جهان پیروز می گردد.

۳. هر چند که دانش بشر پیشرفت کند و ارتباطات آسان‌تر شود، واقعیت‌ها چهره خود را از پشت تبلیغات مسموم نشان می‌دهد، و موانع مخالفان حق برطرف می‌شود و حق همه جا را فرا می گیرد و پیروز می‌شود، هر چند که دشمنان مایل نباشند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۳۵

آری حرکت دشمنان حق بر خلاف مسیر تاریخ و سنت‌های آفرینش بوده و در نهایت محکوم به شکست است.

۴. برخی مفسران بر آنند که مقصود از پیروزی اسلام در آیه فوق پیروزی منطقی و استدلالی است که اکنون در جهان هویدا شده است.

و برخی دیگر از مفسران با استفاده از موارد استعمال ماده «اظهار» در قرآن، برآنند که مقصود پیروزی عملی و عینی و ظاهری است. اما بنظر می‌رسد که آیه فوق شامل پیروزی همه جانبه اسلام بر ادیان دیگر می‌شود. که در تمام جهان تحقق خواهد یافت. و این واقعیتی است که با پیشرفت اسلام در جهان بتدریج در حال تحقق است.

۵. در احادیث متعددی حکایت شده که وقتی محتوای آیه فوق تحقق می‌یابد که امام عصر و مهدی آل محمد «ص» ظهور کند.

در حدیثی از امام صادق «ع» حکایت شده که: «به خدا سوگند هنوز تأویل محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می‌پذیرد که قائم خروج کند، و هنگامی که او قیام کند، کسی کافر و منکر خدا در جهان باقی نخواهد ماند.» «۱»- «۲».

البته روشن است که پیروزی منطقی و عملی اسلام از صدر اسلام آغاز شده و بتدریج در حال پیشرفت و تحقق است. اما مقصود این

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۳۶

احادیث آن است که تحقق کامل آیه فوق و پیروزی نهایی اسلام در زمان امام مهدی «ع» خواهد بود.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. پیام آیه آن است که دین حق و راه پیامبر اسلام «ص» در نهایت پیروز می‌شود و بر همه ادیان جهان غلبه می کند.

۲. آموزه آیه آن است که در پی پیروزی نهایی دین حق باشید که فرجام تاریخ روشن است.

۳. پیام دیگر آیه آن است که ناخشنودی مشرکان مانع تحقق اراده الهی و پیروزی نهایی اسلام نیست.

مهدی (ع) ذخیره الهی

قرآن کریم در آیه هشتاد و ششم سوره هود ادامه سخنان شعیب را در مورد اصلاحات اقتصادی مردم مدین بیان می کند و می‌فرماید:

بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِن كُنتُم مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ

ذخیره الهی برای شما بهتر است؛ اگر مؤمن باشید. و من بر شما نگهبان نیستم.»

نکات و اشارات:

۱. تعبیر «بَقيهُ اللّه» به معنای «ذخیره الهی» است و این تعبیر یا اشاره به سود حلال و اندک است که بفرمان خدا باقی می‌ماند. و یا اشاره

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۳۷

به آن است که بدست آوردن مال حلال سبب دوام و بقای نعمت است. و یا اشاره به ثواب‌های معنوی است که همیشه باقی می‌ماند. «۱»

۲. جمله «اگر شما مؤمن باشید» اشاره به آن است که این حقایق را تنها کسانی درک می‌کنند که به خدا و حکمت دستوراتش ایمان داشته باشند.

۳. در حدیثی از امام باقر «ع» حکایت شده که فرمود: نخستین سخنی که مهدی «ع» پس از قیام خود می گوید: همین آیه (بَقيهُ اللّهِ خيرٌ لكم ان كنتُم مُؤمنين) است.

سپس می‌فرماید: من ذخیره الهی و حجّت او و جانشین او برای شما هستم.

و هیچ کس بر مهدی «ع» سلام نمی‌کند مگر اینکه می گوید: «السلام علیک یا بقیهُ اللّهِ فی أرضه». «۲»

این گونه احادیث در حقیقت بیان بطن آیه است، یعنی هر چند که این آیه در مورد قوم شعیب است و ذخیره الهی به معنای سرمایه اقتصادی آنان است. اما مفهوم «ذخیره الهی» جامع و وسیع است که در عصرهای بعد مصداق‌های دیگری را شامل می‌شود. و از جمله هر موجود مفیدی را که از طرف خدا برای بشر ذخیره شده، در بر می گیرد. و از این رو تمام پیامبران و امامان و رهبران راستین و حتی سربازانی که پس از پیروزی در جهاد برای ملت باقی می‌مانند، بَقيهُ اللّهِ و ذخیره الهی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۳۸

هستند. «۱»

و روشن‌ترین و کامل‌ترین مصداق ذخیره الهی، امام مهدی «ع» است که برای پیروزی نهائی حق بر باطل باقی مانده است. و از این رو «بَقيهُ اللّه» لقب شایسته اوست.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. آموزه آیه آن است که سرمایه اندک و حلال و پاداش‌های معنوی بهتر از در آمدهای بسیاری است که حرام باشد.

۲. پیام دیگر آیه آن است که پیامبران نگهبان مردم نیستند و چیزی را بر آنان تحمیل نمی‌کنند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۳۹

مهلت به ابلیس تا قیام مهدی (ع)

قرآن کریم در آیات سی و چهارم تا سی و هشتم سوره حجر به طرد ابلیس و مهلت خواهی او اشاره کرده و می‌فرماید:

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّکَ رَجِيمٌ* وَإِنَّ عَلَيْکَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ* قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِی إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ* قَالَ فَإِنَّکَ مِنَ الْمُنظَرِينَ* إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ

(خدا به ابلیس) فرمود: «بنابراین از آن [مقام فرشتگان بیرون شو، چرا که تو رانده شده‌ای؛* و در واقع تا روز جزا بر تو لعنت است!»* (ابلیس) گفت: «پروردگارا، پس مرا تا روزی که (مردم) برانگیخته خواهند شد، مهلت ده.»* (خدا) فرمود: «پس در واقع تو از مهلت داده شدگانی،* تا روز زمان معلوم.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۴۰

نکات و اشارات:

۱. در مورد اینکه شیطان از کجا اخراج شد، مفسران چند مطلب گفته‌اند، برخی بر آنند که از صفوف فرشتگانی که در آنجا قرار داشت اخراج شد، یا از بهشت و یا از آسمان معنویت اخراج گشت.

اما با توجه به مطلق بودن آیه، که محل اخراج را مشخص نکرده می‌توان گفت: ابلیس از مقامی که داشت اخراج شد، که بقیه موارد ممکن است مصداق‌های آن باشد.

۲. واژه «لعنت» به معنای دوری از رحمت خداست، و از این آیه استفاده می‌شود که تکبر، نژادپرستی و نافرمانی خدا سبب تحقیر، طرد و دوری از رحمت خدا تا قیامت می‌شود.

۳. از این آیات استفاده می‌شود که ابلیس پس از طرد از درگاه الهی پشیمان نشد و توبه نکرد بلکه بر لجاجت و نافرمانی خود افزود، و کینه نسل بشر را به دل گرفت، و تصمیم گرفت با منحرف کردن انسان‌ها انتقام بکشد، و از این رو از خدا تا روز رستاخیز مهلت خواست که زنده بماند و به سرکشی و فریبکاری بپردازد.

۴. خدا به شیطان مهلت داد، یعنی تا وقت مشخصی که خدا می‌داند به او مهلت داد. البته در برخی احادیث این وقت معلوم را پایان جهان معرفی کرده‌اند. «۱» و برخی مفسران نیز آن را روز رستاخیز معرفی

کرده‌اند. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۴۱

طبق برخی از روایات نیز تا ظهور حضرت مهدی (عج) می‌باشد وهب بن جمیع می‌گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم اینکه خداوند به شیطان فرمود: به تو مهلت داده شده تا وقت معلوم این چه زمانی است؟ حضرت فرمودند: آیا پنداشته‌ای که این روز، روز قیامت است؟ خداوند تا روز قیام قائم ما به شیطان مهلت داده است. وقتی خداوند قائم را مبعوث می‌کند و اجازه قیام به او می‌دهد حضرت به مسجد کوفه می‌رود. در آن هنگام شیطان در حالی که با زانوان خود راه می‌رود به آن جا می‌آید و می‌گوید: ای وای بر من از امروز. حضرت مهدی پیشانی او را می‌گیرد و گردنش را می‌زند و آن هنگام روز وقت معلوم است که مهلت شیطان به پایان می‌رسد. «۱» از امام رضا (ع) نیز فرمودند: وقت معلوم روز قیام قائم ما است. «۲»

۵. خدا به شیطان مهلت داد، چرا که:

اولًا: سنت خدا فرصت دادن به گناهکاران است تا حجّت بر آنان تمام شود و شاید توبه کنند و باز گردند. و گرنه گرفتار عذاب شوند.

و ثانیاً: ابلیس وسیله آزمایش انسانهاست. و امتحان یکی از سنّت‌های الهی است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۴۲

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. پیام هشدارآمیز آیات آن است که خدا به گناهکاران مهلت

می‌دهد. (تا آزمایشی برای دیگران و خودشان باشد.)

۲. آموزه آیات آن است که نافرمانان متکبر و نژاد پرست را طرد و لعنت کنید.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۴۳

یاران مهدی یاری می‌شوند

قرآن کریم در آیه پنجم و ششم سوره اسراء به سرکشی و فسادگری اول بنی اسرائیل در تاریخ اشاره کرده و می‌فرماید:
فَإِذَا جَآءَ وَعْدُ أُولَیهُمَا بَعَثْنَا عَلَیْکُمْ عِباداً لَنَآ أُوْلِی بَأْسٍ شَدِیدٍ فَجَاسُواْ خِلَلَ الدِّیَارِ وَکَانَ وَعْداً مَفْعُولًا* ثُمَّ رَدَدْنَا لَکُمُ الْکَرَّهَ عَلَیْهِمْ وَأَمْدَدْنَکُم بِأَمْوَلٍ وَبَنِینَ وَجَعَلْنَکُمْ أَکْثَرَ نَفِیراً
و هنگامی که نخستین وعده (از آن) دو فرا رسد، (گروهی از) بندگان سخت نیرومند (و جنگ آور) مان را بر شما بشورانیم، و میان خانه‌ها (یتان برای سرکوبی شما) به جستجو در آیند؛ و [این وعده‌ای واقع شده است.* سپس دوباره، (پیروزیِ) بر آنان را به شما باز گردانیم، و شما را بوسیله اموال و پسران امداد رسانیم، و نفرات شما را بیشتر (از دشمن) قرار دهیم.
نکات و اشارات:
۱. مقصود از فسادگری و سرکشی اول بنی اسرائیل همان است که در تاریخ آمده است که بیت المقدس توسط داود و سلیمان پیامبر «ع»
پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۴۴
ساخته شد. و بُخت النصر پادشاه بابل در حدود ۵۸۷ قبل از میلاد بر آن هجوم آورد و آن را ویران کرد. و این شهر حدود پنجاه سال به همان حال باقی ماند تا زمان کورش پادشاه هخامنشی ایران که یهودیان را از اسارت نجات داد و فلسطین از نو آباد شد. «۱»
۲. از واژه «عباداً لنا» استفاده می‌شود مردم (بابل) که به یهودیان حمله کردند مردمی باایمان بودند. که خدا بوسیله آنها از فسادگری یهودیان انتقام گرفت.
۳. از این آیات استفاده می‌شود که خدا پس از شکست سخت بنی اسرائیل در سرکشی اول، باز به آنان لطف کرد و به آنان قدرت و شوکت و نیروهای کارآمد عنایت فرمود. و آنها را بر دشمنان پیروز ساخت و در این رابطه به آنان اموال داد تا اقتصاد آنان قوی شود و نیز به آنان پسرانی عنایت کرد تا نیروی جنگی کارآمد داشته باشند.
۴. در برخی احادیث آیه اول بر قتل امام علی «ع» و آیه دوم بر یاران امام مهدی (عج) و یا رجعت و یا کسانی که قبل از قیام آن حضرت قیام می‌کنند، تطبیق شده است. چنانچه امام صادق (ع) در تأویل آیه
پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۴۵
می‌فرمایند: «و فساد قتل امیرالمومنین و زخمی شدن حسن بن علی (ع) است و منظور از هر آینه طغیانی بزرگ مرتکب خواهید شد قتل امام حسین (ع) است، «پس هنگامیکه وعده اول آنها برسد» یعنی هنگامیکه زمان پیروزی حسین (ع) شود بر می‌انگیزیم بر سرتان بندگانمان را که پر توان گوشه و کنار هر دیاری را پی جوئی کنند که آنها گروهی هستند که خداوند قبل از قیام قائم (ع) بر می‌انگیزاند که هیچ امر رها شده‌ای از آل محمد را نمی‌گذارند مگر آنکه آنرا در خواهند یافت و این وعده محقق الهی است. «۱»
اگر دوباره ستم، اهل حق زبون سازد
وگر زخون، همه جا جمله لاله گون سازد
نموده وعده خدا آورد عبادی را
که تخت و تاج ستم را زسرنگون سازد البته روشن است که اینگونه احادیث بطن آیه را بیان می‌کند یعنی مفهوم آیه در مورد وعده سرکشی قوم یهود را گسترش داده و شامل ملت اسلام نیز کرده است. و مصادیق جدید آیه را بیان نموده است. که همان قتل امام علی «ع» است. و در قیام یاران مهدی «ع» به نوعی جبران می‌شود. و مؤمنان واقعی پیروز می‌شوند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۴۶

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. پیام آیه اول آن است که وعده خدا در مورد سرکشـی و سرکوبی قوم یهود، یک بار در تاریخ واقع شده است. (پس منتظر تحقق وعده‌های دیگر خدا باشید.)

۲. پیام دیگر آیه آن است که وعده‌های الهی حتمی است.

۳. پیام آیه دوم آن است که گاهی امداد الهی، در سرمایه و نفرات تجلّی می‌یابد.

۴. آموزه آیه برای یهودیان آن است که به تاریخ پیشین خود توجه کنید و درس عبرت بگیرید. (و سرکشی نکنید)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۴۷

یاران مهدی، وارثان صالح زمین

قرآن کریم در آیات صد و پنجم و صد و ششم سوره انبیاء به قانون فرمانروای شایستگان بر زمین اشاره می کند و می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّلِحُونَ* إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَغاً لِّقَوْمٍ عَبِدِينَ

و بیقین در «زَبُور» بعـد از آگـاه کننـده [: تـورات نوشـتیم که: «بنـدگان شایسـته‌ام، آن زمین را به ارث خواهنـد برد.»* قطعاً در این (مطلب)، پیامی برای گروه پرستش کنندگان است.

نکات و اشارات:

۱. واژه «ارض» به مجموع کره زمین گفته می‌شود و سراسر جهان را شامل می‌شود. «۱» یعنی مؤمنان سرانجام بر سراسر زمین حاکم می‌شوند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۴۸

۲. واژه «ارث» به معنـای چیزی است که بـدون معـامله به کسـی منتقـل می‌شود، و در قرآن گـاهی به معنای پیروزی بر گروهی و در اختیار گرفتن امکانات آنها به کار رفته است. «۱» یعنی مؤمنان شایسته در نهایت بر مشرکان، کافران و افراد ناشایست پیروز می‌شوند و تمام امکانات زمین را بدست می‌آورند.

۳. واژه «زَبُور» در اصل به معنای هر گونه کتاب و نوشـته است، و در قرآن کریم معمولًا به معنای زبور داود «ع» بکار رفته است. این کتاب در عهـد قـدیم کتاب مقدّس، تحت عنوان «مَزامیر داود» آمده است که مجموعه‌ای از مناجات‌ها و اندرزهای داود پیامبر است. «۲»

۴. همانطور که قرآن فرموده است در موارد متعـددی از «مزامیر داود» بیان شـده که شایسـتگان بر زمین پیروز خواهنـد شـد، از جمله می گوید: «زیرا که شریران منقطع می‌شوند، اما متوکّلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد.» و در جای دیگر آمده است که: «زیرا متبرکان خداوند وارث زمین خواهند شد.» و در جای دیگر متواضعان را وارث زمین معرفی می کند. «۳»

۵. واژه «ذِکْر» در اصل به معنای یادآوری یا چیزی که مایه تذکّر

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۴۹

است. ولی این واژه در قرآن گاهی در معنای قرآن «۱» و گاهی در معنای تورات «۲» به کار رفته است. و در اینجا نیز ممکن است به معنای هر یک از این دو کتاب الهی باشد. و برخی مفسران ترجیح داده‌اند که به معنای تورات باشد. «۳»

۶. در این آیه یک قانون کلی و سنت الهی بیان شده که بندگان شایسته و صالح خدا بر زمین حاکم خواهند شد، این بندگان صالح کسانی هسـتند که از نظر عمل، علم، قدرت، تدبیر و درک اجتماعی شایسـته باشـند. و کسانی که این شایسـتگی‌ها را در خود ایجاد

کنند، خدا نیز به آنان کمک می‌کند که بر مستکبران پیروز شوند و وراث زمین گردند.

۷. در احادیث متعددی از اهل بیت «ع» این آیه به یاران امام مهدی «ع» تفسیر و تطبیق شده است.

از جمله از امام باقر «ع» حکایت شده که فرمودند: « (بندگان شایسته‌ای که در این آیه به عنوان وارث زمین از آنها یاد شد)، همان یاران مهدی- عجل‌اللّه تعالی فرجه الشریف- در آخر الزمان هستند.» «۴»

البته اینگونه احادیث مصداق‌های بارز این آیه را بر می‌شمارد و به معنای انحصار آیه در این افراد نیست.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۵۰

یعنی در هر زمان و مکان که بندگان شایسته خدا قیام کنند، موفق و پیروز می گردند و وارث حکومت آن سرزمین می‌شوند.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. پیام این آیات برای ما آن است که پیروزی نهائی از آن شایستگان زمین است. و این یک قانون الهی است.

۲. پیام دیگر آیات برای ما آن است که قانون پیروزی نهائی صالحان (و ظهور مهدی «عج») نور امید دل عابدان است.

۳. پیام دیگر این آیات آن است که برخی قوانین و سنّت‌های ثابت الهی در کتاب‌های آسمانی تکرار شده است. تا همگان بدانند.

۴. آموزه آیات آن است که اگر می‌خواهید وارث زمین شوید شایسته کردار گردید.

مهدی (عج) اجازه جنگ دارد

قرآن کریم در آیه سی و نهم سوره حج با اشاره به فلسفه جهاد، به مظلومان اجازه جهاد می‌دهد و می‌فرماید:

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُواْ وَإِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت (جهاد) داده شد، بخاطر اینکه آنان مورد ستم واقع شده‌اند؛ و قطعاً خدا بر یاری آنان تواناست.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۵۱

نکات و اشارات:

۱. هنگامی که مسلمانان در مکه بودند مشرکان آنان را آزار می‌رساندند، و آنان به پیامبر «ص» شکایت می کردند و اجازه جهاد می‌خواستند، اما پیامبر «ص» می‌فرمود: شکیبا باشید هنوز دستور جهاد به من داده نشده است. این جریان ادامه داشت تا اینکه مسلمانان به مدینه هجرت کردند، و خدا با نزول آیه فوق به آنان رخصت جهاد داد. «۱»

۲. برخی مفسران برآنند که این آیه نخستین آیه‌ای است که در مورد جهاد فرود آمده است. و لحن آیه و تعبیر اذن نیز با این مطلب سازگار است. «۲»

۳. در این آیه اشاره شده که خدا به مؤمنان مظلوم اجازه جهاد داد تا آنان توان خویش را بکار گیرند و با دشمن مبارزه کنند، و در این صورت است که از طرف خدا یاری می‌شوند چراکه خدا برای یاری آنان تواناست.

۴. شأن نزول آیه در مورد اجازه جهاد به اصحاب پیامبر (ص) است اما این آیه اختصاص به مورد شأن نزول ندارد بلکه یکی از مصادیق آیه اجازه ظهور و قیام و خون خواهی حضرت مهدی برای امام حسین (ع) است چنانچه از امام صادق روایت است که فرمودند این آیه درباره حضرت قائم و اصحاب او است. همچنین از امام صادق (ع) در تفسیر همین آیه حکایت شده که می‌فرمایند، اهل سنت می گویند این آیه درباره رسول خدا نازل

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۵۲

شده هنگامیکه کفار قریش آن حضرت را از مکه بیرون کردند و حال آنکه درباره حضرت قائم است که چون خروج کند برای

حسین خونخواهی نماید و این است فرمایش او «نحن اولیاءُکم فی الدم و طلب الدیه» ما اولیای خون و طالبان دیه هستیم. «۱»

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. پیام این آیه برای ما آن است که یکی از فلسفه‌های جهاد، دفع ظلم است.

۲. آموزه آیه برای ما آن است که اگر دشمنان جنگ را بر شما تحمیل کردند، شما نیز با آنان بجنگید.

مهدی (ع) هدایت نور الهی

قرآن کریم در آیه سی و پنجم سوره نور، با مثالی زیبا، نور خدا را توضیح می‌دهد و می‌فرماید:

اللَّهُ نُورُ السَّمَوَتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشكَوةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصبَاحُ فِى زُجَاجِةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّىٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكادُ زَيْتُهَا يُضِىءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِى اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَآءُ وَيَضرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ

خدا نورِ آسمان‌ها و زمین است؛ مثال نور او همانند چراغدانی است که در آن چراغی باشد، که [آن چراغ در بلوری است- [آن بلور چنانکه

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۵۳

گویی سیاره‌ای درخشان است- (و این چراغ با روغنی) از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی و نه غربی است، افروخته می‌شود؛ نزدیک است روغنش روشنی بخشد، و گر چه هیچ آتشی بدان نرسیده باشد. (این) نوری است بر فراز نور، خدا هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) به نور خود راهنمایی می‌کند؛ و خدا برای مردم مَثل‌ها می‌زند و خدا به هر چیزی داناست.

نکات و اشارات:

۱. نور پدیده‌ای است که آن را اینگونه تعریف کرده‌اند: «چیزی که در ذات خود آشکار است و ظاهر کننده دیگر چیزهاست.»

۲. نور دارای ویژگی خاصی است که به برخی آنها اشاره می‌کنیم:

نور زیبا و سرچشمه زیبائی‌هاست. بالاترین سرعت حرکت از آن نور است. «۱» نور وسیله مشاهده موجودات است. نور پرورش دهنده گیاهان و گلهاست. پیدایش رنگ نتیجه تابش نور است. انرژهای موجود در محیط زمین غالباً از نور سرچشمه می‌گیرد. نور نابود کننده میکرب‌هاست. نور هدایتگر مسافران و گمشدگان است. و ...

۳. در قرآن کریم به چند چیز نور گفته شده است که عبارتند از:

الف: خدا نور است همانطور که در آیه فوق آمده بود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۵۴

ب: ایمان به خدا نور است. «۱»

ج: خود قرآن نوری از جانب خدا است. «۲»

د: هدایت الهی نور است. «۳»

ه-: آیین اسلام نور است. «۴»

و: شخص پیامبر «ص» چراغی نور بخش است. «۵»

از احادیث نیز استفاده می‌شود که امامان معصوم «ع» و علم نور هستند. «۶»

۴. مقصود از اینکه خدا نور است، هدایتگری یا روشنگری یا زینت بخشی خدا به جهان است. یعنی خدا نور است و هر موجودی به هر اندازه که با او ارتباط دارد از نورانیّت برخوردار می‌شود. و از این روست که ایمان، قرآن، اسلام، پیامبر، امامان و علم نور

هستند، چون همه در ارتباط با او و سبب آشنائی مردم با نور خدا می‌شوند.

آری این ویژگی نور است که به همه چیز جان تازه و حرکت می‌دهد و آنها را پرورش داده و به سر منزل مقصود هدایت می کند. و موانع را از سرراهشان بر می‌دارد.

۵. در برخی احادیث از اهل بیت «ع» حکایت شده است که:

مقصود از نور بودن خدا، هدایتگری او برای اهل آسمانها و اهل زمین است. «۷»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۵۵

البته هـدایتگری یکی از خواص نور الهی است اما منحصـر در آن نیست. و هر کـدام از تفسیرهای نور خدا، به یکی از ابعاد این نور اشاره دارد.

۶. واژه «مِشـکاه» به معنای محفظه‌ای برای چراغ است که آن را در برابر باد و طوفان حفظ می‌کنـد و غالباً در دیوار ایجاد می‌شـده تا نور چراغ را متمرکز ساخته و منعکس نماید.

و واژه «زُجـاجَه» در اصـل به معنای سـنگ شـفاف است و از آنجا که شـیشه از سـنگ ساخته می‌شود و شـفاف است به آن نیز گفته می‌شود. و در اینجا مقصود حبابی است که بر روی چراغ می گذارند تا شـعله را محافظت کند و گردش هوا را تنظیم نماید. و بر نور چراغ بیفزاید. و «مصباح» به معنای خود چراغ است.

۷. درخت زیتون درختی پربرکت است. که روغن آن یکی از بهترین روغن‌ها برای اشتعال است. بویژه که اگر درخت وسط بـاغ باشـد و در طرف شـرق و غرب بـاغ و کنـار دیوارها نباشـد. که نور آفتاب به همه جای درخت بتابـد و برخی قسـمت‌های آن نارس نگردد. و روغنش ناصاف نشود.

۸. نـور خـدا که به صـورت شـعله‌های ایمـان در مصـباح قلب مـؤمن آشـکار می‌شود و حبـاب قلب او ایمـان را در درون خود تنظیم می کند و مشـکوه سینه او که همان مجموعه شخصیت مؤمن است ایمانش را از گزند حوادث حفظ می کند. و درخت مبارک وحی الهی که عصـاره آن قرآن است، ایمـان مؤمنـان را شـعله ور و پر بـار می‌سـازد. و وجود مؤمنـان را روشن می‌نمایـد. و هنگامی که با دلایل عقلی همراه می‌شود نور علی نور

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۵۶

می‌شود. «۱»

البته وقتی این نور الهی در قلب روشن می‌شود که قلب انسان با

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۵۷

خودسازی و اخلاق آماده شود. و نور وحی از آلودگی گرایش‌های انحرافی شرقی و غربی بر کنار بماند.

۹. در احـادیث اهـل بیت «ع» مشـکوه را به نور علم پیـامبر «ص» و زُجاجه را به سـینه علی و نور علی نور را به امام معصوم که با نور علم تأییـد می‌شود. و درخت مبـارک را به ابراهیم خلیـل که ریشه است و لا شـرقیه ولا غربیه را به نفی گرایشـهای یهود و مسـیحیت تفسیر کرده‌اند.

در روایتی دیگر از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده که می گوید: در مسـجد کوفه داخل شدم در حالی که امیرالمومنین با انگشـتان مبـارک خود می‌نوشت و تبسم فرمود، گفتم یـا امیرالمومنین چه چیز شـما را به خنـده آورد؟ فرمود عجب دارم از آن که این آیه را می‌خواند ولی به حق به آن معرفت ندارد، گفتم کدام آیه؟ فرمود: اللَّهُ نُورُ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ ... مثل نوره کمشـکوه مشکوه محمد (ص) است فیها مصـباح منم مصـباح زجاجه الزجاجه حسن و حسـین (ع) هسـتند کأنّها کوکب دُرّی علی بن الحسین (ع) است یوقد من شجره مبارکه محمد بن علی (ع) است زیتونه جعفر بن محمد (ع) است لاشرقیه موسی بن جعفر (ع) است لاغربیه علی بن موسی

الرضا (ع) است یکاد زیتها یُضی محمد بن علی (ع) است ولو لم تمسه نارٌ علی بن محمد (ع) است نور علی نور حسن بن علی (ع) است و یهدی الله

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۵۸

لنوره من یشاء قائم مهدی (ع) است. «۱»

در این احادیث مصداق‌های کامل این آیه بیان شده است. اما این

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۵۹

بدان معنا نیست که آیه منحصر به این موارد است. «۱»

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. پیام این آیه برای ما آن است که جهان از خدا روشن است.

۲. پیام دیگر آیه برای ما آن است که نور الهی چند لایه است.

۳. آموزه آیه آن است که بدنبال نور الهی باشید که هدایت به سوی نور الهی، بدست خداست.

خلافت زمین بدست مهدی (ع)

قرآن کریم در آیه پنجاه و پنجم سوره نور به مؤمنان نوید حکومت جهانی، پیروزی اسلام، آرامش و توحید می‌دهد و می‌فرماید: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ ءَامَنُواْ مِنکُمْ وَعَمِلُواْ الصَّلِحَتِ لَیَستَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضَی لَهُمْ وَلَیُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنِی لَا یُشْرِکُونَ بِی شَیْئاً وَمَن کَفَرَ بَعْدَ ذَلِکَ فَأُوْلَئِکَ هُمُ الْفَسِقُونَ

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد،

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۶۰

همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین کرد؛ و مسلماً دینشان را که برای آنان پسندیده است، به نفعشان مستقر خواهد کرد، و البته بعد از ترسشان (وضعیت) آنان را به آرامش مبدّل می‌کند، در حالی که مرا می‌پرستند [و] هیچ چیز را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که بعد از آن کفر ورزند، پس فقط آنان نافرمانبردارند.

شأن نزول:

داستان نزول آیه فوق اینگونه حکایت شده که مسلمانان هنگامی که به مدینه مهاجرت کردند، قبایل جزیره العرب و مکه بر ضد آنان شوریدند، و با مخالفت‌ها و تهدیدهای فراوانی رو برو شدند، و زندگی ناامنی داشتند بطوری که دائماً در حالت آماده باش نظامی بودند و باید شب و روز اسلحه را از خود دور نمی‌کردند، این حالت بر مسلمانان سخت آمده و برخی گفتند: تا کی این حالت ادامه دارد آیا زمانی فرا می‌رسد که ما با آرامش زندگی کنیم.

آیه فوق بدین مناسبت فرود آمد و به آنان مژده داد که زمان پیروزی و آرامش فرا خواهد رسید. «۱»

نکات و اشارات:

۱. خدا در این آیه به مؤمنان شایسته کردار، چهار وعده داده است:

نخست آنکه آنان صاحب حکومت جهانی می‌شوند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۶۱

دوم آنکه دین حق در همه جا امکانات نشر می‌یابد.

سوم آنکه نگرانی‌های آنان به آرامش و امنیت تبدیل می‌شود.

و چهارم آنکه در نهایت توحید خالص و خدا پرستی تحقق می‌یابد.

۲. در این آیه بیان شده که گروهی از مردم قبل از مسلمانان بر زمین حکومت و خلافت کردند. «۱» مقصود از این گروه، یا افرادی همچون آدم، داود و سلیمان و بنی اسرائیل هستند که قرآن به خلافت و حکومت آنان اشاره کرده است. و یا مقصود گروهی از اقوام مؤمن و صالح است که بر زمین یا بخشی از آن حکومت کردند. «۲»

البته مانعی ندارد که حکومت همه این افراد و گروهها مقصود آیه باشد.

۳. مقصود از «ارض» در این آیه یا کل جهان و حکومت جهانی است و یا بخشی از زمین است. البته با توجه به اینکه حکومت‌های پیشینیان که در این آیه به آنها اشاره شده شامل بخشی از زمین می‌شد، مانعی ندارد که مقصود از «ارض» بخشی از زمین باشد.

۴. وعده الهی در مورد حکومت و خلافت که در این آیه وعده داده شد، مخصوص چه کسانی است؟ برخی از مفسران آن را مخصوص صحابه پیامبر «ص» می‌دانند که در عصر رسول خدا به حکومت بخشی از زمین دست یافتند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۶۲

و برخی آن را اشاره به همه مسلمانانی می‌دانند که مؤمن و شایسته کردارند و به حکومت الهی دست می‌یابند.

و برخی دیگر از مفسران این آیه را اشاره به حکومت جهانی امام

مهدی «ع» می‌دانند. «۱»

البته مانعی ندارد که این آیه اشاره به همه این موارد باشد. و هر کدام مصداقی از آیه باشند. و مصداق کامل آن در زمان حضرت مهدی (عج) تحقق یابد که جهانی‌سازی مثبت انجام می‌گیرد.

۵. در احادیث اسلامی حکایت شده که این آیه اشاره به مهدی آل محمد «ص» است. و در حدیثی از امام سجاد «ع» حکایت شده که فرمودند: «بخدا سوگند مقصود از این افراد شیعیان ما هستند، خدا این کار را بدست مردی از ما انجام می‌دهد که او مهدی این امت است. و زمین را پر از عدل و داد می‌کند همانگونه که پر از ظلم و جور شده باشد. و اوست که پیامبر «ص» در مورد او فرمود: «اگر از عمر دنیا، جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن روز را آنقدر طولانی می‌کند تا مردی از دودمان من که نامش نام من است، زمین را پر از عدل و داد کند. همانگونه که پر از ظلم و جور شده است.» «۲»

۶. در این آیه اشاره شده که هدف نهایی توحید، نفی شرک و عبادت خالص خداست. یعنی حکومت جهانی، آرامش و استقرار آیین حق، همه

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۶۳

مقدمه آن است که توحید در جامعه پیاده شود. و مردم به پرستش خدا روی آورند که مایه تکامل و رشد آنهاست.

۷. در این آیه اشاره شده که اگر حکومت جهانی الهی نیز تشکیل شود، بازهم برخی افراد نافرمانبردار و فاسق هستند که به کژ راهه می‌روند و راه کفر می‌پیمایند.

آری تا انسان دارای آزادی و اختیار است، در هر جامعه‌ای افراد مؤمن و منحرف پیدا خواهند شد. و این لازمه حرکت تکاملی و آزادانه انسان است.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. آموزه آیه برای ما آن است که به آینده امیدوار باشید که آینده بشریت روشن و نوید بخش است.

۲. پیام این آیه برای ما آن است که سرانجام خلافت و حکومت از آن مؤمنان شایسته کردار است.

۳. پیام دیگر آیه آن است که در نهایت دین اسلام بر جهان حاکم می‌شود و جهانی‌سازی مثبت تحقق می‌یابد.

۴. پیام دیگر آیه آن است که در آینده، آرامش و امنیت در انتظار مؤمنان است.

۵. پیام دیگر آیه آن است که نتیجه حکومت مؤمنان صالح، پیاده شدن توحید در جامعه است.

۶. پیام دیگر آیه آن است که حتی در حکومت عدل الهی، افراد منحرفی پیدا می‌شوند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۶۴

مهدی (عج) مضّطر حقیقی

قرآن کریم در آیه شصت و دوم سوره نمل به نشانه‌های دیگر خدا در رفع مشکلات اشاره می کند و می‌فرماید:

أَمَّنْ یُجِیبُ المُضطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَیَکْشِفُ السُّوءَ وَیَجْعَلُکُمْ خُلَفَاءَ الأَرْضِ أَإِلَهٌ مَعَ اللَّهِ قَلِیلًا مَا تَذَکَّرُونَ

بلکه آیا (معبودان شما بهترند یا) کسی که درمانده را، به هنگامی که او را می‌خواند، اجابت می کند، و (گرفتاری) بد را برطرف می‌سازد، و شما را جانشینان (خود یا گذشتگان در) زمین قرار می‌دهد؛ آیا معبودی با خداست؟! چه اندك متذكّر می‌شوید.

نکات و اشارات:

۱. در این آیه اشاره شده که هرگاه تمام درها و اسباب جهان به روی انسان بسته شود و از هر نظر درمانده گردد، تنها کسی که می‌تواند مشکلات را برطرف سازد، و نور امید دردل‌ها بتاباند و دعای انسان‌های گرفتار را مستجاب کند، ذات پاک خداست.

رحم آر بر دلِ من کز مهر روی خوبت

شد شخص ناتوانم باریک چون هلالی (حافظ)

۲. مقصود از «جانشینان زمین» یا همان ساکنان زمین هستند که خدا آنان را حکمران و صاحب اختیار نعمت‌های زمین قرارداده است و وسایل رفاه و آرامش آنان را فراهم کرده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۶۵

و یا منظور جانشین شدن اقوام به جای همدیگر در زمین است. «۱»

و یا مقصود جانشین شدن نوع انسان بجای خدا در زمین است که در آیات دیگر قرآن بدان اشاره شده است. «۲»

البتّه معنای اول و سوم قابل جمع است و ممکن است مقصود آیه هرسه معنا باشد.

۳. در برخی احادیث از امام باقر و امام صادق «ع» حکایت شده که: «مقصود از مُضطرّ در این آیه قائم آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم است. که خدا دعای اورا مستجاب می‌سازد و مشکلات او را. برطرف می‌سازد و اورا خلیفه زمین می گرداند.» «۳»

البتّه اینگونه احادیث مصداق روشن مضطرّ را بیان می کند و گرنه مفهوم آیه شامل هرفرد مُضطرّ که دعاکند، می‌شود. «۴»

۴. سالک اضطرار خود را در نظر بگیرید:

امام عارفان در این مورد می‌نویسند: «پس بهتر است که سالك الی اللَّه پای سلوك خود را بشکند و از اعتماد به خود و ارتیاض (: ریاضت کشیدن) و عمل خود یکسره برائت جوید و از خود و قدرت و قوت خود فانی شود، و فنا و اضطرار خود را همیشه در نظر گیرید تا مورد عنایت شود و راه صد ساله را با جذبه ربوبیّت یک شبه طی نماید و لسان باطن و

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۶۶

حالش در محضر قدس ربوبیّت با عجز و نیاز عرض کند: «امن یحبیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء.» «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. آموزه آیه برای ما آن است که هنگام بر آورده شدن دعاها و رفع مشکلات، نشانه‌های خدا را ببینید.

۲. پیام دیگر آیه آن است که یکی از سرچشمه‌های شرك غفلت و پند ناآموزی است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۶۷

حکومت مهدوی حکومت مستضعفان

قرآن کریم درآیات پنجم و ششم سوره قصص به قانون پیروزی مستضعفان در زمین و سرکوبی مستکبران اشاره می کند و می‌فرماید:

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الوَارِثِينَ* وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ

و می‌خواهیم که برکسانی که در زمین مستضعف شده بودند، منّت نهیم و آنان را پیشوایان (زمین) گردانیم وآنان را وارثان (آن) قرار دهیم.* و در زمین به آنان امکانات دهیم، و به فرعون وهامان و لشکریانشان، آنچه را همواره از آن (بنی اسرائیلی) ان بیم داشتند بنمایانیم.

نکات و اشارات:

۱. هرچند که این آیات درمورد پیروزی موسی و بنی اسرائیل و نابودی فرعونیان فرود آمده است، اما یک قانونی کلی و امید بخش را

درمورد همه مستضعفان و مستکبران جهان بیان میکند؛ «۱» که موسی و فرعون یکی از مصادیق آن و پیروزی پیامبر اسلام «ص» مصداق دیگر و حکومت جهانی امام مهدی «ع» مصداق کامل آن است.

۲. دربرخی از احادیث از امام علی «ع» حکایت شده که: «آیه فوق در مورد آل محمد «ص» است که خدا مهدی آنان را بعد از زحمات و فشارهایی که برآنان وارد می‌شود، بر می‌انگیزد و آنان را عزّت می‌دهد و دشمنانشان را ذلیل می‌سازد.» «۲»

البتّه روشن است که حکومت جهانی امام مهدی (عج) مصداق کامل آیه است ولی موجب انحصار معنای آیه نمی‌شود چون آیه فوق یک قانون کلی را بیان می کند. که در هر زمان مصداقی دارد.

۳. واژه «منّت» به معنای بخشیدن نعمت بزرگ و سنگین است. و اگر درمورد مردم استعمال شود به معنای بازگوکردن نعمت است که کار ناپسندی است اما درمورد خدا به معنای بخشیدن نعمت است. «۳»

۴. واژه «مُستَضعف» به معنای فرد ضعیف و ناتوان نیست بلکه به معنای کسی است که به ناتوانی کشیده شده وضعیف گردیده است.

یعنی فرد نیرومندی که از طرف ستمکاران تحت فشار قرارگرفته است و نمی‌تواند استعدادها و نیروهای خود را آشکارسازد. «۴»

۵. مستضعفان گاهی از ناحیه فکری، فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی یا سیاسی ضعیف نگاه داشته شده‌اند. اما چیزی که قرآن بر آن تاکید بیشتری دارد استضعاف سیاسی و اخلاقی است. «۱» آری استعمارگران و استثمارگران، نخست مردم راگرفتار استضعاف فرهنگی و سیاسی می کنند، سپس منابع اقتصادی آنان را غارت می کنند و به استضعاف اقتصادی می کشانند. و قدرت قیام را از آنان می گیرند.

۶. مستکبران برای نابودی مستضعفان برنامه‌هایی طراحی می کنند که در آیات قبل اشاره شد، از راه تفرقه افکنی، نابودی نسل جوان و فساد وارد می‌شوند، همانطور که در جهان کنونی آثار آن را در توسعه فحشاء، شراب، مواد مخدّر وبی‌بند و باری فرهنگی و سرگرمی‌های ناسالم می‌بینیم. اما پیامبران الهی و بویژه قرآن کریم در همه جا به حمایت از مستضعفان برخاسته‌اند و خطرات مستکبران فسادگر و برتری طلب را به آنان گوشزد نموده‌اند.

۷. قرآن کریم در آیات فوق پنج مرحله قانون پیروزی مستضعفان را اینگونه بیان‌کرده‌است: نخست خدا به آنان نعمت بزرگ (همچون دین و رهبری الهی) می‌دهد.

در مرحله دوّم مستضعفان را پیشوایان اهل زمین می گرداند.

در مرحله سوم مستضعفان را وارث اموال و زمین‌های دشمنان می گرداند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۷۰

در مرحله چهارم مستضعفان را به حکومت جهانی زمین می‌رساند.

و در مرحله پنجم مستکبران را مجازات می کند و به سزای اعمالشان می‌رساند.

تحمل کن ای ناتوان از قوی

که روزی تواناتر از وی شوی

لب خشک مظلوم را گو بخند

که دندان ظالم بخواهند کند (سعدی)

۸. «هامان» وزیر معروف فرعون بود که در دستگاه او نفوذ زیادی داشت، بطوری که قرآن لشکریان مصر را به او و فرعون نسبت می‌دهد. «۱»

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. پیام این آیات برای ما آن است که جهان فرجام امید بخشی دارد و پیروزی نهایی از آن مستضعفان است.

۲. آموزه آیات آن است که مستضعفان بدنبال پیشوایی، حکومت جهانی و وراثت زمین باشند.

۳. پیام دیگر آیه ششم آن است که مستکبران از آنچه می‌ترسند به سرشان می‌آید.

نورانی شدن زمین با نور مهدوی

قرآن کریم در آیات شصت و نهم و هفتادم سوره زمر به شش و یژگی رستاخیز اشاره می کند و می‌فرماید:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۷۱

وَأَشْرَقَتِ الأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالحَقِّ وَهُمْ لا يُظْلَمُونَ* وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُوَ أعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ

و (در رستاخیز) زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود، و نامه (اعمال) نهاده می‌شود، و پیامبران و گواهان آورده می‌شوند، و بینشان به حق داوری می‌شود درحالی که آنان مورد ستم واقع نمی‌شوند.* و به هر شخص آنچه انجام داده است بطور کامل داده شود؛ و او نسبت به آنچه انجام دهند داناتر است.

نکات و اشارات:

۱. مقصود از روشن شدن زمین با نور پروردگار چیست؟

مفسران قرآن در این مورد چند احتمال داده اند:

اول آنکه منظور از نور پروردگار، همان حق و عدالت است که در رستاخیز همه جا را پرمی کند.

دوم آنکه نوری غیر از نور خورشید است که خدا در رستاخیز می آفریند.

و سوم آنکه مقصود کنار رفتن حجاب‌ها و ظاهرشدن حقایق امور است.

البته این تفسیرها با هم منافاتی ندارد و ممکن است همه آنها مقصود آیه باشد.

۲. هرچند که نور الهی همه جهان را فرا می‌گیرد ولی در این آیه به زمین اشاره شده، چراکه هدف اصلی بیان حال مردم روی زمین است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۷۲

۳. در برخی احادیث این آیه را به قیام امام عصر (عج) تفسیر کرده‌اند «۱» که نوعی تطبیق و تشبیه است، چراکه قیام امام مهدی «ع» نمونه‌ای از صحنه رستاخیز است که عدالت درهمه جاگسترده می‌شود. و نور الهی امامت همه جا را روشن می‌کند.

۴. برخی مفسران برآنند که مقصود ازگواهان رستاخیز نیکان، پاکان عادل همه امت ها و شهیدان و امامان معصوم و فرشتگان و اعضای بدن و حتی مکان و زمان هستند، که شاهد اعمال انسان ها بوده و در محضر خدا گواهی می‌دهند. «۲»

۵. هرچند که خدا از همه اعمال بندگان آگاه است اما با این حال گواهانی را در رستاخیز می‌آورد تا تاکیدی به عدالت او باشد و این نوعی لطف و اتمام حجّت است.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. پیام این آیات برای ما آن است که رستاخیز روز نورانی شدن جهان است.

۲. پیام دیگر آیه آن است که در دادگاه رستاخیز، پرونده اعمال و گواهان و قاضی عادل و حق طلب، آماده (رسیدگی به اعمال شما) است.

۳. پیام دیگر آیات آن است که در رستاخیز هرکس نتیجه اعمال خود را (بصورت پاداش یا کیفر) دریافت می‌کند.

۴. آموزه آیات آن است که رستاخیز داوری عادل و آگاه دارد (پس مراقب اعمال خود باشید.)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۷۳

قیام مهدی (عج) تاویل حروف مقطعه

قرآن کریم در آیات اول تا چهارم سوره شوری به حروف مقطعه و مسأله وحی و صفات خدای متعال اشاره می‌کند و می‌فرماید:

حم* عسق* كَذلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ* لَهُ مَا فِي السَّماوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

حا، میم.* عین، سین، قاف.* این چنین خدای شکست‌ناپذیر فرزانه به سوی تو و به سوی کسانی که پیش از تو بودند وحی می‌کند.* آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است فقط از آن اوست؛ و او بلند مرتبه [و] بزرگ است.

نکات و اشارات:

۱. حروف مقطعه، عبارت است از رموزی بین خدا و پیامبر «ص» که تفسیرهای متعددی برای آنها شده است. این حروف می‌تواند اشاره به آن

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۷۴

باشد که این قرآن معجزه آسا از همین حروف معمولی ساخته شده است اگر می‌توانید مثل آن را بیاورید. «۱»

۲. برخی مفسران برآنند که سوره هایی که با حروف مقطعه مشابه همدیگر شروع می‌شوند محتوای آنها شبیه همدیگر است یعنی ارتباطی بین حروف مقطعه و محتوای سوره وجود دارد. بطوری که محتوای سوره‌هایی که «الم» دارد مشابه است و محتوای سوره‌ای که «المص» دارد جامع میان محتوای سوره‌های «الم» و سوره «ص» است. «۲»

۳. حروف «حم» در هفت سوره قرآن آمده است، یعنی سوره‌های: مؤمن، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جاثیه، احقاف.

در برخی احادیث حکایت شده که: حاء اشاره به رحمان و میم اشاره به مجید و عین اشاره به علیم و سین اشاره به قدوس و قاف اشاره به قاهر از صفات و نام‌های خداست. «۳»

۴. یکی دیگراز تفاسیر حروف مقطعه در ابتدای این سوره مربوط به امام مهدی (ع) می‌باشد. چنانچه از امام باقر (ع) روایت شده که فرمودند حم به معنای حتمی بودن است و عین عذابست و بین قحطی است از قبیل قحطی زمان حضرت یوسف (ع) و قاف عبارت است از قذف و مسخ و خسف که در آخرالزمان واقع می‌شود بسبب سفیانی و اصحاب او و جمع کثیری از کلب که عدد آنها سی هزار نفر است و با سفیانی خارج

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۷۵

می‌شوند و این قضیه در زمان قائم (عج) ما اهل بیت در مکه واقع می‌گردد و او مهدی این امت است. «۱»

۵. خدا قرآن و همه کتاب‌های آسمانی را از سرچشمه قدرت و حکمت خویش نازل کرد همان خدایی که مالکیت و حاکمیت مطلق آسمان‌ها و زمین را دارد و بر اساس همین مالکیت سرنوشت موجودات را مشخص می‌سازد با حکمت خویش از طریق وحی به آنها برنامه می‌دهد، آری او بلند مرتبه و بزرگ است.

۶. در این آیات به پنج صفت خدا اشاره شده است که عبارتند از:

عزیز، حکیم، مالک هستی، بلند مرتبه، عظیم.

که همه این صفات با نزول وحی و قرآن در ارتباط است.

۷. واژه «کذلک» به معنای «اینچنین» است و این اشاره به حروف مقطعه است که قرآن و کتاب‌های آسمای دیگر با همین حروف معمولی نازل شده است یا اینکه اشاره به محتوای سوره و مطالب بلند آن است که همه جا سرچشمه وحی خداست.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. پیام این آیات این است که قرآن از همین حروف معمولی ساخته شده است (اگر می‌توانید مثل آن را بیاورید.)

۲. پیام دیگر آیات آن است که وحی جلوه‌ای از عزّت، حکمت، مالکیت، بلند مرتبه‌گی و بزرگی خداست.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۷۶

۳. پیام دیگر آیات آن است که وحی به پیامبر اسلام و پیامبران قبلی همگون بوده است.

۴. آموزه آیات آن است که وحی و صفات الهی را بشناسید (و حرکت خود را در آن راستا قرار دهید.)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۷۷

جهانی سازی مهدوی

قرآن کریم در آیه بیست و هشتم سوره فتح به پیروزی نهایی اسلام بر همه ادیان و جهانی‌سازی اسلامی اشاره می کند و می‌فرماید:

هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَکَفَی بِاللَّهِ شَهِیداً

او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند؛ و گواهی خدا کافی است.

نکات و اشارات:

۱. در این آیه وعده پیروزی دراز مدت اسلام برجهان را می دهد، پیروزی‌هایی که بدنبال صلح حدیبیه یکی پس از دیگری تحقق می‌یابد و روشن می‌سازد که این صلح فتح المبین اسلام‌بود.

۲. در اینجا پرسشی مطرح است که پیروزی اسلام چگونه خواهد بود و چه زمانی تحقق می‌یابد؟!

مفسران در این مورد دوگونه پاسخ داده‌اند:

اول آنکه مقصود پیروزی منطقی و استدلالی اسلام برادیان دیگر است که هم اکنون تحقق یافت است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۷۸

دوم آنکه پیروزی نظامی وظاهری برادیان دیگر است که تاکنون مناطق وسیعی از جهان و بیش از یک میلیارد نفر تحت پرچم اسلام قرارگرفته‌اند و در آینده تمام جهان وجهانیان زیر پرچم اسلام می‌آیند همانطور که درآیات قرآن مکرر براین مطلب تاکید شده است. «۱» این کار در زمان امام مهدی (عجل‌اللَّه تعالی فرجه الشریف) تکمیل خواهد شد و نوعی جهانی‌سازی اسلامی تحقق می‌یابد که برای بشریت نتایج مثبتی به بار می‌آورد.

۳. درحدیثی از پیامبر اسلام «ص» حکایت شده که: «درروی زمین خانه‌ای و خیمه‌ای باقی نمی‌ماند مگر آنکه خدا اسلام را در آن وارد می‌کند.» «۲»

۴. آیه فوق نوعی پیشگوئی پیروزی نهایی اسلام است و هر پیشگوئی نیاز به گواه وشاهد صدق دارد، ودر اینجا خدای متعال خود شاهد و گواه است. و نیاز به شاهد دیگری ندارد.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. پیام این آیه آن است که پیروزی نهایی از آنِ اسلام است.

۲. آموزه آیه برای مسلمانان آن است که به آینده پیروزمند خویش امیداوار باشید.

۳. پیام دیگر آیه آن است که در عصر کنونی پیامبر اسلام صاحب هدایت و دین حق است.

۴. پیام دیگر آیه آن است که گواه پیروزی اسلام، خداست.

۵. آموزه دیگر آیه آن است که بدنبال جهانی‌سازی اسلامی باشید.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۷۹

ندای آسمانی در هنگام قیام مهدی (عج)

قرآن کریم در آیات چهل و یکم تا چهل و چهارم سوره ق به بانگ بیدار باش رستاخیز و حالات مردم در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید:

وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِن مَكَانٍ قَرِيبٍ* يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَهَ بِالْحَقِّ ذلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ* إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ* يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعاً ذلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ

و گوش فرا ده روزی که دعوت گر از مکانی نزدیک ندا می‌دهد،* (همان) روزی که بانگ (بزرگ ستاخیز) را به حق می‌شنوند؛ آن روز خروج (از قبرها) است.* در حقیقت فقط ما زنده می‌کنیم و می‌میرانیم، و فرجام (همه) تنها به سوی ماست.* روزی که زمین برآنان بشکافد، بسرعت (از آن بیرون می‌آیند)؛ این گرد آوری است که برای ما آسان است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۸۰

نکات و اشارات:

۱. در این آیات خطاب به پیامبر اسلام «ص» است که گوش به منادی رستاخیز دهد، ویا انتظار آن روز را بکشد «۱» ولی در حقیقت مقصود آیات همه انسان‌ها هستند، که منتظر حادثه وحشتناک رستاخیز باشند و دائماً گوش دهند تا صدای بانگ آسمانی رستاخیز را بشنوند.

۲. منادی روز رستاخیز یا خدای متعال است و یا اسرافیل آن فرشته بزرگ الهی است که در شیپور بیدار باش رستاخیز می‌دمد و بانگ آسمانی او در فضا می‌پیچد و از نزدیک به گوش همگان می‌رسد.

۳. مقصود از مکان نزدیکی که منادی رستاخیز از آن ندا می‌دهد، آن است که صدای او (همچون امواج رادیویی) چنان نزدیک است که گوئی در گوش انسان سخن می گوید. «۲»

۴. مقصود از بانگ آسمانی در این آیات همان بانگ دوم است که برای زنده شدن مردگان وخروج آنها از زمین به سوی صحنه رستاخیز است، آری در آن روز همه انسان‌ها به سوی خدا بازمی گردند.

۵. یکی از مصادیق این ندا قیام و خروج حضرت مهدی است چنانچه علی بن ابراهیم در تفسیر منسوب به امام صادق (ع) می گوید: امام فرمودند: «منادی صیحه حضرت قائم و نام پدرش را ندا می کند و اینکه

پرسش و پاسخهای قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۸۱

خداوند فرموده: «یوم یسمعون الصیحه بالحق ذلک یَوم الخروج» منظور صیحه از سوی آسمان بنام قائم است و آن روز خروج و ظهور است. «۱»

۶. واژه «حَشْر» به معنای گردآوری از هرسو است که دراینجا مقصود جمع کردن مردم در رستاخیز است و این کار برای خدا آسان است چون علم و قدرت بی نهایت دارد و جای همه را می‌داند و می‌تواند همگان را جمع کند.

۷. در احادیث حکایت شده که اولین کسی که زنده می‌شود و از قبر خارج گشته و وارد صحنه رستاخیز می‌شود، پیامبر اسلام «ص» است و امام علی «ع» همراه اوست. «۲»

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. آموزه آیه چهل و یکم برای ما آن است که منتظر و گوش به بانگ رستاخیز باشید.

۲. پیام آیه آن است که ندای رستاخیز را از نزدیک خواهید شنید.

۳. پیام آیه چهل و دوم آن است که بانگ رستاخیز حق است.

۴. پیام دیگر آیه آن است که مردم با بانگ رستاخیز زنده و از زمین خارج می‌شوند.

پرسش و پاسخهای قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۸۲

۵. پیام آیه چهل و سوم آن است که زندگی، مرگ و بازگشت شما به سوی خداست.

۶. پیام آیه چهل و چهارم آن است که رستاخیز روز شکافته شدن زمین و شتاب مردم و جمع آوری آنان است.

۷. پیام دیگر آیه آن است که رستاخیز شما، بر خدا سخت نیست.

پرسش و پاسخهای قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۸۳

مهدی (ع) تکمیل کننده نور الهی

قرآن کریم درآیه هشتم و نهم سوره صف به تلاش بیهوده کافران برای خاموش ساختن نور خدا و پیروزی نهایی دین حق اشاره می کند و می‌فرماید:

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ* هُوَ الَّذِى أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

[کافران می‌خواهند تا نور خدا را بادهان‌هایشان خاموش سازند؛ درحالی که خدا کامل کننده نور خویش است، و گرچه کافران ناخشنود باشند.* او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند، و گرچه مشرکان ناخشنود باشند.

نکات و اشارات:

۱. مضمون آیه هشتم سوره صف، در سوره توبه آیه ۳۲ و مضمون آیه نهم سوره صف در سوره توبه آیه ۳۳ و سوره فتح آیه ۲۸ تکرار شده است، هرچند که برخی نکات ریز این آیات با هم تفاوت دارد ولی پیام اصلی آیات همگون است و این مطلب نشان

دهنده اهمیت این پیام است

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۸۴

که پیروزی نهایی اسلام برجهان و شکست نهایی کافران و مشرکان است.

آری همه توطئه‌های کافران همچون تهمت‌های آنان بر پیامبر، محاصره اقتصادی، تحمیل جنگ‌ها، نفاق، ایجاد اختلاف بین مسلمانان و تقسیم کشور اسلام به بیش از پنجاه کشور، نقشه‌های ایجاد انحراف در جوانان، تهاجم فرهنگی و تبلیغاتی، استعمار سیاسی و نظامی و استثمار و تحمیل استبداد برمسلمانان با شکست رو بروخواهد شد و سرانجام دین حق اسلام بر جهان سایه می‌افکند.

۲. تعبیر «دین حق» برای اسلام و تذکر اینکه سرانجام این دین برهمه ادیان پیروز می‌شود اشاره به آن است که دین حق یکی است و پس از ظهور اسلام ادیان دیگر باطل است و پیروان آنها سرانجام شکست خواهند خورد، بنابراین یک راه مستقیم بیشتر وجود ندارد و همه ادیان در یک زمان حق نیستند. «۱»

البته ادیان الهی هرکدام در مقطع زمانی خاص خود حق و قابل پیروی هستند اما هنگامی که پیامبر بعدی با دین کامل‌تر می‌آید، دین قبلی نسخ می‌شود و پیروی از دین‌جدید موجب نجات خواهد بود تا اینکه کامل‌ترین دین یعنی اسلام ظاهر شد. که دین حق نهایی است و برهمه ادیان پیروز خواهد شد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۸۵

۳. در آیه فوق راه خدا و آیین اسلام و قرآن کریم به نور و روشنائی تشبیه شده که منشأ حیات زیبائی و رشد و حرکت و آبادانی در زمین

است.

آری اسلام آیینی حرکت آفرین است که جامعه انسانی را در مسیر تکاملی به پیش می‌برد وسرچشمه هر خیر و برکت است.

۴. در آیه فوق تلاش دشمنان اسلام به «فوت کردن بادهان» تشبیه شده است. یعنی آنان می‌خواهند نور آفتاب را با دهان خود خاموش کنند. و این نهایت حقارت تلاش یک مخلوق ناتوان را در برابر اراده و قدرت بی‌پایان الهی نشان می‌دهد.

چراغی را که ایزد برفروزد

هر آنکس پُف کند ریشش بسوزد ۵. تعبیر «یُطفِئُوا» در آیه فوق در آیه ۳۲/ توبه هم آمده است اما در سوره صف همراه با «لام» آمده است. برخی لغویین بر آنند که این تعبیر در اینجا اشاره به خاموش کردن بدون مقدمه است و در آیه هشتم سوره صف اشاره به خاموش کردن همراه با مقدمات و اسباب است. «۱» که در هر دو صورت این تلاش دشمنان اسلام با شکست روبروخواهد شد.

۶. از اینکه تعبیر «یُریدُون» در آیه فوق بصورت مضارع آمده است، نشان می‌دهد که خواستو توطئه‌های دشمنان بر ضد اسلام

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۸۶

ادامه خواهد داشت. «۱»

۷. مقصود از هدایت، همان دلایل روشنی است که در آیین اسلام وجود دارد و مقصود از دین حق اسلام است که اصول و فروعش حق و

تاریخ و مدارک آن نیز حق و روشن است.

۸. اشاره آیه فوق به همراهی پیامبر اسلام با هدایت و دین حق، گویا اشاره به دلیل پیروزی‌اسلام بر ادیان دیگر است، زیرا هنگامی که محتوای دعوت پیامبر «ص» هدایت باشد و عقل بشر بر آن گواهی دهد و اصول و فروعش موافق حق و طرفدار آن باشد، چنین آیینی طبعاً بر همه ادیان جهان پیروز می‌گردد.

۹. هر چند که دانش بشر پیشرفت کند و ارتباطات آسان‌تر شود، واقعیت‌ها چهره خود را از پشت تبلیغات مسموم نشان می‌دهد، و موانع مخالفان حق برطرف می‌شود و حق همه جا را فرا می‌گیرد و پیروز می‌شود، هر چند که دشمنان مایل نباشند.

آری حرکت دشمنان حق بر خلاف مسیر تاریخ و سنت‌های آفرینش بوده و در نهایت محکوم به شکست است.

۱۰. برخی مفسران بر آنند که مقصود از پیروزی اسلام در آیه فوق پیروزی منطقی و استدلالی است که اکنون در جهان هویدا شده است.

و برخی دیگر از مفسران با استفاده از موارد استعمال ماده «اظهار» در قرآن، برآنند که مقصود پیروزی عملی و عینی و ظاهری است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۸۷

اما بنظر می‌رسد که آیه فوق شامل پیروزی همه جانبه اسلام بر ادیان دیگر می‌شود. که درتمام جهان تحقق خواهد یافت. و این واقعیتی است که با پیشرفت اسلام در جهان بتدریج در حال تحقق است.

۱۱. در احادیث متعددی حکایت شده: وقتی محتوای آیه فوق تحقق می‌یابد که امام‌عصر و مهدی آل محمد «ص» ظهور کند.

در حدیثی از امام صادق «ع» حکایت شده که: «به خدا سوگند هنوز تأویل محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می‌پذیرد که قائم خروج کند، و هنگامی که او قیام کند، کسی کافر و منکر خدا در جهان باقی نخواهد ماند.» «۱»- «۲».

البته روشن است که پیروزی منطقی و عملی اسلام از صدر اسلام آغاز شده و بتدریج در حال پیشرفت و تحقق است. اما مقصود این احادیث آن است که تحقق کامل آیه فوق و پیروزی نهایی اسلام در زمان امام مهدی «ع» خواهد بود.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. پیام آیه هشتم آن است که تلاش‌های دشمنان اسلام نافرجام است.

۲. پیام دیگر آیه آن است که فروغ اسلام هر روز پرنورتر می‌شود.

۳. پیام دیگر آیه آن است که مسیر تاریخ بشریت به نفع اسلام و

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۸۸

برخلاف اراده کافران در حرکت است.

۴. پیام آیه نهم آن است که دین حق یکی است و هر دینی غیر از اسلام باطل است.

۵. پیام دیگر آیه آن است که پیروزی نهائی و غلبه برجهان در انتظار مسلمانان است.

۶. آموزه این آیات آن است که کفر و شرك مورزید که نهایت آنها شکست است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۸۹

امام مهدی آب حیات ملت‌ها

قرآن کریم در آیات بیست و هشتم تا سی‌ام سوره مُلک به بی‌پناهی، گمراهی و ناتوانی کافران، و عدم تاثیر فوت پیامبر در سرنوشت آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید:

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِيَ اللَّهُ وَمَن مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَن يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ* قُلْ هُوَ الرَّحْمنُ آمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ* قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْراً فَمَن يَأْتِيكُم بِمَاءٍ مَعِينٍ

بگو: «آیا به نظر شما اگر خدا من و کسانی را که با من هستند هلاك کند، یا بر ما رحم کند، پس چه کسی کافران را از عذاب دردناك پناه می‌دهد؟!».* بگو: «او (خدای) گسترده‌مهر است، به او ایمان آوردیم و فقط بر او توکّل کردیم؛ پس بزودی خواهید

شناخت کسی را که او در گمراهی آشکار است!».* بگو: «آیا به نظر شما اگر آب (سرزمین) شما [در زمین فرو رود، پس چه کسی آب روانی برای شما می‌آورد؟!»

نکات و اشارات:

۱. در برخی روایات تاریخی حکایت شده که کافران مکه به پیامبر اسلام «ص» و مسلمانان نفرین می‌کردند و تقاضای مرگ او را داشتند،

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۹۰

چون می‌پنداشتند که اگر آن حضرت از دنیا رود بساط اسلام بر چیده می‌شود.

اما آیه فوق به اینگونه پندارها قاطعانه پاسخ داد که مرگ و زندگی پیامبر در فرجام عذاب‌آلود کافران تاثیری نخواهد داشت. «۱» و سرانجام اسلام بر همه جهان پیروز می‌شود. آری: «گر بمیرد مصطفی هرگز نمیرد نام حق».

۲. در این آیات اشاره شده که تنها پناهگاه جهانیان خداست که باید به او ایمان آوریم و بر او تکیه و توکّل نماییم، چرا که او رحمان است و رحمتش بر تمام موجودات سایه افکنده است و همه از فیض وجودش و نعمت‌هایش استفاده می‌کنند.

۳. این آیات از طرفی نوعی دلداری به پیامبر «ص» و مسلمانان است که بدانند در مبارزه حق و باطل تنها نیستند و خدا با آنهاست. و در نهایت پیروز می‌شوند. و از طرف دیگر هشداری به کافران است که منتظر مرگ پیامبر یا مسلمانان نباشند چون این مطلب تاثیری در فرجام عذاب‌آلود آنان ندارد.

۴. در این آیات از طرفی کافران را افرادی ناتوان معرفی می‌کند که اگر اراده خدا مانع آبرسانی به آنها شود حتی نمی‌توانند آب آشامیدنی خود را تأمین سازند، و از طرف دیگر آنان را افرادی گمراه معرفی می‌کند

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۹۱

که عذاب دردناکی در انتظار آنهاست.

۵. پوسته زمین دارای دو قشر نفوذپذیر و نفوذناپذیر است که آب‌های سطحی و باران‌ها از قشر نفوذپذیر عبور می‌کند و در سفره‌های آب زیر زمینی می‌ماند سپس انسان‌ها بوسیله حفر چاه آنها را استخراج کرده و مورد استفاده قرار می‌دهند.

اما اگر اراده الهی چنین نبود و قشر نفوذ ناپذیری در زمین بوجود نمی‌آمد همه آبها به عمق زمین می‌رفت و قابل دسترسی نبود و هیچ آبی در سطح زمین جاری نمی‌شد و حیات انسان و موجودات زنده به خطر می‌افتاد. آری دسترسی به آب یکی از نعمت‌های الهی و از مظاهر رحمت اوست.

۶. در برخی احادیث از امام باقر «ع» حکایت شده که: «مقصود از آیه (آخر سوره ملك)، امام عصر (عج) است که می‌گوید: اگر آن امام از شما پنهان شود، نمی‌دانید کجاست؟ پس چه کسی برای شما امامی می‌فرستد که اخبار جهان و حلال و حرام الهی را برای شما بیان کند. ولی به خدا سوگند تأویل این آیه هنوز نیامده است و سرانجام خواهد آمد». «۱» البته در برخی دیگر از احادیث نیز آب جاری در آیه به معنای علم امام «ع» تأویل شده است.

البته اینگونه احادیث تأویل و باطن آیه را بیان می‌کند، یعنی معنای آب را به مادی و معنوی گسترش می‌دهد و اشاره می‌کند که همانطور که آب مادی مایه حیات موجودات است آب معنوی نیز مایه حیات علمی و

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۹۲

معنوی انسان‌هاست.

از این رو وجود امام و علم او آب معنوی بشر است.

البته بیان تأویل و باطن آیه در روایات به معنای نفی معنای ظاهری آیه نیست.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. آموزه آیه بیست و هشتم برای مخالفان اسلام آن است که منتظر مرگ رهبر اسلام نباشید که در سرنوشت عذاب‌آلود شما تاثیری ندارد.

۲. پیام آیه بیست و نهم آن است که ایمان به خدای رحمان و تکیه بر او انسان را از گمراهی آشکار نجات می‌دهد.

۳. پیام دیگر آیه آن است که آینده روشنگر حقایق است و گمراهی کافران را آشکار می‌سازد.

۴. پیام آیه سی‌ام آن است که انسان در برابر خدا ناتوان است بطوری که اگر خدا اراده کند نمی‌تواند آب آشامیدنی خود را تامین کند.

۵. پیام دیگر آیات آن است که کافران افرادی گمراهند که در برابر خدا ناتوان و بی‌پناه هستند.

روز قیام مهدی، روز موعود

قرآن کریم در آیات چهلم تا چهل و چهارم سوره معارج با سوگند و تاکید به کافران در مورد تغییر اقوام در دنیا و روز هولناک رستاخیز هشدار می‌دهد و می‌فرماید:

فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ* عَلَى أَن نُبَدِّلَ خَيْراً مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ* فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِى يُوعَدُونَ* يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعاً كَأَنَّهُمْ إِلَى نُصُبٍ يُوفِضُونَ* خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذلِكَ الْيَوْمُ الَّذِى كَانُوا يُوعَدُونَ

و سوگند یاد می‌کنم به پروردگار خاوران و باختران که قطعاً ما تواناییم،* بر اینکه بهتر از آنان را جایگزین کنیم؛ و ما پیشی گرفته شده (و مغلوب) نیستیم.* پس آنان را رهاکن تا (در باطل) فرو روند و بازی کنند تا اینکه روز (رستاخیز) شان را که وعده داده می‌شوند، ملاقات کنند.* (همان) روزی که از قبرها بسرعت خارج می‌شوند چنانکه گویی آنان به سوی بت‌های سنگی روانه می‌شوند؛* در حالی که چشم‌هایشان (از

وحشت) فروتن است، [و] خواری آنان را فرا گرفته است! این روزی است که همواره وعده داده می‌شوند.

نکات و اشارات:

۱. این آیات نوعی هشدار به کافران است از این رو قدرت خدا را به رخ آنان می‌کشد که ما می‌توانیم شما را از بین ببریم و گروه بهتری را بجای شما قرار دهیم ولی نمی‌خواهیم بلکه خدا می‌خواهد شما را رها سازد تا به گناه و سرکشی ادامه دهید تا رستاخیز فرا رسد و گرفتار عذاب خوار کننده شوید.

۲. طبق بعضی از روایات یکی از مصادیق روز موعود که چشمهای آنها از شدت وحشت به زیر افتاده می‌شود و خاضعانه نگاه می‌کنند و پرده ای از ذلّت بر وجود آنها احاطه پیدا می‌کند روز ظهور و خروج حضرت مهدی (عج) می‌باشد. چنانچه از امام باقر (ع) حکایت شده که می‌فرمایند: «منظور از یوم وعده داده شده در آیه روز خروج و ظهور حضرت قائم است.» «۱»

۳. سوگند خدا به مشرق‌ها و مغرب‌ها، برای تاکید بر مطلب است همانطور که نشان دهنده اهمیت مشرق‌ها و مغرب‌های متعدد است و به نوعی توجه انسان را به وجود مشرق‌ها و مغرب‌های متفاوت جلب می‌کند

تا در مورد آنها مطالعه کند و نشانه‌های خدا را دریابد.

۴. مشرق به مکان طلوع خورشید و مغرب به مکان غروب آن گفته می‌شود که براساس حرکت زمین به دور خود بوجود می‌آید که هر بار یک نیمکره زمین در برابر نور خورشید قرار می‌گیرد از این رو با توجه به حرکت مداوم زمین، مغرب‌ها و مشرق‌های زیادی داریم که در هر سرزمین متفاوت است و نیز در طول سال تغییر می‌کند.

اما دو مشرق و مغرب ممتاز وجود دارد که یکی در آغاز تابستان یعنی حد اکثر اوج خورشید در مدار شمالی و یکی در آغاز زمستان در حد اقل پایین آمدن خورشید در مدار جنوبی است. از این رو گاهی قرآن به مشرق و مغرب اشاره می‌کند «۱» و گاهی به مشرق‌ها و مغرب‌ها، که هر دو اشاره‌ای علمی در بردارد.

۵. از این آیات استفاده می‌شود که اگر گروهی از انسان‌ها اهل منطق و استدلال نباشند و بر کفر و شرك لجاجت ورزند، خدا آنان را رها می‌کند تا در غفلت و باطل گرائی فرو روند و به بازی دنیا مشغول شوند تا رستاخیز فرا رسد و گرفتار گردند.

آری این یکی از انواع عذاب‌های الهی است که به نام سنت و روش مهلت دادن (: امهال یا استدراج) نامیده می‌شود.

۶. در این آیات بیان شده که هنگام بیرون آمدن کافران از قبرها،

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۹۶

چند اتفاق جالب می‌افتد: اول آنکه آنان با سرعت می‌دوند، چنانکه گویی به سوی بت‌ها یا پرچم‌هایشان روان هستند. «۱»

دوم آنکه چشم‌هایشان (از وحشت) فروتن شده است.

سوم آنکه ذلت و خواری آنان را فرا گرفته است.

آری کسانی که در دنیا متکبر بودند و دیگران را خوار می‌کردند و در راه خدمت به بت‌ها تلاش می‌کردند در آخرت نیز همان راه را ادامه می‌دهند.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. آموزه آیه چهلم آن است که وجود مشرق‌ها و مغرب‌های متعدد با اهمیت (و قابل مطالعه) است.

۲. پیام هشدارآمیز آیه چهلم و چهل و یکم آن است که در برابر خدا سرکشی نکنید که او می‌تواند بهتر از شما را جایگزینتان کند.

۳. پیام آیه چهل و دوم آن است که یکی از عذاب‌های الهی رها کردن افراد به حال خوداست.

۴. آموزه آیه آن است که مراقب باشید در باطل فرونروید و مشغول بازی دنیا نشوید که گرفتار عذاب رستاخیز می‌شوید.

۵. پیام آیه چهل و سوم و چهارم آن است که رستاخیز روز شتابزدگی و خواری کافران و معاد ناباوران است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۹۷

فصل سوم: روش‌شناسی روایات تفسیری آیات مهدویت

اشاره

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۹۹

پرسش:

در روایات تفسیری آیات مهدویت از چه روشهایی استفاده شده است؟

پاسخ: «۱» مقدمه:

آیات مهدویت را تا حدود ۲۵۰ آیه شمرده‌اند، که روایاتی از شیعه و اهل سنت در مورد آنها حکایت شده است، این روایات از سه جنبه قابل بررسی است:

اول: از دیدگاه روش‌های تفسیری.

دوم: از دیدگاه گرایش‌های تفسیری.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۰۰

سوم: از دیدگاه قواعد تفسیری.

این نوشتار بر آن است که روایات تفسیری آیات مهدویت را از دیدگاه اول مورد بررسی قرار دهد.

واژگان:

واژه‌های اساسی در باب «روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن» عبارتند از:

الف) روش: مقصود از «روش» استفاده از ابزار یا منبع خاص در تفسیر قرآن است که معانی و مقصود آیه را روشن ساخته و نتایج مشخّصی را به دست می‌دهد.

به عبارت دیگر: چگونگی کشف و استخراج معانی و مقاصد آیات قرآن را، روش تفسیر قرآن گویند.

ب) تفسیر: کشف و پرده برداری از ابهامات کلمات و جمله‌های قرآن و توضیح مقاصد و اهداف آنهاست.

و به عبارت دیگر: مقصود از تفسیر، تبیین مراد استعمالی آیات قرآن و آشکار کردن مراد جدّی آن براساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره است. «۱»

ج) گرایش: در اینجا مقصود از «گرایش»، تأثیر باورهای مذهبی،

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۰۱

کلامی، جهت‌گیری‌های عصری و سبک‌های پردازش و در تفسیر قرآن

است که براساس عقاید، نیازها و ذوق و سلیقه و تخصّص علمی مفسّر شکل می‌گیرد.

اساسی‌ترین تفاوت‌های گرایش‌ها و روش‌های تفسیری چنین است:

۱. مبحث روش‌ها براساس چگونگی روش کشف معنا و مقصود آیه استوار است.

۲. مبحث روش‌ها براساس منبع و ابزار تفسیری (همچون کاربرد عقل و روایات) شکل می‌گیرد.

۳. در مبحث «گرایش» ها بیشتر شخص مفسّر مطرح است؛ یعنی باورها و سلیقه‌ها و جهت‌گیری‌های شخص مفسّر است که به تفسیر جهت می‌دهد و متنی متناسب با آنها پدید می‌آید.

۴. در مبحث «گرایش»، متن تفسیر مطرح است که با چه اسلوبی نگارش یافته و بیشتر چه مطالب کلامی، ادبی یا ... در آن راه یافته است.

تاریخچه روش‌شناسی تفسیر:

الف) پیدایش و رشد:

دانش تفسیر از صدر اسلام شروع شد و خاستگاه آن وحی الهی بود که پیامبر (ص) را مفسّر قرآن معرّفی کرد. «۱»

پیامبر (ص) در تفسیر قرآن گاهی از خود قرآن کمک می‌گرفت و از

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۰۲

اینجا روش تفسیر قرآن به قرآن به وجود آمد. «۱» سپس اهل بیت (ع) و

صحابه به تفسیر قرآن پرداختند، آنان علاوه بر استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن، از روش تفسیر روایی نیز استفاده می‌کردند؛ یعنی گاهی با استناد به روایات پیامبر (ص) به تفسیر آیات قرآن می‌پرداختند. «۲»

در این میان گروهی نیز براساس خواسته‌های شخصی یا گروهی و بدون ضوابط و قراین به تفسیر و تأویل قرآن پرداختند و روش

تفسیر به رأی پدید آمد که در احادیث پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) به شدّت با این روش برخورد شد و آن را ممنوع اعلام کردند. «۳»

کم کم از قرن دوم به بعد با ترجمه‌ی آثار و نفوذ افکار و علوم یونانیان و ایرانیان در بین مسلمانان، روش‌ها و گرایش‌های دیگری نیز پدید آمد.

از اینجا بود که مبحث‌های کلامی و فلسفی پیدا شد و کم کم گرایش‌های تفسیری کلامی شکل گرفت «۴» و هر کدام از فرقه‌های اسلامی مانند اشاعره و معتزله و ... آیات قرآن را براساس دیدگاه‌ها و عقاید خود تفسیر می‌کردند.

در همین راستا اختلافات مذهبی که از قرن اوّل شروع شده بود با اختلافات مذاهب فقهی همراه شد و در تفسیر آیات فقهی قرآن تأثیر گذاشت.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۰۳

سپس عرفا و متصوّفه نیز گرایش‌های خاصّ تفسیری پیدا کردند و روش تفسیر اشاری از قرن سوم به بعد رشد کرد.

محدّثان شیعه و اهل سنت که به نقل احادیث اکتفا می‌کردند روش و گرایش تفسیر روایی را شکل دادند که در مرحله‌ی اوّل در قرن‌های سوم و چهارم، تفاسیری همچون: عیّاشی، قمی و طبرسی شکل گرفت و در مرحله‌ی دوم در قرن دهم تا یازدهم، تفاسیری همچون درّالمنثور سیوطی، البرهان و نورالثقلین ظهور کرد.

در این میان بعد از مرحله‌ی اوّل تفسیرهای روایی، تفاسیر فقهی شروع شد که نوعی تفسیر موضوعی قرآن با گرایش آیات الاحکام بود. و پس از شکل‌گیری تفاسیری همچون: احکام‌القرآن حصّاص حنفی (...- ۳۷۰ ق) و احکام القرآن منسوب به شافعی (...- ۲۰۴ ق) تفسیر نویسی فقهی در قرن‌های بعدی ادامه یافت که احکام القرآن راوندی (...- ۵۷۳ ق) از آن نمونه است. در قرن پنجم و ششم تفاسیر جامع و اجتهادی همچون: تبیان و مجمع‌البیان شکل گرفت که با استفاده از اجتهاد و عقل و توجّه به همه‌ی جوانب تفسیر، شیوه‌ی جدیدی در تفسیر بنیان نهاده شد که هنوز هم این شیوه متداول است.

پس از این مرحله، برخی از فلاسفه نیز اقدام به نگارش تفسیر کردند و در یک قرن اخیر نیز روش‌ها و گرایش‌های دیگری همچون روش تفسیر علمی و گرایش اجتماعی، به وجود آمد و رشد کرد. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۰۴

ب) نگارش در زمینه‌ی روش‌ها و گرایش‌ها:

از قدیمی‌ترین کتاب‌ها در این زمینه کتاب «طبقات‌المفسّرین»

جلال‌الدّین سیوطی (۸۴۹- ۹۱۱ ق) است که شرح حال مفسّران و آثار آنان است و هر چند که مستقیم به بحث روش‌ها و گرایش‌های تفسیری نپرداخته است ولی برای این بحث مفید و قدیمی‌ترین منبع آن به شمار می‌آید.

سپس کتاب «مذاهب التفسیر الاسلامی» از مستشرق مشهور، «گلدزیهر» به رشته‌ی تحریر در آمده، توسط دکتر «عبدالحلیم النجار» به عربی ترجمه شده است. پس از آن، کتاب «التفسیر و المفسّرون» دکتر ذهبی از مهم‌ترین منابع این بحث به شمار می‌رود، گرچه بیشتر به گرایش‌های تفسیری پرداخته است.

دیگر آثار مدوّن در زمینه‌ی روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، کتاب ارزشمند: «التفسیر و المفسّرون فی ثوبه القشیب» از آیت اللّه معرفت است، که تحت عنوان «الوان» تفسیری مطالب متنوعی در زمینه‌ی گرایش ادبی، اجتماعی، علمی و ... آورده‌اند.

و بالاخره کتاب «مبانی و روش‌های تفسیر قرآن» از استاد عمید زنجانی، حاوی مطالبی در موضوع روش‌های تفسیری است ولی به بحث گرایش‌ها توجّه چندانی نشده است و نیز کتاب منطق تفسیر قرآن (روشها و گرایشهای تفسیر قرآن) از نگارنده و کتاب روشها و گرایشهای تفسیری از حسین علوی‌مهر و کتاب روشهای تفسیری دکتر مودب قابل ذکر است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۰۵

البته برخی کتاب‌ها هم از زاویه‌ی خاص به بحث روش‌ها یا گرایش‌ها پرداخته‌اند:

همچون: «اتجاهات التفسیر فی مصر الحدیث، دکتر عفت محمد

شرقاوی مصری؛ کتاب «طبرسی و مجمع‌البیان» از دکتر حسین کریمیان؛ کتاب «روش تفسیری علّامه طباطبایی (ره) در المیزان» از علی آلوسی؛ کتاب «التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان» از دکتر احمد عمر ابو حجر؛ کتاب «در آمدی بر تفسیر علمی قرآن» از نگارنده که در مورد روش تفسیر علمی و معیارهای آن مطالبی بیان شده است و نیز کتاب‌های دیگری در مورد روش تفسیری شیخ محمد عبده، رشید رضا، فخر رازی و زمخشری نوشته شده است.

تقسیمات روش‌های تفسیر قرآن:

صاحب‌نظران در مورد روش‌ها، تقسیمات متعددی ارائه کرده‌اند، از جمله گلدزیهر مستشرق مجارستانی (۱۸۵۰- ۱۹۲۱ م) در کتاب مذاهب التفسیر الاسلامی، و دکتر ذهبی در کتاب التفسیر و المفسرون و آیت الله معرفت در کتاب التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب و نیز استاد عمید زنجانی در کتاب مبانی و روش‌های تفسیر قرآن و خالد عثمان السبت در کتاب قواعد التفسیر و محمد حسین علی الصغیر در کتاب دراسات قرآنیه، المبادی العامه لتفسیر القرآن الکریم، و خالد عبدالرحمن العک در

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۰۶

کتاب اصول التفسیر و قواعده. «۱»

اما در اینجا ما روش‌های تفسیری را براساس منابع مورد استفاده در تفسیر به شش روش تقسیم می‌کنیم تا جایگاه روش و گرایش در روایات تفسیری مهدویت بخوبی روشن شود.

اول: روش‌های تفسیری:

۱. روش تفسیر قرآن به قرآن.

۲. روش تفسیر روایی.

۳. روش تفسیر علمی.

۴. روش تفسیر اشاری (باطنی و عرفانی ...)

۵. روش تفسیر عقلی.

۶. روش‌تفسیر به رأی (باطل و غیرصحیح)

۷. روش تفسیر جامع اجتهادی (که شامل همه روش‌های تفسیری غیر از تفسیر به رأی است)

روایات تفسیری مهدویت از میان روش‌های تفسیری به روش تفسیر اشاری (باطنی و عرفانی) توجه ویژه‌ای داشته است که این جهت‌گیری در روایات بخوبی نمایان است البته در این روایات از روش‌های دیگر تفسیری نیز استفاده شده است. (نمونه‌های آنها بزودی ذکر می‌شود)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۰۷

پیشینه روایات تفسیری مهدویت

اشاره

در مورد احادیث مربوط به آیات مهـدویت، کتاب‌های زیادی نگارش یافته که گاهی یک سوره (مثل والعصـر) و گاهی تا ۲۶۰ آیه را در مورد امام عصـر (عـج) دانسـته‌اند و روایات مربوط به آنها را جمع‌آوری کرده‌انـد. (مثل معجم الاحادیث الامام المهدی، شـیخ علی کورانی)

از قدیمی‌ترین کتاب‌ها در این زمینه المحجه فی ما نزل فی القائم

الحجه، سید هاشم بحرانی (م ۱۱۰۷ ق) و جلد ۱۳ بحارالانوار علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) است.

اینک تعدادی از این کتاب‌ها را معرفی می‌کنیم:

۱. المحجه فیمـا نزل فی القائم الحجه، سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷ ق)، ترجمه/ سیمای حضـرت مهدی (عج) در قرآن، مهدی حائری قزوینی، تهران، ۱۳۷۴، آفاق.

*** ۱۲۰ آیه را به ترتیب نزول جمع کرده و روایات آنها***

۲. امام مهدی از دیدگاه قرآن و عترت و علائم بعد از ظهور، محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷)، قم، قلم، ترجمه علی دوانی.

*** گزیده کتاب مهدی موعود (جلد ۱۳ بحار) است***

۳. ملاحم القرآن، ابراهیم انصاری زنجانی، ۱۴۰۰ ق، عربی، چاپ مولف.

*** پیش گویی‌های قرآن در مورد نشانه‌های ظهور و روایات ...***

۴. طریق الی المهدی (عج) المنتظر، سعید ایوب، بیروت/ الغدیر، ۱۹۹۸ م، عربی.

*** آینده و ظهور مهدی و اخبار غیبی قرآن در این مورد***

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۰۸

۵. المهدی فی القرآن (موعود قرآن)، سید صادق حسینی شیرازی، موسسه امام مهدی (عج)، تهران، ۱۳۶۰ ه-. فارسی و عربی.

*** ۱۹۰ آیه در مورد امام عصر (عج) از منابع اهل سنت***

۶. سوره و العصر، حضر امام زمان (عج) است، عباس راسخی نجفی، قیام قم/ ۱۳۷۲ فارسی.

۷. المهدی الموعود فی القرآن الکریم، محمدحسین رضوی،

دارالهادی، ۲۰۰۱ عربی.

۸. حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) از دیدگاه قرآن و عترت، محمود شریعت‌زاده خراسانی، ۱۳۷۹، فارسی، دارالصادقین.

*** مجموعه آیات قرآن درباره مهدی (عج) با روایات آمده است***

۹. مصلح مقتدر الهی کیست؟، سید علی اکبر شعفی، ۱۳۴۲، اصفهان.

۱۰. پور پنهان در افق قرآن حضرت مهدی (عج)، جعفر شیخ الاسلامی، تهران، یکان، ۱۳۷۸ ش.

۱۱. غریب غیبت در قرآن، محمدحسین صفاخواه، تهران، آمه.

۱۲. اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن، علی صفئی کاشانی، ۱۳۷۶، تهران، مفید.

۱۳. قاطع البیان فی الایات المووله بصاحب الزمان (عج)، فضل الله عابدی خراسانی، دارالمرتضی، ۱۴۰۴ ق.

*** ۲۰۲ آیه را تاویل و تطبیق کرده است***

۱۴. القرآن یتحدث عن الامام المهدی (عج)، مهدی حسن علاء الدین، دارالاسلامیه، بیروت.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۰۹

۱۵. ثوره المواطئن للمهدی (عج)، مهدی حمد فتلاوی، ۱۹۹۳ م، دارالبلاغه، بیروت.

*** بشارت‌های قرآنی و نبوی در مورد انقلاب مهدی (عج)***

۱۶. مهدی (عج) در قرآن، رضا فیروز، ۱۳۷۸، تهران، رایحه.

۱۷. مهدویت از نظرقرآن و عترت، خیرالله مردانی، تهران، آیین جعفری، ۱۴۰۱.

۱۸. چهل حدیث در پرتو چهل آیه در فضایل حضرت ولی عصر (عج)،

مسجد جمکران، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۸.

*** چهل آیه و روایات مربوطه***

۱۹. سیمای مهدویت در قرآن، محمدجواد مولوی نیا، قم، امام عصر (عج)، ۱۳۸۱.

۲۰. الآیات الباهره فی بقیه العتره الطاهره او تفسیر آیات القرآن فی المهدی صاحب الزمان (عج)، تهران، بعثت، ۱۴۰۲ ق، سید داود میرصابری.

۲۱. سیمای امام زمان (عج) در آیینه قرآن، علی اکبر مهدی‌پور.

*** ۱۴۰ آیه را جمع کرده است***

۲۲. موسوعه المصطفی و العتره (۱۶) المهدی المنتظر، حسین شاکری، نشر الهادی، ۱۴۲۰.

*** ۱۴۴ آیه را با روایات آورده است***

۲۳. الامام المهدی فی القرآن و السنه، سعید ابومعاشر، ۱۴۲۲ ق، آستان قدس.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۱۰

*** کل آیات طبق سوره‌ها تا آخر قرآن مع روایات***

۲۴. معجم احادیث الامام المهدی (عج)، موسسه المعارف الاسلامیه، الجزء الخامس، الآیات المفسر.

*** تحت اشراف شیخ علی الکورانی، ۱۴۱۱ ق، ۲۶۰ آیه را جمع کرده است***

۲۵. مهدی در قرآن، محمد عابدین زاده، بنیاد تهران.

*** ۴۰ آیه***

۲۶. سیمای نورانی امام زمان (عج) در قرآن و نهج البلاغه، عباس کمساری.

۲۷. سیمای حضرت مهدی (عج) در قرآن، سید جواد رضوی، چاپ موعود.

۲۸. جلد سیزدهم بحارالانوار، علامه مجلسی، (م ۱۱۱۱ ق) که به فارسی نیز ترجمه شده و بسیاری از آیات و روایات مهدویت را جمع‌آوری کرده است.

۱.روش تفسیر قرآن به قرآن

روش تفسیر قرآن به قرآن عبارت است از «تبیین معانی آیات قرآن و مشخص ساختن مقصود و مراد جدی از آنها به وسیله و کمک آیات دیگر» به عبارت دیگر «قرآن را منبعی برای تفسیر آیات قرآن قرار دادن.»

تفسیر قرآن به قرآن یکی از کهن‌ترین روش‌های تفسیر قرآن است و

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۱۱

سابقه‌ی آن به صدر اسلام و زمان حیات پیامبر (ص) باز می‌گردد. سپس این روش توسط اهل بیت (ع) ادامه یافت و برخی از صحابه و تابعین نیز از این روش استفاده کرده‌اند. اینک به مثال‌های زیر توجّه کنید:

۱. از پیامبر اسلام (ص) در مورد مقصود از «ظلم» در آیه «لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُم بِظُلْمٍ» «۱»

پرسش شد، و حضرت با استناد به آیه «إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» «۲»

پاسخ دادند که مقصود از ظلم در آیه اول همان شرک است که در آیه دوم بیان شده است. «۳»

این حدیث و احادیث مشابه نشان می‌دهد که پیامبر (ص) از روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده می‌کرده و عملًا آن را به پیروان خود می‌آموخته‌اند.

۲. امام علی (ع) با استناد به آیه «وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ» «۴»

و آیه «وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْراً» «۵»

نتیجه گرفتند که کوتاه‌ترین مدت بارداری زنان شش ماه است. «۶» یعنی اگر شیر خواری کودک دوسال است (یعنی ۲۴ ماه) و مدت حمل و شیر خواری با همدیگر سی ماه است. و این دو آیه را

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۱۲

کنار همدیگر بگذاریم، روشن می‌شود که کوتاه‌ترین مدت بارداری شش ماه است. و این نوعی تفسیر قرآن به قرآن است.

۳. دکتر ذهبی با بیان مثالی از ابن عباس بیان می‌کند که صحابه پیامبر از روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده می‌کردند. «۱»

۴. مرحوم طبرسی در مجمع البیان مطالبی از تفسیر قرآن به قرآن

تابعین را آورده است. «۲»

در دوره‌های بعدی با پیدایش تفاسیری همچون تبیان و مجمع البیان، مفسّران از این روش استفاده کردند، و در میان اهل سنت نیز مفسّران متعددی به سوی این روش رفتند بطوری که برخی از آنان نوشتند: «اگر کسی بپرسد که بهترین روش تفسیر چیست؟ جواب آن است که صحیح‌ترین روش تفسیر قرآن به قرآن است. پس آنچه که در جایی مجمل آمده در جای دیگر تفسیر شده است و آنچه در موضعی مختصر آمده است در موضع دیگر توسعه داده شده است.» «۳»

برخی محدثّان بزرگ شیعه همچون علّامه مجلسی (ره) در بحارالانوار با آوردن آیات قرآن که در ابتدای هر فصل، متناسب با موضوع آن، دسته‌بندی شده، در حقیقت از روش موضوعی تفسیر قرآن به قرآن استفاده نموده است. سپس در میان مفسّران قرن اخیر، این روش جایگاه

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۱۳

ویژه‌ای پیدا کرد به طوری که برخی تفسیرها همچون المیزان (علّامه طباطبایی) و تفسیر الفرقان (دکتر محمد صادقی تهرانی) و تفسیر القرآنی للقرآن (عبدالکریم خطیب) و آلاء الرحمن (بلاغی) این روش را روش اصلی خود قرار دادند.

علّامه طباطبایی معتقد است که قرآن بیان همه چیز است پس نمی‌تواند بیان خودش نباشد. پس در تفسیر آیات باید به سراغ خود آیات

قرآن برویم و در آنها تدّبر کنیم و مصادیق آنها را مشخص سازیم و تفسیر قرآن به قرآن کنیم.

و نیز ایشان بر آن است که تفسیر قرآن به قرآن همان روشی است که پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع) در تفسیر پیموده‌اند و تعلیم داده‌اند و در روایاتشان به ما رسیده است. «۱»

در کتاب‌هایی که در مورد شیوه‌ی تفسیر نگارش یافته، به روش تفسیر قرآن به قرآن پرداخته و آن را تبیین کرده و نسبت به آن

سفارش کرده‌اند.

از جمله این افراد آیه‌الله معرفت، استاد عمید زنجانی و عبدالرحمن العک را می توان نام برد. «۲»

در احادیث تفسیری مهدویت نیز در موارد متعددی از شیوه تفسیر قرآن به قرآن استفاده شده است از جمله:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۱۴

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ* وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا* وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا* وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا* وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا* وَالسَّماءِ وَمَا بَنَاهَا* وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا* وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا* فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا* قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا* وَقَدْ خَابَ مَن دَسَّاهَا* كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا* إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا* فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا* فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا* وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا؛ «۱»

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز، سوگند

به خورشید و (تابش) نیمروزش! سوگند به ماه هنگامی که در پی آن در آید! سوگند به روز هنگامی که آن را آشکار سازد! سوگند به شب هنگامی که آن را فراگیرد! سوگند به آسمان و آنکه آن را بنا کرد! سوگند به زمین و آنکه آن را گستراند! سوگند به نفس و آنکه آن را مرتب ساخت! و بد کاریش و پارسایی‌اش را به او الهام کرد، که بیقین کسی که آن را [پاک کرد و] رشد داد رستگار (و پیروز) شد. و بیقین کسی که آن (نفس را با گناه آلوده کرد و) پوشاند، نومید شد! (قوم) «ثمود» بخاطر طغیانش (پیامبرش را) تکذیب کردند، آنگاه که بدبخت‌ترین‌شان برانگیخته شد؛ و فرستاده خدا به آنان گفت: «ماده شتر (معجزه آسای) خدا و آبشخور آن را (واگذارید.)» و او را تکذیب کردند و آن را پی کردند؛ پس پروردگارشان به سبب پیامد [گناه شان آنان را هلاک ساخت و آنها را (با خاک) یکسان کرد! در حالی که از فرجام آنها نمی‌ترسد.»

الامام الصادق (ع): «والشمس وضحیها: الشمس، أمیر المؤمنین (ع)، و

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۱۵

ضحیها: قیام القائم (ع)، لأن الله سبحانه قال: و أن یحشر الناس ضحی.

والقمر اذا تلیها: الحسن والحسین (ع).

والنهار اذا جلیها: هو قیام القائم (ع).

واللیل اذا یغشیها: حبتر (و دولته قد غشی) علیه الحق.

و أما قوله: والسماء و ما بنیها، قال: هو محمد علیه و آله السلام، هو السماء الذی یسموا الیه الخلف فی العلم.

و قوله: کذبت ثمود بطغویها، قال: ثمود رهط من الشیعه، فان الله سبحانه یقول: و أما ثمود فهدیناهم فاستحبوا العمی علی الهدی فأخذتهم صاعقه العذاب الهون، و هو السیف اذا قام القائم (ع).

و قوله تعالی: فقال لهم رسول الله، هو النبی (ص).

ناقه الله و سقیاها: قال الناقه الامام الذی (فهم عن الله و فهم عن رسوله) و سقیاها: أی عنده مستقی العلم.

فکذبوه فعقروها فدمدم علیهم ربهم بذنبهم فسویها: قال: فی الرجعه. و لا یخاف عقبیها: قال: لایخاف من مثلها اذا رجع.» «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۱۶

تذکر: این روایت در باب تفسیر قرآن به قرآن بسیار جالب است و به چند شیوه فرعی تفسیر قرآن به قرآن که در عصر ما مفسران از آنها استفاده می‌کنند اشاره کرده است، از جمله:

۱. استفاده از شیوه عام تفسیر قرآن به قرآن برای تفسیر آیه «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا» (شمس/ ۱) که با استناد به آیه «أن يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحىً» (طه/ ۵۹) تفسیر شده است. یعنی برای آنکه ثابت کند مقصود از نور خورشید در این آیه نور قیام امام عصر (عج) است که پرتوی از نور

خورشید ولایت امام علی (ع) است، به آیه «۵۹/ طه» استناد کرده است که مردم در روزی گرد می‌آیند که نورانی است.

هر چند ممکن است این آیه اشاره به باطن آیه باشد ولی برای بیان آن از روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده شده است.

۲. استفاده از شیوه تطبیق بر مصادیق جدید:

در این روایت مکرر ظواهر آیه بر مصادیق جدید استفاده شده است یعنی با استفاده از قاعده «جری و تطبیق» «۱» «قوم ثمود» را بر گروهی از شیعه تطبیق کرده و «رسول الله» را که در ظاهر آیه مقصود حضرت صالح (ع) است بر پیامبر اسلام (ص) تطبیق کرده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۱۷

۳. در این روایت آسمان پیامبر اسلام (ص) و شمس را به حضرت علی (ع) و قمر را به امام حسن و امام حسین (ع) معرفی کرده است که نوعی بیان بطن آیه است که در بخش تفسیر اشاری (: باطنی) توضیح خواهیم داد. که، براساس برخی معانی بطن قرآن، نوعی اخذ قاعده کلی و بیان مصادیق جدید آن است.

البته نکات این سوره و این بسیار است که به همین اندازه اکتفا می‌کنیم.

«اللَّهُ نُورُ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ «۱»

خدا نورِ آسمان‌ها و زمین است؛ مثال نور او همانند چراغدانی است که در آن چراغی باشد، که [آن چراغ در بلوری است- [آن بلور چنانکه گویی ستاره‌ای درخشان است- (و این چراغ با روغنی) از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی و نه غربی است، افروخته می‌شود؛ نزدیک است روغنش روشنی بخشد، و گر چه هیچ آتشی بدان نرسیده باشد. (این) نوری است بر فراز نور، خدا هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) به نور خود راهنمایی می‌کند؛ و خدا برای مردم مَثَل‌ها می‌زند و خدا به هر چیزی داناست.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۱۸

أمیر المؤمنین: «النور: القرآن، والنور اسم من أسماء الله تعالی، و النور النوریه، و النور ضوء القمر، والنور ضوء المؤمن و هو الموالات التی یلبس لها نورا یوم القیامه و النور فی مواضع من التواره و الإنجیل و القرآن حجه الله علی عباده، و هو المعصوم ... فقال تعالی «وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنْزِلَ مَعَهُ أُوْلئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» فالنور فی هذا الموضع هو القرآن، و مثله فی سوره التغابن قوله تعالی: «فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِی أَنزَلْنَا» یعنی سبحانه القرآن و جمیع الأوصیاء المعصومین، من حمله کتاب الله تعالی، و خزانه، و تراجمته، الذین نعتهم الله فی کتابه فقال: «وَمَا یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ یَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ کُلٌّ مِنْ عِنـدِ رَبِّنَا» فهم المنعوتون الـذین أنار الله بهم البلاد، و هدی بهم العباد، قال الله تعالی فی سوره النور «اللَّهُ نُورُ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ کَمِشْکَاهٍ فِیهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِی زُجَاجَهٍ الزُّجَاجَهُ کَأَنَّهَا کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ ...» إلی آخر الآیه، فالمشکاه رسول الله (ص) و المصباح الوصی، و الأوصیاء (ع) و الزجاجه فاطمه، و الشجره المبارکه رسول الله (ص) و الکوکب الدری القائم المنتظر (ع) الذی یملأ الأرض عدلا» «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۱۹

بررسی: در این روایت «نور» را به خدا تفسیر کرده که ظاهر آیه است سپس با کمک آیات دیگر آن را به «قرآن» و «معصومین» تفسیر کرده است یعنی از نوعی تفسیر قرآن به قرآن برای روشن کردن معنای آیه استفاده شده است.

البته نور دارای مراتبی است که بالاترین مرتبه آن نور الهی، سپس نور قرآن و اهل بیت (ع) هستند که پرتوی از نور الهی و مایه روشنی راه و هدایت مردم هستند.

البته اینگونه احادیث برای جلوگیری از تجسیم نیاز به تفسیر عقلی و اجتهادی و حتی علمی نیز دارد که در مباحث بعدی روشن

می‌شود.

تذکر: البته اینگونه احادیث تفسیر قرآن به قرآن در روایات مهدویت متعدد است از جمله ذیل آیه نازعات/ ۶ و ۷ «۱» و ...

۲.روش تفسیر روائی

مقصود از روش تفسیر روائی آن است که مفسر قرآن از سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) (که شامل قول، فعل و تقریر آنها می‌شود) برای روشن کردن مفاد آیات و مقاصد آنها استفاده کند. «۲»

سیر تاریخی تفسیر روایی را می‌توان به چند دوره تقسیم کرد:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۲۰ الف) دوران پیامبر (ص):

تفسیر روایی قرآن، همزاد وحی است. چرا که اولین مفسّر قرآن پیامبر (ص) است که خدای متعال به او دستور بیان و تفسیر قرآن داد و فرمود: «وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» «۱» «و این ذکر (: قرآن) را به سوی تو فرستادیم تا برای مردم آنچه را که به سوی آنان فرو فرستاده شده است، روشن بیان کنی.»

البته سنّت پیامبر (ص) و بیان او نیز ریشه در وحی داشت، چنان که از آن حضرت حکایت شده که فرمودند: «آگاه باشید که به من قرآن داده شده و نیز مثل آن همراه آن» (به من داده شده است). «۲»

و صحابیان با رجوع به ایشان تفسیر قرآن را می آموختند. گاهی پای سخنان او می‌نشستند و معانی و تفسیر قرآن را فرا می‌گرفتند.

از ابن مسعود حکایت شده که: «همیشه هر فرد از ما هنگامی که ده

آیه قرآن را می‌آموخت، از آنها عبور نمی‌کرد تا این که معانی و (روش) عمل بدانها را آموخت». «۳»

گاهی اصحاب پیامبر (ص) از ایشان مطالب را می‌پرسیدند و حتی دوست داشتند که عرب‌های بیابانی بیایند و پرسشی بکنند و آنان گوش دهند.» گاهی هم عمل پیامبر (ص) را مفسّر آیات قرآن قرار می‌دادند، همان

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۲۱

طور که خود ایشان حکایت شده که در مورد نماز فرمودند: «نماز بگذارید همان طور که می‌بینید من نماز می گزارم». «۱»

یا در مورد حج حکایت شده که فرمود: «مناسک و اعمال خود را از من بگیرید.» «۲»

که در این صورت افعال پیامبر (ص) در نماز و حج تفسیر جزییات آیات صلوه و حج بود.

از امام صادق (ع) حکایت شد که فرمود: «إنّ اللّٰه انزل علی رسوله الصلوه و لم یسمّ لهم: ثلاثاً و لا أربعاً، حتّی کان رسول‌اللّٰه (ص) هوالذی فسّر ذلک لهم».

«خدا (دستور) نماز را بر رسولش نازل کرد ولی برای مردم مشخص نکرد که سه یا چهار رکعت است تا این که پیامبر (ص) این مطلب را برای مردم تفسیر کرد.» «۳»

آری پیامبر (ص) مطالب کلی قرآن (همچون نماز، روزه، حج و ...) را

توضیح می‌دادند. و نیز موارد تخصیص عمومات و تقیید مطلقات آیات را تبیین، و اصطلاحات جدید، لغات قرآن، و ناسخ و منسوخ آیات را توضیح می‌دادند. و همه‌ی اینها تفسیر قرآن بود که در روایات و سنّت پیامبر (ص) برای ما حکایت شده است و به عنوان منابع تفسیر روایی باقی مانده است. «۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۲۲

ب) دوران اهل بیت (ع):

شیوه‌ی تفسیر روایی در عصر امامان (ع) نیز ادامه داشت.

امام علی (ع) که شاگرد ارشد پیامبر (ص) در تفسیر بود، «۱» سخنان و توضیحات آن حضرت را شنیده بود و حکایت می کرد.

همان طور که امامان اهل بیت (ع) نیز همین روش را دنبال کرده، احادیث تفسیری پیامبر (ص) و امام علی (ع) را برای مردم حکایت نموده، و بدان‌ها استدلال می کردند. تعداد این احادیث که با واسطه اهل‌بیت (ع) حکایت شده، به هزاران روایت می‌رسد. «۲»

البته اهل بیت (ع) از آنجا که آگاه به علوم الهی بودند خود نیز اقدام به تفسیر قرآن می کردند و سخنان و سنّت آنان نیز منبعی برای تفسیر است. و این احادیث جزیی از تفسیر روایی به شمار می‌آید.

شخصی در مکه، خدمت امام رضا (ع) رسید و گفت: شما از کتاب خدا چیزی تفسیر می کنی، که تاکنون شنیده نشده باشد؛

امام فرمود: قرآن قبل از این که بر مردم نازل شود بر ما نازل شده و قبل از این که برای مردم تفسیر شود، برای ما تفسیر شده است؛ حلال و

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۲۳

حرام و ناسخ و منسوخ قران را ما می‌شناسیم و ...» «۱»

و درحدیث دیگری فرمود: «بر مردم است که قرآن را همان طور که نازل شده بخوانند و هنگامی که نیاز به تفسیر قرآن پیدا کردند، هدایت به وسیله‌ی ما و به سوی ماست.» «۲»

بنابر این اهل بیت (ع) نیز در زمینه‌ی مطالب کلی قرآن و آیات الاحکام، مخصّص‌ها، مقیّدها، لغات، ناسخ و منسوخ، اصطلاحات جدید قرآن و نیز در مورد بطن و تأویل و مصادیق آیات، مطالب متنوّعی را بیان کرده‌اند که به عنوان سنّت آنان بر جای مانده است.

ج) دوران صحابه و تابعان:

روایات تفسیری پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) مورد توجّه صحابیان پیامبر و تابعان آنان قرار گرفت و حتی صحابه‌ی بزرگ پیامبر (ص) همچون ابن عباس و ابن مسعود خود را از تفسیر قرآن امام علی (ع) بی‌نیاز نمی‌دانستند و از آن استفاده می کردند. و بسیاری از احادیث

تفسیری ابن عباس از علی (ع) است. «۳»

البته صحابیان و تابعان خود نیز قرآن را تفسیر می کردند و روایات پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۲۴

تفسیری زیادی از ابن عباس و دیگران باقی مانده است. «۱»

در این دوره، کم‌کم روایات تفسیری در مجموعه‌هایی گرد آوری شد که به نام کتاب‌های تفسیر روایی مشهور است.

ح) دوران جمع آوری و تألیف روایات تفسیری:

اوّلین رساله از این مجموعه‌ها در شیعه، کتاب تفسیر منسوب به امام علی (ع) است که طی یک روایت مفصّل در آغاز تفسیر نعمانی آمده است. «۲»

و نیز یکی دیگر از آنها، «مصحف علیّ بن أبی‌طالب» است که علاوه بر آیات قرآن، تأویل و تفسیر و اسباب نزول را بیان کرده است. هر چند که این کتاب اکنون در دسترس ما نیست. «۳»

و نیز تفسیر منسوب به امام باقر (ع) (۵۷- ۱۱۴ ق) که ابوالجارود آن را حکایت کرده است. «۴» و نیز تفسیر منسوب به امام صادق (ع) (۸۳- ۱۴۸ ق) که به طور پراکنده در کتاب حقایق التفسیر القرآنی آمده است. «۵»

سپس از تفسیر علی بن ابراهیم قمی (۳۰۷ ق) و فرات کوفی (زنده در سال ۳۰۷ ق) و تفسیر عیّاشی (م بعد از ۳۲۰ ق) و تفسیر نعمانی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۲۵

(م بعد از ۳۲۴ ق) و تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (م ۲۵۴) می‌توان نام برد.

البته روایات فقهی پیامبر و اهل بیت (ع) نیز که نوعی تفسیر برای آیات الاحکام قرآن است در مجموعه‌هایی همچون کافی، من لایحضره الفقیه و تهذیب و استبصار گردآوری شد.

در همین دوران، تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن، ابن جریر طبری (م ۳۱۰) را داریم. همان‌طور که مجموعه‌های حدیثی صحاح سته‌ی اهل‌سنّت در این دوره تدوین شد. سپس تفسیر روایی از قرن پنجم تا نهم با رکود نسبی مواجه شد و تفاسیر عقلی و اجتهادی شد. اما در قرن دهم تا دوازدهم با رشد اخباری گری در شیعه تفاسیر روایی دیگری همچون: تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سیدهاشم حسینی‌بحرانی (م ۱۱۰۷ ق) و تفسیر نورالثقلین، الحویزی (م ۱۱۱۲ ق) نوشته شد.

همان‌طور که مجموعه‌های حدیثی بزرگ همچون وسایل الشیعه، وافی و بحارالانوار نوشته شد که بسیاری از روایات آنها تفسیر قرآن به شمار می‌آید.

در اهل‌سنّت نیز در این دوران تفسیر درّالمنثور، جلال‌الدین سیوطی

(م ۹۱۱۱ ق) گردآوری شد.

اکنون نیز در تفاسیر جدید به روایات تفسیری پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع) توجّه می‌شود و معمولًا در لابه‌لای تفسیر یا در بخش جداگانه‌ای این روایات آورده می‌شود و مورد نقد و بررسی قرار می گیرد؛

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۲۶

مانند علّامه طباطبایی در المیزان که در ذیل هر دسته از آیات «بحث روایی» می‌آورد.

در احادیث تفسیری آیات مهدویت نیز در موارد متعددی از روش تفسیر روائی استفاده شده است و برای توضیح آیات مهدویت به احادیث پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) استناد کرده‌اند از جمله:

«یَاحَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا یَأْتِیهِم مِن رَّسُولٍ إِلَّا کَانُوا بِهِ یَسْتَهْزِؤُونَ؛ «۱» ای افسوس بر بندگان که هیچ فرستاده‌ای به سراغ آنان نیامد، مگر اینکه همواره او را ریشخند می کردند!»

الإمام الصادق (ع): «خبر تدریه خیر من عشر ترویه. إن لکل حق حقیقه، و لکل صواب نورا، ثم قال: إنا والله لا نعد الرجل من شیعتنا فقیها حتی یلحن له فیعرف اللحن، إن أمیر المؤمنین (ع) قال: علی منبر الکوفه: إن من ورائکم فتنا مظلمه عمیاء منکسفه لا ینجو منها إلا النومه، قیل یا أمیر المؤمنین و ما النومه؟ قال: الذی یعرف الناس و لا یعرفونه.

واعلموا أن الأرض لا تخلو من حجه الله عزوجل و لکن الله سیعمی خلقه عنها بظلمهم و جورهم و إسرافهم علی أنفسهم، ولو خلت الأرض

ساعه واحده من حجه الله لساخت بأهلها، ولکن الحجه یعرف الناس و لا یعرفونه، کما کان یوسف یعرف الناس و هم له منکرون، ثم تلا: یا حسره

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۲۷

علی العباد ما یأتیهم من رسول إلا کانوا به یستهزؤن» «۱»

بررسی: در روایات تفسیری مهدویت گاهی اهل بیت (ع) از روایات امام علی (ع) برای توضیح آیات استفاده کرده‌اند از جمله در روایت فوق امام صادق (ع) از سخنان امام علی (ع) برای توضیح پیرامون امام مهدی (ع) و نقش ایشان در جهان هستی یاری جسته است سپس به آیه ۳۰/ یس استشهاد کرده‌اند و آنها را نقل کرده است و این گونه‌ای از تفسیر روائی آیات قرآن است.

و نیز در ذیل آیه ۱۱/ غافر در روایتی که از امام صادق (ع) حکایت شده است به حدیث سخنان پیامبر (ص) در مورد مسخ و

رجعت دشمنان اهل بیت (ع) استناد شده است. «۲»

۳. روش تفسیر عقلی

عقل در لغت به معنای امساک، نگهداری و منع چیزی است.

عقل در دو مورد کاربرد دارد:

نخست به قوّه‌ای که آماده‌ی قبول دانش است. این، همان چیزی است پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۲۸

که اگر در انسان نباشد تکلیف از او برداشته می‌شود، و در احادیث از این عقل تمجید شده است.

دوم به علمی که انسان به وسیله‌ی این قوّه کسب می‌کند، عقل گویند.

این همان چیزی است که قرآن کافران را بخاطر تعقّل نکردن مذمّت کرده است». «۱»

در این مورد به احادیث پیامبر (ص) «۲» و اشعار امام علی (ع) استناد کرده است. «۳»

روش تفسیر عقلی قرآن، پیشینه‌ای کهن دارد وبرخی معتقدند که پیامبر (ص) به اصحاب خویش کیفیّت اجتهاد عقلی در فهم نصوص شرعی (از قرآن یا سنّت) را تعلیم داده است. «۴» ولی ریشه‌ها و نمونه‌های تفسیر عقلی را می توان در احادیث تفسیری و اهل‌بیت (ع) یافت.

مثال: عن عبدالله بن قیس عن أبی‌الحسن الرضا (ع) قال: سمعته یقول:

«بل یداه مبسوطتان» «۵»

فقلت: له یدان هکذا- و اشرت بیدی الی یدیه-؟

فقال: لا، لو کان هکذا کان مخلوقاً. «۶»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۲۹

در این حدیث، حضرت با استفاده از نیروی عقل آیه‌ی قرآن را تفسیر کرده‌اند و دست مادّی داشتن خدا را نفی کرده‌اند؛ چرا که دست داشتن خدا، مستلزم جسم بودن و مخلوق بودن اوست و ساحت الهی از این صفات منزّه است. (پس مقصود از دستان خدا همان قدرت اوست).

در احادیث دیگری نیز در مورد شیء بودن خدا و عرش و کرسی و مکان داشتن خدا و ... تفاسیری عقلی از اهل بیت (ع) به ما رسیده است. «۱»

و امام علی (ع) نیز در برخی خطبه‌های نهج‌البلاغه از مقدمات عقلی برای تفسیر آیات بهره برده است. «۲»

البته برخی آیات قرآن خود در بردارنده‌ی برهان‌های عقلی است مثل آیه‌ی: «لوکان فیهما آلهه الّا اللّه لفسدتا» «۳» خودِ قرآن نیز انسان‌ها را به تفکّر و تعقّل و تدبّر در آیات فرا می‌خواند. «۴»

از این رو، مفسّران قرآن لازم دیده‌اند که از نیروی فکر و استدلال‌ها و قراین عقلی در تفسیر آیات قرآن استفاده کنند.

از اینجا بود که روش اجتهادی (: عقلی) در تفسیر قرآن از دوره‌ی تابعان شروع شد. «۵» و در قرون بعدی به ویژه به وسیله‌ی معتزله اوج گرفت پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۳۰

و در شیعه تفاسیری همچون تفسیر تبیان شیخ طوسی (۳۸۵- ۴۶۰ ق)، مجمع البیان شیخ طبرسی (م ۵۴۸ ق) به وجود آمد. در اهل سنّت تفسیر کبیر فخررازی حاصل توجّه به این روش بود.

سپس این شیوه در دو قرن اخیر رشد بیشتری کرد و در شیعه تفسیر المیزان، علّامه طباطبایی و ... به وجود آمد. و در اهل سنّت نیز تفسیر روح المعانی از آلوسی (م ۱۲۷۰) و المنار از رشید رضا (۱۸۶۵- ۱۹۳۵ م) و ... حاصل آن بود.

و در این رابطه از تفسیر «القرآن و العقل» نورالدین اراکی و «تفسیر قرآن کریم» ملاصدرا نیز می‌توان یاد کرد.

روش تفسیر عقلی قرآن عبارت است از:

الف) استفاده‌ی ابزاری از برهان و قراین عقلی در تفسیر برای روشن کردن مفاهیم و مقاصد آیات قرآن. که در این صورت عقل منبع و ابزار تفسیر قرآن شده و احکام و برهان‌های عقلی قراینی برای تفسیر آیات قرار می گیرد.

از این عقل با عنوان عقل اکتسابی و احکام عقلی قطعی یا عقل برهانی یاد می‌شد.

ب) استفاده از نیروی فکر در جمع‌بندی آیات (همراه با توجّه به روایات، لغت و ...) و استنباط از آنها برای روشن ساختن مفاهیم و مقاصد

آیات. حاصل این مطلب همان تفسیر اجتهادی قرآن است.

و در این صورت عقل مصباح و کاشف است.

از این عقل با عنوان عقل فطری یا نیروی فکر و قوّه‌ی ادراک یاد می‌شد.

البته بنابر دیدگاه مشهور هر دو قسم فوق جزیی از روش تفسیر عقلی قرآن است. امّا با دقّت در مطالب روشن شد که قسم دوم (ب) به طور تسامحی به نام تفسیر عقلی خوانده می‌شود و در حقیقت تفسیر عقلی همان قسم اول (الف) است. «۱»

«وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ؛ «۲» و هنگامی که گفتار (: فرمان عذاب) برآنان واقع شود، (و در آستانه رستاخیز قرار گیرند)، جنبنده‌ای را از زمین برای آنان بیرون می‌آوریم که با آنان سخن می گوید، (در مورد این) که مردم همواره به نشانه‌های ما یقین نداشتند.»

الإمام أميرالمومنين (ع) «و أی آیه هی؟، قال: قول الله: و إذا وقع القول عليهم أخرجنا لهم دابه من الارض. الآيه، فأی دابه هی؟، قال عمار: والله ما أجلس و لا آكل و لا أشرب حتى أريكها، فجاء عمار مع الرجل إلى أميرالمؤمنين (ع) و هو يأكل تمراً وزبدا، فقال له: يا أبا اليقظان هلم، فجلس عمار و أقبل يأكل معه، فتعجب الرجل منه، فلما قام عمار قال له الرجل: سبحان الله يا أبا اليقظان، حلفت أنك لا تأكل و لا تشرب و لا تجلس حتى

ترينيها؟!، قال عمار: قد أريتكها إن كنت تعقل.» «۱»

«اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ؛ «۲»

بدانید که خدا زمین را بعد از مردنش زنده می کند؛ بیقین نشانه‌های (خود) را برای شما بیان کردیم، باشد که شما خردورزی کنید.»

ابن عباس: «إعلموا أن الله يحيي الأرض بعد موتها: يعنی يصلح الأرض بقائم آل محمد من بعد موتها، يعنی من بعد جور أهل مملكتها.

قد بينا لكم الآيات: بقائم آل محمد، لعلكم تعقلون» «۳»

«وَلَنُذِيقَنَّهُم مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ؛ «۱»

و قطعاً غیر از عذاب بزرگ‌تر (اخروی)، از عذاب نزدیک‌تر (دنیوی) به آنان می چشانیم، باشد که آنان بازگردند.»

الامامان الباقر و الصادق (ع): «إن العذاب الأدنی الدابه والدجال» «۲» بررسی: در این احادیث چند نکته قابل توجه وجود دارد:

۱. در حدیث تفسیری یکی از آیات فوق «دابّه» به امام علی (ع) تفسیر شده است و در حدیث تفسیری دوم «دابّه» به عذاب تفسیر شده است. که جمع اینها نیاز به فقه الحدیث و تفکر و تعقّل دارد یعنی باید از روش تفسیر عقلی برای فهم این احادیث استفاده کرد.

و شاید بتوان گفت که امام علی (ع) مایه عذاب کافران است پس

مصداق دابّه می‌تواند امام علی (ع) و عذاب برای مخالفان باشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۳۴

۲. در پایان روایت نخست و دوم به صورت صریح از لزوم تعقّل در اینگونه احادیث سخن گفته شده است.

تذکر: برخی دیگر از احادیث تفسیری نیز، نیازمند تفسیر عقلی و اجتهادی است از جمله:

آیه ۳۵/ نور که خدا و قرآن و معصومین (ع) را نور معرفی کرده است که برای جلوگیری از تشبیه و تجسیم نور الهی (که نور وجود و معنوی است) به نور جسمانی، لازم است تفسیر عقلی و اجتهادی شود.

تذکر:

برخی دیگر از مواردی که نیاز به تفسیر عقلی و اجتهادی دارد عبارتند از:

مبحث نور پروردگار که در آیه ۶۹/ زمر مطرح شده و در احادیث به نور امام عصر (ع) تفسیر شده است. «۱» (در مبحث تفسیر علمی مطالبی در این مورد خواهد آمد) و مشابه آن ذیل آیه ۳۵/ نور آمده است که امام را به «نور و کوکب» تشبیه کرده است. «۲»

۴. روش تفسیر علمی

مقصود از علم در اینجا «علوم تجربی» اعم از علوم طبیعی و انسانی است، و از آنجا که بیش از هزارآیه در قرآن به مطالب علوم تجربی اشاره

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۳۵

کرده است، ناچاریم برای فهم برخی آیات یا رفع تعارض‌ها به یافته‌های علوم تجربی مراجعه کنیم.

این شیوه‌ی تفسیر به طور عمده سه دوره داشته است:

دوره‌ی نخست از حدود قرن دوم هجری تا حدود قرن پنجم بود که با ترجمه‌ی آثار یونانی به عربی آغاز شد و بعضی مسلمانان، سعی کردند آیات قرآن را، با هیئت بطلمیوسی تطبیق کنند (مانند بوعلی سینا). «۱»

دوره‌ی دوم از حدود قرن ششم، شروع شد؛ هنگامی که بعضی دانشمندان به این نظریه متمایل شدند که همه‌ی علوم در قرآن وجود دارد و می‌توان علوم مختلف را، از قرآن کریم استخراج کرد (در این مورد غزالی سر آمد بود). این دو نوع از تفسیر علمی (تطبیق قرآن با علوم و استخراج علوم از قرآن) قرن‌ها، ادامه داشت و هر زمان دانشمندان مسلمان، به موافقت یا مخالفت با آن می پرداختند.

دوره‌ی سوم از تفسیر علمی که موجب اوج گیری و رشد فوق العاده آن گردید، از زمانی شروع شد که در قرن ۱۸ میلادی به بعد علوم تجربی در مغرب زمین رشد کرد، و کتاب‌های مختلف در زمینه‌ی علوم فیزیک، شیمی، پزشکی و کیهان شناسی به عربی ترجمه گردید؛ این دوره‌ی پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۳۶

جدید، به ویژه در یک قرن اخیر، که در جهان اسلام، اثرات خود را در مصر و هندوستان بر جای گذاشت، موجب شد تا دانشمندان مسلمان، در صدد انطباق قرآن با علوم تجربی برآیند. این مسأله آن موقع أهمیّت بیشتری یافت که تعارض علم و دین در اروپا، اوج گرفت و کتاب مقدّس، به خاطر تعارضات آن با علوم جدید هر روز عقب نشینی تازه‌ای می کرد و میدان برای پیدایش افکار الحادی و ضد دینی باز می‌شد هجوم این افکار به کشورهای اسلامی و تفوّق صنعتی غرب، موجب جذب جوانان مسلمان به فرهنگ غربی می گشت.

در این میان عدّه‌ای از دانشمندان مسلمان، از سر درد و برای دفاع از قرآن و با توجّه به سازگاری علم و دین در نظر اسلام، به میدان آمدند تا نشان دهند که آیات قرآن، نه تنها با علوم جدید، در تعارض نیست بلکه بر عکس، یافته‌های علمی، اعجاز علمی قرآن را

اثبات می کند؛ از این رو، به استخدام علوم در فهم قرآن اقدام کردند و تفسیرهای علمی نوشته شد؛ هر چند در این میان بعضی افراط کرده یا یکسره جذب فرهنگ غربی شدند و به تأویل و تفسیر به رأی در آیات قرآن دست زدند- و از آنجا که مبانی تفسیری این روش بررسی کامل نشده بوده- دچار انحراف شدند یا عدّه‌ای از مغرضان آن‌ها، برای اثبات افکار انحرافی خود دست به تفسیر علمی و تأویلات نابه جا زدند و همین مطلب موجب شد تا احساسات بعضی مسلمانان، برافروخته شود و در مقابل تفسیر علمی موضع گیری کنند و آن رایکسره به باد حمله بگیرند و آن را نوعی تفسیر به رأی یا تأویل غلط آیات قرآن بدانند؛ در این میان بسیاری از عالمان، و

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۳۷

دانشمندان و مفسّران، در ایران و مصر راه انصاف پیمودند و بین انواع تفسیر علمی و اهداف گویندگان آن، فرق گذاشتند و به اصطلاح قایل به تفصیل شدند.

البته در این میان دانشمندان و مفسران متعددی به اظهار نظر در مورد تفسیر علمی پرداخته و با آن موافقت یا مخالفت کرده‌اند «۱» و یا اعجاز علمی قرآن را از آن اثبات کرده‌اند «۲» که ذکر آنها از حوصله این نوشتار خارج است.

اقسام تفسیر علمی از جهت شکل و شیوه‌ی تفسیر:

تفسیر علمی، نوعی از روش تفسیری است که خود دارای روش‌های فرعی متفاوتی است که بعضی سر از تفسیر به رأی و شماری منجر به تفسیر معتبر و صحیح می‌شود و همین مطلب موجب شده تا برخی تفسیر علمی را رد کنند و آن را نوعی تفسیر به رأی یا تأویل بنامند، و گروهی آن را قبول نمایند و بگویند: تفسیر علمی، یکی از راه‌های اثبات حقّانیت قرآن است.

ما در اینجا شیوه‌های فرعی تفسیر علمی را مطرح می کنیم، تا هر کدام جداگانه به معرض قضاوت، گذارده شود و از خلط مباحث جلوگیری گردد:

الف) استخراج همه‌ی علوم از قرآن کریم

طرفداران قدیمی تفسیر علمی؛ مانند: ابن أبی‌الفضل المرسی، غزالی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۳۸

و ... کوشیده‌اند تا همه‌ی علوم را از قرآن استخراج کنند؛ زیرا عقیده داشتند که همه چیز در قرآن وجود دارد و در این راستا، آیاتی را که ظاهر آن‌ها با یک قانون علمی سازگار بود، بیان می کردند و هر گاه ظواهر قرآن کفایت نمی کرد، دست به تأویل، می‌زدند و ظواهر آیات را به نظریات و علومی که در نظر داشتند، بر می گرداندند و از این جا بود که علم هندسه، حساب، پزشکی، هیأت، جبر، مقابله و جدل را از قرآن استخراج می‌نمودند.

برای مثال، از آیه‌ی شریفه‌ی «وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ» «۱»

ابراهیم (ع) نقل می کند که: وقتی من بیمار شدم، اوست که شفامی دهد، علم پزشکی را استخراج کردند «۲» و علم جبر را از حروف مقطعه‌ی اوایل سوره‌ها استفاده کردند «۳» و از آیه‌ی شریفه‌ی «إِذَا زُلْزِلَتِ الأَرْضُ زِلْزَالَهَا» زمین لرزه‌ی سال ۷۰۲ هجری قمری را پیش‌بینی کردند. «۴»

روشن است که این نوع تفسیر علمی، منجر به تأویلات زیاد در آیات قرآن، بدون رعایت قواعد ادبی، ظواهر و معانی لغوی آن‌ها می شود.

از همین رو است که بسیاری از مخالفان، تفسیر علمی را نوعی تأویل و مجازگویی دانسته‌اند «۵» که البته در این قسم از تفسیر علمی، حق با آنان است و ما قبلًا، این مسأله (وجود همه‌ی علوم در ظواهر قرآن) را بررسی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۳۹

کردیم و به این نتیجه رسیدیم که این کلام، مبانی صحیحی ندارد.

ب) تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن کریم

این شیوه از تفسیر علمی، در یک قرن اخیر رواج یافته و بسیاری از افراد با مسلّم پنداشتن قوانین و نظریات علوم تجربی سعی کردند تا آیاتی موافق آنها در قرآن بیابند و هر گاه آیه‌ای موافق با آن نمی‌یافتند، دست به تأویل یا تفسیر به رأی زده و آیات را بر خلاف معانی ظاهری، حمل می‌کردند.

برای مثال، در آیه‌ی شریفه‌ی «هُوَ الَّذِی خَلَقَکُم مِن نَفْسٍ وَاحِدَهٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا»؛ «۱»

«اوست خدایی که همه‌ی شما را از یک تن آفرید و او نیز جفتش را مقرر داشت.» کلمه‌ی «نفس» را، به معنای پروتون و «زوج» را الکترون معنا کردند و گفتند: منظور قرآن، این است که همه‌ی شما را از پروتون و الکترون که اجزای مثبت و منفی اتم است، آفریدیم. در این تفسیر، حتّی معنای لغوی و اصطلاحی نفس را نکردند. «۲»

این گونه تفسیر علمی، در یک قرن اخیر، در مصر و ایران رایج شد و موجب بدبینی برخی دانشمندان مسلمان نسبت به مطلق تفسیر علمی گردید و یک سره تفسیر علمی را به عنوان تفسیر به رأی و تحمیل نظریات و عقاید برقرآن طرد کردند، چنان که علّامه طباطبایی، تفسیر علمی را نوعی تطبیق اعلام کرد. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۴۰

البتّه در مورد این نوع تفسیر علمی، حق با مخالفان آن است؛ چرا که مفسّر در هنگام تفسیر باید از هرگونه پیش داوری خالی باشد، تا بتواند تفسیر صحیح انجام دهد و اگر با انتخاب یک نظریه‌ی علمی، آن را بر قرآن تحمیل کند، پا در طریق تفسیر به رأی، گذاشته که در روایات وعده‌ی عذاب به آن داده شده است.

ج) استخدام علوم برای فهم و تبیین بهتر قرآن

در این شیوه از تفسیر علمی، مفسّر با دارا بودن شرایط لازم و با رعایت ضوابط تفسیر معتبر، اقدام به تفسیر علمی قرآن می‌کند.

او سعی دارد با استفاده از مطالب قطعی علوم- که از طریق دلیل عقلی پشتیبانی می‌شود- و با ظاهر آیات قرآن- طبق معنای لغوی و اصطلاحی- موافق است، به تفسیر علمی بپردازد و معانی مجهول قرآن را کشف و در اختیار انسان‌های تشنه‌ی حقیقت قرار دهد. این شیوه‌ی تفسیر علمی، بهترین نوع و بلکه تنها نوع صحیح از تفسیر علمی است.

ما در مبحث آینده، معیار این گونه تفسیر را، به طور کامل بیان خواهیم کرد، اما در این جا تأکید می‌کنیم که در این شیوه‌ی تفسیری، باید از هرگونه تأویل و تفسیر به رأی، پرهیز کرد و تنها به طور احتمالی از مقصود قرآن سخن گفت؛ زیرا علوم تجربی به خاطر استقرای ناقص، و مبنای ابطال پذیری که اساس آن‌هاست، نمی‌توانند نظریات قطعی بدهند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۴۱

برای مثال، آیه‌ی شریفه‌ی «الشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا»؛ «۱»

«خورشید در جریان است تا در محل خود استقرار یابد.» در زمان صدر اسلام که نازل شد، مردم همین حرکت حسّی و روزمرّه‌ی خورشید را می‌دانستند؛ به این ترتیب از این آیه، همین حرکت را می‌فهمیدند، در حالی که حرکت خورشید، از مشرق به مغرب کاذب است؛ زیرا خطای حس باصره‌ی ماست و در حقیقت، زمین در حرکت است. از این رو ما خورشید را متحرک می‌بینیم، همان طور که شخص سوار بر قطار، خانه‌های کنار جاده را در حرکت می‌بینند و با پیشرفت علوم بشری و کشف حرکت زمین و خورشید، روشن شد که خورشید هم، خود دارای حرکت انتقالی است (نه حرکت کاذب، بلکه واقعی) و خورشید، بلکه تمام منظومه‌ی شمسی و حتّی کهکشان راه شیری در حرکت است. «۲» پس می‌گوییم اگر به طور قطعی اثبات شد که خورشید در حرکت است و ظاهر آیه‌ی قرآن هم می‌گوید که خورشید در جریان است، پس منظور قرآن حرکت واقعی (حرکت انتقالی و ...)

خورشید است. علاوه بر آن، قرآن از «جریان» خورشید سخن می‌گوید نه حرکت آن، و در علوم جدید کیهان شناسی بیان شده که خورشید حالت گازی شکل دارد که در اثر انفجارات هسته مرتب زیر و زبر می‌شود «۳» و در فضا جریان دارد و همچون گلوله‌ای جامد نیست که فقط حرکت کند، بلکه مثل آب در جریان است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۴۲

در ضمن از این نوع تفسیر علمی، اعجاز علمی قرآن نیز اثبات می‌شود؛ برای مثال، قانون زوجیت تمام گیاهان در قرن هفدهم میلادی

کشف شد، اما قرآن حدود ده قرن قبل از آن، از زوج بودن تمام گیاهان، بلکه همه‌ی موجودات سخن گفته است. «۱»

«وَلَوْ تَرَى إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِن مَكَانٍ قَرِيبٍ؛ «۲»

و اگر (برفرض) ببینی هنگامی را که (کافران) وحشت زده‌اند، چراکه هیچ (راه) گریزی نیست، و از مکانی نزدیک (به عذاب) گرفتار شده اند. (تعجب خواهی کرد!)»

الإمام الباقر (ع): «من الصوت، و ذلک الصوت من السماء و أخذوا من مکان قریب قال: من تحت أقدامهم خسف بهم» «۳»

ابن عباس: «هو جیش السفیانی، قال: من أین أخذ؟ قال: من تحت أرجلهم» «۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۴۳

«قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ* قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ* إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ؛ «۱»

(ابلیس) گفت: «پروردگارا، پس مرا تا روزی که (مردم) برانگیخته خواهند شد مهلت ده.» (خدا) فرمود: «پس در واقع تو از مهلت داده شدگانی، تا روز زمان معلوم.»

الإمام الرضا (ع) «لا دین لمن لا ورع له، ولا إیمان لمن لا تقیه له إن أکرمکم عند الله أعملکم بالتقیه، فقیل له: یا ابن رسول الله إلی متی؟ قال: إلی یوم الوقت المعلوم، و هو یوم خروج قائمنا أهل البیت فمن ترک التقیه قبل خروج قائمنا فلیس منا.

فقیل له: یا ابن رسول الله و من القائم منکم أهل البیت؟ قال الرابع من ولدی، ابن سیده الإماء، یطهر الله به الأرض من کل جور، و یقدسها من کل ظلم.

(وهو) الذی یشک الناس فی ولادته، و هو صاحب الغیبه قبل خروجه، فإذا خرج أشرقت الأرض بنوره، و وضع میزان العدل بین الناس فلا یظلم أحد أحداً.

وهو الذی تطوی له الأرض، و لا یکون له ظل.

وهو الذی ینادی مناد من السماء یسمعه جمیع أهل الأرض بالدعاء إلیه یقول: ألا إن حجه الله قد ظهر عند بیت الله فاتبعوه، فإن الحق معه و

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۴۴

فیه، و هو قول الله عزوجل: «إِن نَّشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِم مِّنَ السَّماءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ» «۱»

بررسی:

احادیث متعددی در مورد امام مهدی و آیات مهدویت حکایت شده که نیاز به تفسیر علمی دارد. از جمله احادیث فوق در مورد خروج سفیانی و صیحه آسمانی که در احادیث شیعه و اهل سنت آمده است.

در مورد اینگونه احادیث دو گونه می‌توان برخورد کرد:

اول آنکه آنها را تعبداً بپذیریم و بگوییم اعجاز است.

دوم آنکه با توجه به اکتشافات جدید علمی این احادیث را تحلیل علمی کنیم. به عبارت دیگر در عصری که این احادیث صادر

شده بود هنوز رادیو و تلویزیون و ماهواره و ... کشف و ساخته نشده بود تا مردم بخوبی معنای صدای آسمانی (صیحه) را درک کنند و اهل البیت (ع) به اندازه عقول و علوم مردم سخن گفته‌اند و حتی ممکن بود این سخنان برای برخی مردم آن عصر قابل هضم نباشد.

اما در عصر ما که اکتشافات جدید شده است به راحتی می‌توانیم این احادیث را تحلیل کنیم یا حداقل احتمال دهیم که صدای آسمانی (صیحه) چیزی شبیه امواج رادیویی و تلویزیونی یا شکستن دیوار صوتی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۴۵

است که از یک نقطه جهان صادر می‌شود و همه مردم می‌شنوند و حجت بر آنان تمام می‌شود و این همان چیزی که در تفسیر عصر حاضر از آن با عنوان تفسیر علمی یاد می‌شود یعنی توضیح آیات و روایات بوسیله استخدام علوم در فهم قرآن و احادیث.

«وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ؛ «۱»

و (در رستاخیز) زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود، و نامه (اعمال) نهاده می‌شود، و پیامبران و گواهان آورده می‌شوند، و بینشان به حق داوری می‌شود درحالی که آنان مورد ستم واقع نمی‌شوند.»

الامام الصادق (ع): «إن قائمنا إذا قام أشرقت الأرض بنور ربها، و استغنى العباد عن ضوء الشمس، و صار الليل و النهار واحداً، و ذهبت الظلمه، و عاش الرجل فى زمانه ألف سنه، يولد فى كل سنه غلام لا يولد له جاريه، يكسوه الثوب فيطول عليه كلما طال، و يتلون عليه أى لون شاء» «۲» پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۴۷

بررسی:

مقصود از نور امام عصر (ع) در این روایت چیست که با وجود آن مردم نیازی به نور خورشید ندارند؟

مسلماً مراد آن نیست که امام عصر (عج) مثل یک راکتور هسته‌ای عمل می‌کند و نوری قوی‌تر از خورشید ارائه می‌کند.

پس لازم است تحلیل علمی و عقلی از آیه و روایت ارائه شود. یعنی گفته شود نور امام عصر (ع) نور معنوی است که راه مردم را روشن می‌کند

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۴۸

که بهتر از نور خورشید است. یعنی تعبیر روایت کنایی است و یا علوم بشری در زمان امام عصر (ع) به برکت وجود ایشان آنقدر پیشرفت می‌کند و روشنایی هسته‌ای و غیر آن آنقدر زیاد می‌شود که مردم نیازی به نور خورشید نخواهند داشت.

به هر حال این آیه و روایت ذیل آن نیاز به تفسیر علمی یا عقلی و اجتهادی دارد.

تذکر: از همین نمونه است:

۱. روایات مسخ «۱» ذیل آیه غافر/ ۱۱ که نیازمند توضیح علمی و عقلی برای نسل جوان است.

۲. روایات رجعت «۲» ذیل آیه غافر/ ۵۱ که نیازمند توضیح علمی و عقلی برای نسل جوان است.

۳. روایات انشقاق قمر «۳» ذیل آیه قمر/ ۱ که نیازمند توضیح علمی و عقلی برای نسل جوان است.

۴. روایات خروج آتش از مغرب «۴» ذیل آیه معارج/ ۱ که نیازمند توضیح علمی و عقلی برای نسل جوان است.

یادآوری: تذکر این مطالب بدان معنا نیست که ما همه معجزات اهل بیت (ع) را توجیهات علمی افراطی (آن هم به صورت تحمیل نظریه‌های

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۴۹

علمی یا استخراج علوم و ...) بکنیم بلکه منظور آن است که تا حدی که ممکن است علوم تجربی را برای توضیح روایات تفسیری مهدویت به کار ببندیم البته با رعایت قواعد صحیح تفسیر.

۵. روش تفسیر اشاری (عرفانی– باطنی)

مفهوم‌شناسی: «اشاره» در لغت به معنای علامت و نشانه دادن به عنوان انتخاب چیزی (از قول، عمل یا نظر) است. «۱»

واژه‌ی «اشـارت» در قرآن نیز به کـار رفته است که مریم (ع) به سوی عیسـی (ع) در گاهواره اشاره کرد تا مردم از او پرسـش کننـد. «فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ» «۲» یعنی چیزی را در پاسخ مردم انتخاب کرد و به آن ارجاع داد.

اشاره در اصطلاح، به معنای چیزی است که از کلام استفاده می‌شود بدون این که کلام برای آن وضع شده باشد.

اشاره گاهی حسّی است، همان طور که در الفاظ اشاره، مثل هـذا، می‌آیـد و گاهی اشاره‌ی ذهنی است مثل اشارات کلام به معنای زیاد، که اگر گوینده می‌خواست به آن‌ها تصریح کند باید سخنان زیادی می گفت.

البته اشاره گاهی ظاهر و گاهی خفی است. «۳»

مقصود از تفسیر اشاری چیست؟

«تفسیر اشاری به اشارات مخفی گفته می‌شود که در آیات قرآن کریم

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۵۰

موجود است، و بر اساس عبور از ظواهر قرآن و اخذ به باطن استوار است. یعنی از طریق دلالت اشاره و با توجه به باطن قرآن مطلبی از آیه برداشت و نکته‌ای روشن شود، که در ظـاهر الفـاظ آیه بـدان تصـریح نشـده است. به عبـارت دیگر، اشـارات آیه لوازم کلاـم هستند که از نوع دلالت التزامی به شمار می‌آیند».

البتّه از آنجـا که تفسـیر اشـاری دارای گونه‌های مختلف همچون تفسیر رمزی، عرفانی، صوفی، باطنی و شـهودی است، تعریف‌های متعدّدی از آن ارایه شده است که در مبحث دیدگاه‌ها و دلایل، نقل و نقد و بررسی خواهد شد.

تاریخچه:

تـاریخچه‌ی برخی از اقسـام تفسـیر اشاری همچون تفسـیر باطنی را می‌توان در صـدر اسـلام پیـدا کرد. یعنی ریشه‌های این تفسـیر در سخنـان پیـامبر (ص) و اهـل بیت (ع) است که فرموده‌انـد: قرآن ظـاهر و بـاطنی دارد «۱» و در برخی احـادیث به بـاطن آیـات اشاره کرده‌اند. «۲»

و در برخی احادیث از امام علی بن الحسین (ع) و امام صادق (ع) حکایت شده که: «کتاب اللّه عزّوجلّ علی أربعه أشیاء علی العباره و الإشاره و اللطایف و الحقایق، فالعباره للعوام و الاشاره للخواص و اللطایف

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۵۱

للأولیاء و الحقایق للأنبیاء». «۱» «کتاب خدای عزوجلّ برچهار چیز استوار است: بر عبارت و اشارت و لطایف و حقایق.

پس عبارت‌هـای قرآن برای عموم مردم است و اشارات آن برای افراد خاص است و لطایف قرآن برای دوسـتان و اولیاست و حقایق قرآن برای

پیامبران است».

از آنجا که همه‌ی مسـلمانان پـذیرفته بودنـد که قرآن دارای باطنی عمیق و معانی دقیق و کنآیات و اشارات است، راه برای این گونه تفسـیرها باز شد تا آنجا که ابن عربی نوشت: «همان طور که تنزیل اصل قرآن بر پیامبر (ص) از پیش خدا بوده، تنزیل فهم آن نیز بر قلوب مؤمنان از ناحیه‌ی حضرت حق صورت می گیرد». «۲»

از این رو در اعصـار بعـدی، برخی عرفـا و صوفیه به گونه‌هایی از تفسـیر اشاری همچون تفسـیر رمزی و شـهودی و صوفی و عرفانی توجّه کردند. و کتاب‌های تفسیری متعدّدی در این زمینه به نگارش در آمد.

از جمله تفسیر تُستری از ابن محمد بن سهل بن عبدالله التستری (۲۰۰- ۲۸۳) و کشف‌الأسرار و عدّه‌الابرار، میبدی (زنده در سال ۵۲۰ ه-) و تفسیر ابن عربی (۵۶۰- ۶۳۸ ه-) را می‌توان نام برد.

علامه طباطبایی و آیت اللَّه معرفت تاریخچه‌ی این روش تفسیری را

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۵۲

از قرن دوّم و سوّم هجری می‌دانند، یعنی پس از آن که فلسفه‌ی یونانی به عربی ترجمه شد. «۱»

این روش تفسیری در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های گوناگون داشته است و مفسّران مذاهب مختلف اسلامی و نیز صوفیه و عرفا هر کدام به گونه‌ای به این تفسیر توجّه کرده‌اند، که نمی‌توان همه را یکسان انگاشت و داوری واحدی در مورد همه روا داشت؛ چراکه برخی در این راه افراط کرده به راه تفسیر به رأی و تأویل‌های بی‌دلیل افتاده‌اند ولی برخی از باطن قرآن بر اساس ضوابط صحیح استفاده کرده‌اند.

دیدگاه‌ها:

درباره‌ی روش تفسیر اشاری دیدگاه‌ها، تعریف‌ها و تقسیم بندی‌های متفاوتی وجود دارد. و هر مفسّر یا صاحب‌نظری که در این مورد قلم زده به یک یا چند گونه از تفسیر اشاری توجّه کرده و با آن موافقت یا مخالفت نموده است یا یک گونه‌ی دیگری را ردّ کرده است. اینک برای آشنایی با دیدگاه‌ها برخی آنان را ذکر می‌کنیم.

اول: دیدگاه موافقان تفسیر اشاری:

الف: دیدگاه امام خمینی (ره)

ایشان در مورد برداشت های عرفانی از قرآن می نویسد:

«یکی دیگر از حُجب که مانع از استفاده از این صحیفه نورانیه

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۵۳

است اعتقاد به آن است که جز آن که مفسّران نوشته یا فهمیده‌اند کسی را حق استفاده از قرآن شریف نیست، و تفکّر و تدبّر در آیات شریفه را با تفسیر به رأی که ممنوع است اشتباه نموده‌اند و به واسطه‌ی این رأی فاسد و عقیده‌ی باطله، قرآن شریف را از جمیع فنون استفاده عاری نموده و آن را به کلی مهجور نموده‌اند، در صورتی که استفادات اخلاقی و ایمانی و عرفانی به هیچ وجه، مربوط به تفسیر نیست تا تفسیر به رأی باشد ...».

سپس با مثالی در مورد آیات پیروی موسی از خضر و استفاده‌ی

توحید افعالی از آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ» می‌نویسد: «الی غیر ذلک» از اموری که از لوازم کلام استفاده می‌شود که مربوط به تفسیر به هیچ وجه نیست.

علاوه بر آن که تفسیر به رأی نیز کلامی است که شاید آن غیر مربوط به آیات معارف و علوم عقلیه که موافق موازین برهانیه است و آیات اخلاقیه که عقل را در آن مدخلیت است، باشد. زیرا که این تفاسیر مطابق با برهان متین عقلی یا اعتبارات واضحه عقلیه است که اگر ظاهری بر خلاف آن‌ها باشد لازم است آن‌ها را از ظاهر مصروف نمود.

... پس محتمل است بلکه مظنون است که تفسیر به رأی راجع به آیات احکام باشد که دست آرا و عقول از آن کوتاه است. و به صرف تعبّد

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۵۴

و انقیاد از خازنان وحی و مهابط ملایکه‌الله باید اخذ کرد». «۱»

بررسی: ایشان برداشت‌های عرفانی از آیات را از مقوله‌ی تفسیر نمی‌دانند بلکه از باب لوازم کلام (که شاید مقصود ایشان بطون

باشد) می داند.

بنابر این ایشان به تفسیر عرفانی باطنی ضابطه‌مند اشاره دارد که متکی بر عقل است و منتهی به تفسیر به رأی نمی‌شود.

همانطور که اشاره شد امام خمینی (قدس‌سره) از طرفداران روش تفسیر اشاری صحیح است و در موارد متعددی از تفاسیر خود از مطالب باطنی و عرفانی استفاده کرده است. ولی یادآوری کرده که لازم است تفسیر عرفانی به تفسیر به رأی منتهی نشود، از این رو نباید مفاد آیات و روایات منحصر در معنای عرفانی آن شود. ایشان در همین مورد

می‌نویسند:

«گمان نشود که مقصود ما از این بیانات از حدیث شریف به طریق مسلک اهل عرفان، قصر کردن مفاد حدیث است به آن، تا از قبیل رجم به غیب و تفسیر به رأی باشد. بلکه دفع توهم قصر معانی احادیث وارده در باب معارف است به معانی مبذوله عرفیه. و عارف به اسلوب کلمات ائمه (ع) می‌داند که اخبار در باب معارف و عقاید با فهم عرفی عامیانه درست نیاید بلکه ادق معانی فلسفیه و غایت معارف اهل معرفت را در آنها گنجانیده‌اند، و اگر کسی رجوع کند به اصول کافی و توحید شیخ صدوق (ره) تصدیق می‌کند این مطلب را.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۵۵

و منافات ندارد این معنی با آنکه آن ائمه اهل معرفت و علماء بالله کلام شریف خود را طوری جامع ادا کنند که هر طایفه‌ای به حسب ملک خود خوشه‌ای از آن خرمن بچیند، و هیچ یک از آنها حق ندارند منحصر کنند معنی آن را به آنچه فهمیدند. مثلًا از این حدیث شریف می‌توان یک معنی عرفی عامیانه کرد که موافق با ظهور لفظ و استظهار عرف است، مثل آنکه معنی اعرفوالله بالله آنست که خداوند را به آثار صنع و اتقان آن که آثار الوهیت است بشناسید، چنانچه پیغمبر را به رسالت او و آثار متقنه دعوت او، و اولوالامر را به کیفیت اعمال او از قبیل امر به معروف و عدالت باید شناخت، پس از آثار هر یک پی باید برد به خود آنها. و این منافات ندارد با آنکه معنی لطیف‌تری داشته باشد که آن به منزله بطن آن باشد، و از آن نیز معنی لطیف‌تری باشد که بطن آن باشد.» «۱»

ولی از طرف دیگر امام خمینی (قدس‌سره) یادآور می‌شوند که نباید سخنان پیامبران و ائمه (ع) را منحصر در معانی عرفی و ظاهری دانست و خود را از معارف عرفانی آن محروم سازیم:

«و از غرائب امور آن است که بعضی در مقام طعن و اشکال گویند که: ائمه هدی (ع) فرمایشاتی را که می‌فرمایند برای ارشاد مردم، باید مطابق با فهم عرفی باشد و غیر از آن از معانی دقیقه فلسفیه یا عرفانیه از آنها صادر نباید شود. و این افترایی است بس فجیع و تهمتی است بسیار

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۵۶

فظیع که از قلت تدبر در اخبار اهل بیت (ع) و عدم فحص در آن با ضمیمه بعض امور دیگر ناشی شده است. فواعجبا! اگر دقایق توحید و معارف را انبیاء و اولیاء (ع) تعلیم مردم نکنند پس کی تعلیم آنها کند؟ آیا توحید و دیگر معارف، دقایقی ندارد و همه مردم در معارف یکسان هستند؟ معارف جناب امیرالمومنین (ع) با ما یکسان است؟ و همین معانی عامیانه است، یا آنکه فرق دارد؟ و تعلیم آن لازم نیست، سهل است حتی رجحان هم ندارد؟ یا هیچیک نیست و ائمه (ع) اهمیت به آن ندادند؟ کسانی که آداب مستحبه خواب و خوراک و بیت التخلیه را فروگذار ننمودند از معارف الهیه که غایت آمال اولیاء است غفلت کردند؟ عجب‌تر آنکه بعضی از همین اشخاصی که منکران معانی هستند، در اخباری که راجع به فقه است و مسلم است که فهم آن موکول به عرف است یک مباحثه دقیقه‌ای تشکیل می‌دهند که عقل از فهم آن عاجز است فضلًا از عرف، و آن را به ارتکاز عرف نسبت دهند! هر کس منکر است به مباحثی که در باب «علی الید» و امثال آن از قواعد کلیه خصوصاً در باب معاملات است رجوع کند.»» بنابراین ایشان

به تفسیر عرفانی باطنی ضابطه‌مند اشاره دارد که متکی بر عقل است و منتهی به تفسیر به رأی نمی‌شود.

البته در مورد این که تفسیر اشاری باطنی به نوعی داخل در تفسیر نیز هست در پایان مبحث دلایل مخالفان و موافقان تفسیر اشاری، مطالبی بیان خواهیم کرد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۵۷

ب) دیدگاه استاد حسن عبّاس زکیّ:

ایشان به دفاع از صوفیه برخاسته و تفسیر اشاری آنان را توجیه کرده و آن را از تفسیر باطنیه که ظاهر قرآن را کنار می‌گذارند، جدا می‌داند و می‌نویسد:

«مفسّران که از علمای شریعت هستند بر ظاهر الفاظ قرآن توقّف می‌کنند. ولی اهل تحقیق یا صوفیه این تفسیر ظاهری را قبول می‌کنند و آن را اصل می‌دانند، ولی نمی‌گویند تفسیر ظاهری تنها مراد است. چون این موجب محدویت کلام خدا می‌شود که نامحدود است.

بلکه مافوق ادراک عقلی چیزی به نام قلب است که ذوق خاص دارد که مثل کسی است که میوه‌ای می‌خورد ولی نمی‌تواند مزه‌ی آن را برای دیگری بگوید. از این رو سخن قلب در قالب الفاظ در نمی‌آید و از آن به «اشاره» تعبیر می‌شود. پس اشارات، ترجمان تجلیّات و مشاهدات قلبی است، یعنی اسرار کلام خدا و پیامبر که خدا بر برگزیدگان و دوستان خود افاضه می‌کند و این، همان باطن قرآن است.

ولی این اشارات قلبی و تفسیر صوفیه نیز تنها مراد آیات قرآن نیست آن گونه که باطنیه می‌گویند و شریعت را باطل می‌دانند. و در برابر نصوص قرآن خاضع نمی‌شوند. «۱»

بررسی: سخن ایشان در باره‌ی جمع بین ظاهر و باطن قرآن نیکوست اما ایشان توضیح نداده که چگونه شهودهای قلبی را به عنوان باطن قرآن بپذیریم، و معیار و ضابطه آن چیست.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۵۸

به نظر می‌رسد که مشکل اصلی تفسیر عرفانی، صوفی، اشاری، رمزی و باطنی در همین جاست. که در مباحث بعدی بدان می‌پردازیم.

ج) از دیگر طرفداران تفسیر اشاری (از نوعی صوفی) می توان از تفتازانی نام برد که می‌نویسد:

«اما آنچه که برخی محققان گفته‌اند که نصوص قرآن ظواهر آن باقی است اما در آن اشارات مخفی به امور دقیق است که برأی اهل سلوک کشف می‌شود، که ممکن است این اشارات را با ظاهر آیات که مقصود است جمع کرد، این مطلب از کمال ایمان و عرفان خالص است». «۱»

دوّم: دیدگاه مخالفان تفسیر اشاری:

دیدگاه استاد عمید زنجانی:

ایشان در کتاب مبانی و روش‌های تفسیری فصل هشتم را به این روش تفسیری اختصاص داده و آن را به سه گونه‌ی فرعی تقسیم کرد، و این‌گونه توضیح داده است:

الف) تفسیر رمزی:

صوفیه و باطنیه، که دین را از قید و بند ظواهر شرع و جهات خشک و تقیّدات مذهبی آزاد می‌دانستند، جهت استحکام تشکیلات مذهبی خود به دو مسأله‌ی باطن داشتن قرآن، و امثال و کنایات و اشارات موجود در آیات توجّه کردند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۵۹

آنان از این دو مسأله به منظور تأمین مقاصـد مذهبی خود اسـتفاده کردند و تعلیمات عرفانی و ذوقی و اسـرار و مبانی مذهبی خویش را به عنوان تفسیر بطنی قرآن بیان کردند.

سپس ایشان این روش را تفسیر به رأی می‌خواند و مثال‌هایی از تفسیر قرآن ابن عربی می‌آورد. «۱»

سپس گروه «باطنیه» را معرّفی می‌کند و می‌نویسد:

«باطنیه، طایفه‌ای از شیعیان بودند که منکر ظواهر شرع و قرآن بودند و مقصود حقیقی قرآن را باطن آن می‌دانند. و هر کس به ظاهر قرآن تمسّک جوید گمراه است. آنان ظواهر عبادات و بهشت و جهنّم و ... را رموز و اشاراتی حاکی از اسرار مذهب می‌دانند. حتی مفضّل یکی از یـاران امام صادق‌علیه السـلام در نامه‌ای به حضـرت در مورد گروه باطنّیه کسب نظر می‌کنـد که حضـرت در پاسـخ می‌نویسـد: «در بـاره‌ی طایفه‌ای سـخن گفته بودی که من آنان را می‌شـناسم ... به تو گفته‌انـد که آنان گمان می‌کننـد شـناخت دین همان شـناخت اشخاصـی چنـد (همچون امامان باطنّیه) است، نوشـته بودی که آنان می‌پندارنـد مقصود از نماز، زکات، روزه، حـج، عمره، مسجدالحرام و مشعرالحرام یک شخص معین است ....

آگاه باش که هر کس چنین عقیده‌ای داشته باشد در نظر من مشرک است .... این گونه افراد، سخنانی شنیده‌اند ولی نتوانسته‌اند آن

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۶۰

را درک کنند». «۱»

و در پایان این شیوه را خارج از حدود دلالت لفظی دانسته، آن را تفسیر به شمار نمی‌آورد. «۲»

ب) تفسیر اشاری:

برخی به شـیوه‌ی تفسـیری صوفیه، تفسـیر اشاری اطلاق کرده‌انـد، از این رو که ظواهر آیات به معانی مورد نظر آنان اشاره دارد. این اصطلاح از روایت معروف که یکی از وجوه قرآن را اشاره، است اتخاذ گردیده است. «۳»

سپس شرایط تفسیر اشاری را می‌آورد و با بیان مثالی در دلالت

تفسیر اشاری (با فرض وجود شرایط) تشکیک می‌کند. «۴»

ج) تفسیر شهودی:

تفسیر شهودی یا تفسیر اشراقی بر اساس مکتب اشراق و شهود، در برخی از تفاسیر دیده می‌شود.

شهود حالتی روحی و احساسـی درونی و شخصـی است که با اذکار یا افعال یا تفکر در امر خاصـی در انسان به وجود می‌آید، و در مصادیق صحیح آن واقعیت‌هایی بر انسان مکشوف می‌شود.

سپس یـاد آور می‌شـود: راه مکاشـفه یـک منطق و طریقـه‌ی احسـاس شخصـی اسـت و قابـل انتقـال بـه دیگری نیسـت و بر دیگران نمی‌تواند حجّت

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۶۱

باشد. و در پایان چنین آورده است: راه درک حقایق، یعنی مکاشفه و شهود، حتّی اگر حق و قابل قبول هم باشد، رسیدن به معانی و مقاصد آیات قرآن از طریق مکاشـفه و شهود نمی‌تواند مصداقی برای تفسیر باشد؛ زیرا در صدق تفسیر، استناد به دلالت لفظی شرط اساسی است در حالی که در مکاشفه و شهود استناد به امر دیگری است. «۱»

بررسی:

به نظر می‌رسـد که جدا سازی تفسـیر اشاری در بخش شـهودی و رمزی مفید است. با توضـیح این که مقصود از تفسـیر رمزی همان تفسیر صوفی نظری و منظور از تفسیر شهودی همان تفسیر صوفی عملی یا

فیضـی باشد. اما جدا سازی تفسـیر اشاری از رمزی با توضـیحاتی که نویسـنده‌ی محترم آورده است روش‌مند مستـدل نگردیده و در

حقیقت دو نام برأی یک شیوه‌ی تفسیری است.

به هر حال ایشان روش تفسیر اشاری، شهودی و رمزی یعنی تمام اقسام تفسیر عرفانی و صوفی را نمی‌پذیرد.

سوم: دیدگاه قایلان به تفصیل در تفسیر اشاری:

الف) دیدگاه علّامه طباطبایی:

ایشان در مقدّمه‌ی تفسیر المیزان با اشاره به روش تفسیر صوفی می نویسد: «اما اهل تصوّف به خاطر مشغول بودن به سیر باطنی در خلقت،

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۶۲

و توجّه به آنان به آیات انفسی و توجّه کمتر به عالم ظاهر و آیات آفاقی، فقط به تأویل قرآن پرداختند و تنزیل (و ظاهر قرآن) را کنار گذاشتند.

و این مطالب موجب جرأت مردم بر تأویل قرآن و تألیف سخنان شعری و استدلال از هر چیزی برأی هر چیز شد.

تا آن که در نهایت کار به تفسیر آیات بر اساس حساب جُمل و برگشت دادن کلمات به زُبر و بیّنات و حروف نورانی و ظلمانی و غیر آن شد». «۱»

سپس در انتقاد از این روش می‌نویسد: «واضح است که قرآن تنها برای اهل تصوّف نازل نشده است و مخاطب آن اهل علم اعداد و آفاق و حروف نیستند و معارف قرآن براساس حساب جُمل که اهل نجوم یونانی آن را قرار داده‌اند نیست».

در ادامه به روش تفسیر باطنی اشاره می‌کند و می نویسد: «بلی در احادیث از پیامبرصلی الله علیه وآله و ائمه‌علیه السلام وارد شده که قرآن ظاهر و باطنی دارد و باطن آن باطن دارد تا هفت یا هفتاد بطن دارد.

ولی اهل بیت‌علیه السلام با توجّه به ظاهر، به باطن نیز توجّه می‌کردند و به تأویل و تنزیل- هر دو- توجّه داشتند.» «۲»

بررسی: ایشان چند گونه از تفسیر اشاری را نام برده‌اند:

اول تفسیر صوفی که بر اساس تأویل‌های بدون دلیل پایه گذاری شده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۶۳

دوّم تفسیر باطنی صحیح که بر اساس توجّه به ظاهر و باطن قرآن استوار است.

ب) دیدگاه آیت اللَّه معرفت:

ایشان در مورد تفسیر عرفانی (رمزی و اشاری) می‌نویسد: «در اینجا برای اهل عرفان باطنی تفاسیری هست که بر اساس تأویل ظواهر (آیات) و اخذ به باطن تعابیر (قرآن) بدون توجّه به دلالت‌های ظاهری آن‌ها، پایه گذاری شده است. و بر دلالت رمز و اشاره بر اساس اصطلاح خودشان، پایه‌گذاری شده است.

و از اطراف و جوانب کلام استفاده می‌کنند نه از صریح الفاظ و دلالت کلام.

آنان برأی ظواهر تعابیر باطن‌هایی را فرض کرده‌اند و آن‌ها را بر قرآن کریم حمل (تحمیل) می‌کنند و در این راه به ذوق عرفانی ویژه‌ای استناد

می‌کنند که ما ورای فهم معمولی مردم است). «۱»

سپس ایشان با بیان تاریخچه تفسیر عرفانی آن را تفسیر صوفیه می‌خواند و به مسأله‌ی تفسیر باطنی اشاره می‌کند و می‌فرماید: «هر چند که ما تأویلات غیر مستند این افراد را منکر هستیم، اما قبول داریم که قرآن ظاهر و باطن دارد، همان طور که از پیامبرصلی الله علیه وآله حکایت شده است.

ظاهر قرآن عبارت است از معنایی که از تنزیل (آنچه نازل شده است) استفاده می‌شود. و بر استفاده از ظاهر تعبیرات (آیات) بر

اساس

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۶۴

اصول مقرّر در باب تفهیم و تفهّم استوار است.

اما باطن عبارت است از مفهوم عام شامل، که از فحوای آیه استنباط می‌شود. یعنی آیه به طوری تأویل می‌شود و به جایی باز می‌گردد که بر موارد مشابه در طول زمان منطبق شود.

البته تأویل (و به دست آوردن بطن) شرایطی دارد که بر اساس ذوق‌های مختلف و سلیقه‌ها نیست.» «۱»

سپس ایشان به تفسیر شهودی اشاره می‌کند و می‌نویسد: تفسیر صوفی بر مقدّمات علمی و برهان‌های منطقی و سبب معقول تکیه نمی‌کند، بلکه تفسیر آنان چیزی است که به سبب اشراقات نوری که از محل بالاتر افاضه می‌شود. یعنی صوفی عارف به درجه‌ی کشف و شهود می‌رسد و معنا برای او کشف می‌شود. و به او اشارات قدسیّه می‌شود و به قلب او از غیب معارف الهی می‌رسد. «۲»

و در ادامه ایشان در مورد انواع تفسیر باطنی می نویسد: «تفسیر صوفی را به دو نوع تقسیم کرده‌اند: نظری و فیضی.

این تقسیم بر اساس تقسیم تصوّف به نظری و عملی است که تصوّف نظری بر اساس بحث و درس است اما تصوّف عملی بر اساس زهد و گذراندن مراحل سیر و سلوک عملی و اذکار و اوراد است». «۳» و در ادامه، ریشه‌ی تصوّف نظری را به یونانیان بر می‌گرداند و تعالیم آن‌ها را از روح

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۶۵

قرآن دور می‌داند که آنان تلاش می‌کنند نظریات عملی خود را بر قرآن تحمیل کنند.

اما تصوّف فیضی آن است که قرآن را بر خلاف ظاهر آن براساس اشارات رمزی تفسیر می‌کند که برأی صاحبان سلوک و ریاضت ظاهر می‌شود ولی دلیل و برهان ندارد. «۱»

بررسی:

ایشان نیز چند قسم از تفسیر اشاری را بیان کرده‌اند:

اول تفسیر صوفی که براساس تأویل و باطن قرآن و تصوّف نظری قرآن استوار است، اما تأویلات آن‌ها دلیل ندارد.

دوّم تفسیر صوفی که براساس کشف و شهود و تصوّف عملی است.

سوّم تفسیر باطنی صحیح که براساس ضوابط صحیح تأویل و

بطن‌یابی استوار است.

مراحل به دست آوردن بطن و تأویل آیات:

مراحل صحیح پی بردن به بُطون (پیام‌های نهفته) قرآن عبارت است از:

۱- جویا شدن هدف آیه.

۲- سنجیدن آن هدف با خصوصیات ذکر شده در متن آیه.

۳- آنچه در تحقّق یافتن هدف دخالت دارد باقی گذارده شود و آنچه دخالت ندارد نادیده گرفته شود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۶۶

۴- مفهومی عام از متن آیه برداشت شود که مستقیما در راستای هدف آیه قرار داشته باشد و از خصوصیات ذکر شده پیرامون آیه فراتر بوده و بر موارد مشابه مورد نزول آیه در هر زمان و هر مکان قابل تطبیق باشد.

۵- معیار صحّت این برداشت در آن است که: مفهوم عام مُستَخرَج از بطن آیه به گونه‌ای باشد که مورد نزول آیه یکی از مصادیق شاخص آن مفهوم عام گردد. و اگر چنین نشد و با ظاهر تنزیل تناسب قریب نداشت، چنین استخراجی نادرست و از قبیل تأویل

باطل و تفسیر به رأی خواهد بود. «۱»

در این مورد به مثال‌های سه‌گانه گذشته توجّه کنید تا مطلب روشن شود.

۲- معیارهای تفسیر اشاری صحیح:

از سخنان کسانی که تفسیر اشاری باطنی صحیح را پذیرفته‌اند استفاده می‌شود، که رعایت ضوابط و شرایط زیر در این تفسیر لازم است:

الف) توجّه به ظاهر و باطن قرآن هر دو؛ یعنی توجّه به بطن و اشارات قرآن، مفسّر را از توجّه به ظاهر آیات و تفسیر ظاهری آن غافل نکند و نگوید که قرآن غیر از تفسیر اشاری باطنی تفسیر دیگری ندارد. این ضابطه از کلام علّامه‌ی طباطبایی و آیت اللّه معرفت و استاد حسن عباس زکی استفاده می‌شد. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۶۷

ب) رعایت مناسبت نزدیک بین ظاهر کلام و باطن آن، یعنی بین دلالت ظاهری و دلالت باطنی کلام، به طوری که بیگانه نسبت به همدیگر نباشد؛ یعنی مناسبت لفظی یا معنوی باشد به گونه‌ای که بتوان بطن را از ظاهر کلام انتزاع کرد. «۱»

همانطور که در مثال قتل و حیات دیدیم که حیات جسم و حیات معنوی و روحی (یعنی هدایت) مناسبت دارد.

ج) مراعات نظم و دقت در الغای خصوصیاتی که در کلام هست. تا بتوان اصل و مغز کلام را به صورت مفهوم عامی به دست آوریم.

همان طور که در قانون «سبر و تقسیم» در منطق گفته شده و در علم اصول از آن با عنوان «تنقیح مناط» یاد می‌شود که فقها برای به دست آوردن ملاک قطعی حکم شرعی از آن استفاده می‌کنند و حکم نفیا و اثباتا دایر مدار آن است و ملاک همان عموم فحوای کلام است نه خصوص عنوان وارد شده در زبان دلیل.

این دوشرط و ضابطه را آیت الله معرفت برای تأویل و بطن صحیح آورده‌اند. «۲»

د) تفسیر اشاری باطنی با آیات محکم قرآن و دلایل قطعی عقل منافات نداشته باشد.

ه‍) تفسیر اشاری باطنی قرینه‌ی معتبر داشته باشد که این قرینه

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۶۸

گاهی عقلی و گاهی نقلی همچون آیات و روآیات است. یعنی گاهی از روش تفسیر عقلی و اجتهادی و گاهی از روش تفسیر روایی برای به دست آوردن از بطن و پیام آیه استفاده می‌شود.

و) مفهوم عام و قاعده‌ی کلی که از آیه استخراج می‌شود طوری باشد که مورد آیه یکی از مصادیق آن باشد.

بنابراین اگر شرایط عام تفسیر رعایت شود، تفسیر اشاری باطنی ضابطه‌مند و معتبر خواهد بود.

ج) دیدگاه دکتر ذهبی:

ایشان تفسیر اشاری را به دو قسم تقسیم می‌کند:

اوّل: تفسیر صوفی نظری که بر مقدمات علمی استوار است که در ذهن صوفی مشخّص شده است.

در این شیوه، مفسّر گمان می‌کند که تمام مقصود آیه را درک کرده و چیزی غیر از این تفسیر اشاری صوفی نظری نیست که آیه را بر آن حمل کنند.

سپس ایشان محی‌الدین ابن عربی را از بزرگان این شیوه می‌نامد.

دوّم: تفسیر صوفی فیضی، که بر اساس ریاضت‌های روحی صوفی استوار است تا این که او به درجه‌ی کشف می‌رسد و اشارات قدسی را دریافت می‌کند.

در این شیوه، مفسّر گمان نمی‌کند که تفسیر صوفی فیضی تمام

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۶۹

معنای آیه باشد بلکه احتمال می‌دهد که معنای دیگری نیز باشد که همان معنای ظاهری است که قبل از هر چیز به ذهن می‌رسد. «۱»

د) دیدگاه شیخ خالد عبدالرحمن العک:

ایشان تفسیر اشاری را این گونه تعریف می‌کند: «آن تأویل آیات قرآن کریم بر اساس چیزی غیر از ظاهر آیات و به مقتضای اشارات خفی است که برای اهل علم و سلوک ظاهر می‌شود، که براساس تطابق بین آن اشارات و بین ظواهر مقصود از آیات قرآن به وجهی شرعی، بنا گذاشته می‌شود». «۲»

سپس ایشان با توضیح معنای اشاره و تقسیم آن به اشاره‌ی حسّی و ذهنی، تفسیر اشاری ذهنی را به دو قسم مخفی و آشکار تقسیم می‌کند و می‌نویسد:

اوّل: اشارات خفی که اهل تقوی و صلاح و علم هنگام تلاوت قرآن آن‌ها را درک می‌کنند. و اینها معانی اسرار قرآنی است که به قلب مؤمن

متقی و صالح عالم القاء می‌شود، که یا بین خود و خدایش می‌ماند یا این که آن را برای دیگران می‌گوید، بدون آن که کسی ملزم به پذیرش آن‌ها باشد.

دوّم: اشارات آشکار که آیات طبیعت در قرآن آن‌ها را در بر دارد. یعنی آیاتی که اشارات واضح به علوم جدید و اکتشافات دارد که این

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۷۰

همان اعجاز علمی قرآن در عصر ما- یعنی عصر علم- است». «۱»

سپس شروط تفسیر اشاری را بیان کرده، «۲» یادآور می‌شود که تفسیر اشاری در حوزه‌ی اخلاق و کمال نفس و تقویت ایمان و یقین کاربرد دارد اما احکام شرعی از تفسیر اشاری گرفته نمی‌شود.

و در پایان مرز تفسیر اشاری را با تفسیر صوفی مشخص ساخته و می‌نویسد:

«تفسیر اشاری که با شروط مذکور بیان شد غیر از تفسیر به روش فلسفی نظری صوفی درباره‌ی تفسیرهای اشاری است که از دایره‌ی تفسیر مشروع خارج می‌شود».

سپس تفسیر صوفی را اینگونه توضیح می‌دهد: «صوفیه به علم «اشاره» قایل هستند و آن علمی به اسرار قرآن کریم است از طریق عمل به آن، صوفیه می‌گویند که تحت هر حرف از حروف قرآن، نکات قابل فهم زیادی است که برای هر کس بهره‌ای از آن هست».

سپس برای این روش تفسیری مثال‌هایی آورده است.

بررسی:

ایشان سه قسم از تفسیر اشاری را بیان کرد:

اوّل: تفسیر اشاری مخفی به معنای اسرار قرآنی که به قلب عالمان اهل تقوی القا می‌شود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۷۱

دوّم: تفسیر اشاری آشکار به معنای اشارات علمی قرآن به علوم جدید.

سوّم: تفسیر اشاری به معنای تفسیر فلسفی صوفی که براساس علم اشاره و اسرار حروف استوار است.

البته به نظر می‌رسد که قسم دوّم از تفاسیر اشاری به شمار نمی‌آید بلکه روش مستقّلی در تفسیر قرآن است که ما تحت عنوان روش تفسیر علمی قرآن بیان کردیم.

مثال‌های روایات تفسیری مهدویت در روش تفسیر اشاری:

«وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ «۱»

و می‌خواهیم که برکسانی که در زمین مستضعف شده بودند، منّت نهیم و آنان را پیشوایان (زمین) گردانیم وآنان را وارثان (آن) قرار دهیم.»

النبی (ص): «إن الله تعالى لم يبعث نبياً و لا رسولًا إلا جعل له اثنى عشر نقيباً ... ثم ابنه محمد بن الحسن المهدى القائم بأمر الله ثم قال يا سلمان ... و ذلك تأويل هذه الآيه «وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا كَانُوا يَحْذَرُونَ» قال فقمت من بين يديه و ما أبالى لقيت الموت أو لقينى» «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۷۲

بررسی:

ظاهر آیه فوق در مورد بنی اسرائیل است که مستضعفان آن قوم با اراده الهی بر فرعونیان پیروز می‌شوند و جانشین آنها می‌گردند. «۱»

ولی تأویل و باطن آیه در مورد امام مهدی (ع) و پیروزی نهایی اوست همانطور که در روایت فوق تصریح شده بود.

البته این با یکی از معانی بطن و تاویل سازگار است که همان الغاء خصوصیت از آیه و اخذ قاعده کلی و تعیین مصادیق جدید در هر عصر و تعیین مصداق کامل آن در عصر امام عصر (ع) است.

«حم* عسق؛ «۲» حا، میم. عین، سین، قاف.»

الإمام الباقر (ع): «حم»: حتم، و «عين»: عذاب، و «سين» سنون كسنى يوسف، و قاف»: قذف و خسف و مسخ يكون فى آخر الزمان بالسفيانى و أصحابه، و ناس من كلب ثلاثون ألف ألف يخرجون معه. و ذلك حين يخرج القائم (ع) بمكه، و هو مهدى هذه الأمه» «۳» پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۷۳

بررسی:

یکی از اقسام تفسیر اشاری، تفسیر رمزی است که حروف مقطعه قرآن در بسیاری از روایات تفسیری توضیح داده شده است. در روایت فوق نیز به برخی رموز «حم، عسق» اشاره شده است. صرف نظر از سند این احادیث و اقوال مختلفی که در مورد حروف مقطعه قرآن وجود دارد، «۱» این مطلب حائز اهمیت است که در روایات تفسیری مهدویت به تفسیر اشاری رمزی در مورد حروف مقطعه توجه شده که لازم است در چهارچوب تفسیر اشاری رمزی بدانها پرداخته و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد ولی باید بدانیم که معنای حروف مقطعه منحصر به این احتمالات نیست.

مثال دیگر: «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعاً مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ؛ «۲»

و بیقین هفت (آیه از سوره حمد با نزول) دوباره، و قرآن بزرگ را به تو دادیم.»

الإمام الصادق (ع): «إن ظاهرها الحمد، و باطنها ولد الولد، و السابع

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۷۴

منها القائم (ع)». «۱» تذکر: در روایت فوق ظاهر آیه «سبعاً» به معنای هفت عدد است که «سبعاً من المثانی» یکی از نام‌های سوره حمد است که هفت آیه دارد همانطور که در روایت اشاره شده است. اما باطن آیه هفتمین امام از نسل امام صادق (ع) است (حضرات صادق- کاظم- رضا- جواد- هادی- حسن عسگری- مهدی (علیهم السلام))

البته ارتباط ظاهر و باطن آیه فوق برای ما کاملًا روشن نیست ولی شاید اشاره به آن باشد که سوره حمد هفت آیه‌ای دو بار نازل شد، معصومان در اسلام نیز به دو دسته هفت تایی تقسیم می‌شوند که از پیامبر (ص) تا امام باقر (ع) گروه اول بودند و از امام صادق (ع) تا امام عصر (ع) گروه دوم بودند که این مطلب با نوعی الغاء خصوصیت و اخذ قاعده کلی و تطبیق بر مصادیق جدید می‌تواند سازگار باشد.

مثال دیگر: «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِندَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْراً فِی کِتَابِ اللَّهِ یَوْمَ

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۷۵

خَلَقَ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَهٌ حُرُمٌ ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِیهِنَّ أَنْفُسَکُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِکِینَ کَافَّهً کَمَا یُقَاتِلُونَکُمْ کَافَّهً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ مَعَ الْمُتَّقِینَ؛ «۱» در حقیقت، تعداد ماهها نزد خدا [از] روزی که آسمان‌ها و زمین را آفریده، در کتاب الهی، دوازده ماه است؛ که از آنها چهار [ماه حرام است. این، دین استوار است؛ پس در این [ماه ها به خودتان ستم نکنید؛ و همگی با مشرکان پیکار کنید، همان گونه که [آنان همگی با شما می‌جنگند؛ و بدانید که خدا با پارسایان (خود نگهدار) است.»

الإمام الباقر (ع): «یا جابر أما السنه فهی جدی رسول الله (ص). و شهورها اثنا عشر شهرا. فهو أمیرالمومنین وإلی، و إلی ابنی جعفر و ابنه موسی، و ابنه علی، و ابنه محمد، و ابنه علی، و إلی ابنه الحسن، و إلی ابنه محمد الهادی المهدی، إثنا عشر إماما حجج الله فی خلقه، و أمناؤه علی وحیه و علمه.

و الأربعه الحرم الذین هم الدین القیم، أربعه منهم یخرجون باسم واحد: علی أمیرالمومنین و أبی علی بن الحسین و علی بن موسی و علی بن محمد. فالإقرار بهؤلاء هو الدین القیم. و لا تظلموا فیهن أنفسکم: أی قولوا بهم جمیعاً تهتدوا» «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۷۶

تذکر: در این روایت «ماه» (: شهر) های دوازده‌گانه ظاهر آن همان ماههای سال است اما باطن آن دوازده امام (ع) هستند.

این مطلب می‌تواند با نوعی الغاء خصوصیت و اخذ قاعده کلید و تطبیق بر مصادیق جدید (بطن به معنای خاص) سازگار آید.

۶. روش تفسیر به رأی

مفهوم‌شناسی:

رأی: اصل این واژه به معنای نظر کردن به هر وسیله‌ای است، اعم از نظر کردن با چشم یا قلب یا به وسیله‌ی شهود روحانی یا به وسیله‌ی قوه‌ی خیال. «۱»

و واژه‌ی «رأی» به معنای عقیده‌ای است که از غلبه‌ی گمان پیدا می‌شود. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۷۷

و برخی مفسّران برآنند که واژه‌ی «رأی» در کتاب و سنّت به معنای

درک عقلانی به کار نرفته است. «۱»

پس می‌توان گفت که واژه‌ی «رأی» به معنای عقیده، دیدگاه و سلیقه‌ی شخصی است که براساس گمان شکل گرفته‌است.

باء:

واژه‌ی «باء» در «تفسیر به رأی» ممکن است به یکی از سه معنا باشد:

الف) باء سببیّت، یعنی: هرکس قرآن را به وسیله و به سبب رأی خود تفسیرکند، جایگاهی از آتش دارد (یعنی ممکن است انگیزه و سبب اصلی تفسیر آیه، همان رأی و نظر شخصی او باشد، در برابر کسی که سبب و انگیزه‌ی اصلی او از تفسیر، رأی او نیست بلکه او به دنبال حقایق قرآن است و اگر رأی شخصی او مطابق یا مخالف تفسیر باشد برایش فرقی نمی‌کند).

ب) باء استعانت، یعنی: هرکس قرآن را با کمک رای خود تفسیر کند جایگاهی از آتش دارد. (در برابر کسانی که قرآن را با کمک قراین عقلی و نقلی تفسیر می‌کنند.)

ج: باء زایده، یعنی: هرکس به جای تفسیر قرآن رأی خود را بگوید. و رأی شخصی او مصداق تفسیر شود. (دربرابر کسی که تفسیر حقیقی قرآن را می‌گوید نه رأی خود را به جای تفسیر)

البتّه معنای اوّل و دوم با روآیات تفسیر به رأی سازگار است و معنای

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۷۸

دوّم (استعانت) اظهر است. «۱»

در مباحث آینده در تحلیل روایات تفسیر به رأی، این معانی با توجّه به روایات بررسی خواهد شد.

پیشینه‌ی تاریخی تفسیر به رأی

زمان دقیق پیدایش روش تفسیر به رای روشن نیست، اما برخی از روایات در مورد مذمّت تفسیر به رای از پیامبر (ص) حکایت شده است، «۲» از ظاهر این گونه احادیث می‌توان استفاده کرد که روش تفسیر به رأی از زمان پیامبر (ص) شروع شده بود و از این رو ایشان از این روش یاد کرده و انجام دهندگان آن را سرزنش نموده است، و لحن روایات آن نیست که در آینده چنین چیزی اتفاق خواهد افتاد و الآن پیامبر (ص) پیش‌گویی می‌کند.

بعد از پیامبر (ص) در زمان ائمه (ع) نیز، این مسأله مطرح بوده است، از این رو تعدادی از روایات در مورد مذمّت تفسیر به رأی از آنان صادر شده است. «۳» و حتّی حکایت شده که امام علی (ع) برخی افراد را مخاطب قرار داده و از تفسیر به رأی نهی کرده است. «۴»

البتّه برخی از این احادیث ناظر به افرادی است که مکتبی دربرابر اهل

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۷۹

بیت (ع) در تفسیر قرآن گشوده بوده‌اند. «۱»

در عصرهای بعدی نیز تفسیر به رأی در برخی از کتاب‌های تفسیر راه یافت و گاهی فرقه‌ها و مفسّران همدیگر را متّهم به تفسیر به رأی می‌کردند. برای مثال برخی نویسندگان فخر رازی صاحب تفسیر کبیر و اخوان الصفا و برخی صوفیه و نیز گاهی اشاعره و معتزله را متهم به تفسیر به رأی کرده‌اند چرا که آیات قرآن را مطابق با عقاید خویش تأویل و تفسیر کرده‌اند. «۲»

و در عصر حاضر این روش تفسیری اوج گرفت، و برخی افراد منافق صفت نیز با ظهور مکاتب الحادی تلاش کردند که با استفاده از آیات قرآن و تفسیر به رأی آن‌ها جوانان مسلمان را جذب خویش سازند و مقاصد الحادی خود را بپوشانند. «۳» که شهید مطهری این روش را ماتریالیسم اغفال شده یا ماتریالیسم منافق می‌خواند. «۴»

دلایل ممنوعیت تفسیر به رأی:

مهم‌ترین دلایل مخالفت با تفسیر به رأی عبارتند از:

یک: آیات قرآن

در این مورد به آیات متعددی استدلال شده است که مهم‌ترین آنها

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۸۰

عبارتند از. «۱»

قال اللّه تعالی: «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّیَ الفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالإِثْمَ وَالبَغْیَ بِغَیْرِ الحَقِّ وَأَنْ تُشْرِکُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ یُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَاناً وَأَنْ تَقُولُوا عَلَی اللَّهِ مَا لا تَعْلَمُونَ» «۲» «بگو: پروردگارم، تنها اعمال زشت را، چه آشکار باشد چه پنهان، حرام کرده‌است، و گناه و ستم

به ناحق را؛ و این که چیزی را که خدا دلیلی برای آن فرو نفرستاده، شریک او قرار دهید، و به خدا مطلبی نسبت دهید که نمی‌دانید».

ونیز می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ». «۳»

«و از آنچه بدان آگاهی نداری، پیروی مکن».

توضیح: کسانی که به این آیات استدلال کرده‌اند می گویند:

أولًا تفسیر به رأی سخنی غیر علمی است که به خدا نسبت داده می‌شود. چون کسی که تفسیر به رأی می کند یقین ندارد که به واقع می‌رسد، و حدّاکثر آن است که گمان می کند.

ثانیاً نسبت دادن سخن غیر علمی به خدا حرام است، چراکه در آیات قرآن از آن نهی شده است. همان طور که در دو آیه‌ی مذکور هم آمده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۸۱

پس تفسیر به رأی حرام است. «۱»- «۲»

دو: روایات ممنوعیت تفسیر به رأی:

در این مورد روایات متعددی در منابع حدیثی شیعه و سنّی آمده است که می‌توان آن‌ها را به چند دسته تقسیم کرد:

الف) روایاتی که فقط تفسیر به رأی را محکوم و مذمّت می کند و مجازات‌های آن را بر می‌شمارد:

۱. عن النبی (ص): «من فسّر القرآن برأیه فلیتبوّأ مقعده من النار». «۳»

«هر کس قرآن را به رأی خویش تفسیر کند، جایگاهی از آتش برای خود فراهم خواهد کرد».

۲. عن النبی (ص): «من قال فی القرآن برأیه فلیتبوء مقعده من النار». «۴»

«هرکس به رأی خود درقرآن سخن گوید، جایگاهی از آتش برای خود فراهم خواهدکرد».

تذکر: دراین روایت مطلق «قول» و سخن به رأی درباره‌ی قرآن، سرزنش شده‌است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۸۲

۳. عن الصادق (ع): «من فسّر برأیه آیه من کتاب اللَّه فقد کفر». «۱» «هرکس آیه‌ای از کتاب خدا (قرآن) را تفسیر به رأی کند به یقین کافر شده‌است».

۴. فی عیون اخبار الرضا (ع) للصدوق عن ابن المتوکّل (محمد بن موسی بن المتوکل) عن علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن الریان بن الصلت عن علی بن موسی الرضا (ع) عن أبیه عن آبائه عن امیر المومنین (ع) قال: «قال رسول‌اللَّه (ص) قال اللَّه جلّ جلاله ما آمن بی من فسّر برأیه کلامی.»» «پیامبر (ص) از خدای متعال حکایت می کند که: هرکس کلام مرا تفسیر به رأی کند، به من ایمان ندارد».

تذکر: این روایت سند آن صحیح و معتبر است. «۳»

ب) روایاتی که تفسیر به رأی را نوعی سخن نا آگاهانه ودروغ به شمار می‌آورد:

۱. عن النبی (ص): «من فسّر القرآن برأیه فقد افتری علی اللَّه الکذب». «۴»

«هرکس قرآن را تفسیر به رأی کند به یقین برخدا دروغ بسته‌است.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۸۳

۲. عن النبی (ص): «من قال فی القرآن بغیر علم فلیتبوء مقعده من

النار». «۱» «هر کس در مورد قرآن چیزی بدون آگاهی بگوید، جایگاهی از آتش برای خود فراهم خواهد کرد».

تذکر: مقصود این گونه احادیث آن است که تفسیر به رأی بدان معناست که چیزی بدون علم در تفسیر قرآن گفته شود. و نسبت

دادن سخنی بدون آگاهی به خدا دروغ بستن و تهمت زدن براوست.

۳. عن امیر المومنین (ع): «قال لمدّعی التناقض فی‌القرآن): «ایّاک أن تفسّر القرآن برأیک حتّی تفقهه عن العلما، فانّه ربّ تنزیل یشبه بکلام البشر وهو کلام اللّه وتأویله لا یشبه کلام البشر». «۲» «مراقب باش که قرآن را با رأی خودت تفسیر نکنی (و صبرکن) تا این که آن را از دانشمندان بگیری، چراکه چه بسیار (آیات) نازل شده‌ای که مشابه سخنان انسان‌هاست ولی آن کلام خداست و تاویل آن مشابه سخنان بشر نیست».

ج) روایاتی که تفسیر به رأی را از جهت گمراهی محکوم می‌سازد:

عن الباقر (ع): «وَیْحَکْ یا قتاده ان کنت انّما فسّرت القرآن من تلقاء نفسک فقد هلکت واهلکت». «۳» پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۸۴

« (امام باقر (ع) به قتاده که مفسّر بصره بود) فرمود: وای بر تو ای قتاده، اگر قرآن را از پیش خود تفسیر کنی، به یقین هلاک می‌شوی و

دیگران را نیز به هلاکت خواهی کشاند».

تذکر: هلاکت در این احادیث به معنای گرفتاری در آتش آخرت نیست بلکه به معنای هلاکت دنیوی یعنی گمراهی نیز هست، چرا که شنونده‌ی تفسیر را نیز اهل هلاکت معرفی می کند.

پس این گونه احادیث، تفسیر به رأی را که بدون استفاده از قراین نقلی (احادیث معصومین (ع)) انجام گرفته است، موجب گمراهی خود مفسّر و دیگران و به هلاکت افتادن هر دو معرّفی می کند و از این رو آن را محکوم می کند.

د) احادیثی که تفسیر به رأی را هر چند که نتیجه‌ی آن صحیح باشد، محکوم می کند.

۱. عن الصادق (ع): «من فسّر القرآن برأیه، ان اصاب لم یُوجَر و ان اخطأ فهو أبعد من السماء». «۱» «کسی که قرآن را تفسیر به رأی کند، اگر (به واقع) برسد، پاداشی داده نمی‌شود، و اگر به خطا رود، پس او (از مرز حق) بیش از فاصله آسمان (از همدیگر) دورشده‌است».

۲. عن النبی (ص): «من قال فی القرآن برأیه فاصاب فقد اخطأ». «۲» پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۸۵

«هر کس در مورد قرآن به رأی خود سخن گوید و (به واقع) برسد، یقیناً خطا کرده است».

بررسی احادیث

احادیث مذمّت تفسیر به رأی از دو جهت قابل بررسی است:

اوّل: از جهت سند

بسیاری از این احادیث ضعیف، یا مرسل هستند و در میان احادیث شیعه حدیث ۴/ الف صحیح السند بود و در احادیث اهل سنّت حدیث ۲/ الف را حسن دانسته‌اند.

ولی از آن‌جا که این روایات در منابع حدیثی شیعه و سنّی زیاد هستند، برخی از بزرگان «۱» و صاحب‌نظران «۲» درمورد آن‌ها ادعای تواتر کرده‌اند، که ظاهراً مقصود تواتر معنوی است.

اما به هر حال با توجّه به کثرت روایات و وجود روایات معتبر در بین آن‌ها از بحث سندی بی‌نیاز هستیم.

دوم: از جهت متن

از مجموع احادیث نکات زیر به دست می‌آید:

۱. تفسیر به رأی، گناه کبیره است چرا که وعده‌ی آتش بر آن داده شده است. از این رو خطر بزرگی به شمار می‌آید.

۲. تفسیر به رأی یک «روش خطا» در تفسیراست و محکومیت آن از

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۸۶

آن جهت نیست که نتیجه‌ی آن غلط است، چرا که گاهی ممکن است نتیجه‌ی تفسیر به رأی صحیح باشد اما باز هم در احادیث (ردیف د) مذموم و خطا شمرده شده است.

به عبارت دیگر: خود روش تفسیر موضوعیت دارد. و اگر روشی غلط باشد (هرچند که گاهی به نتیجه درست برسد بازهم) محکوم است. «۱»

چون که در صورت صحیح بودن نتایج هم، مفسّر مطلبی را به خدا نسبت داده که هیچ گونه حجّتی برای آن نداشته است و از این رو باز هم خطا کرده است. (مفاد احادیث ردیف ب و د).

البتّه این یک مطلب عقلایی است، برای مثال: اگر کسی به دروغ ادّعای پزشک بودن کند، سپس اقدام به مداوای مردم نماید و اتفاقاً کسی را از مرگ نجات دهد، باز هم عقلا او را سرزنش می‌کنند و برطبق قوانین عقلایی بشری که در دنیا رایج است پاداش به اوداده نمی‌شود بلکه به جریمه یا زندان محکوم می‌شود، چرا که روش او غلط است و معمولًا به خطا می‌رود (هر چند که اتفاقاً یک مورد صحیح باشد و به واقع برسد).

تذکر: از آنجا که احادیث تفسیری مهدویت از اهل بیت پیامبر (ص) صادر شده است و پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در روایات متعدد روش تفسیر به رأی را ممنوع اعلام کرده‌اند. بنابراین در روایات تفسیری مهدویت از روش تفسیر به رأی استفاده نشده است و در نتیجه استفاده از این روش در احادیث تفسیری مهدویت برای مفسران و محدثان ممنوع است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۸۷

جمع‌بندی و نتیجه گیری:

بنابر آنچه بیان شد در احادیث تفسیری مهدویت از روش‌های

تفسیری قرآن به قرآن- روائی، علمی، اشاری، عقلی و اجتهادی استفاده شده و از روش تفسیر به رأی استفاده نشده است. البته نمونه‌های اینگونه روایات زیاد بود که ما به ذکر نمونه‌ها اکتفا کردیم و در مقالات بعدی ابعاد دیگر آنها را بررسی می‌کنیم.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۸۹

فهرست منابع (دوجلد ۱۱و۱۲)

۱. معارف مهدوی، گردآوری: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه قم، ناشر: دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی (ع)، قم، چاپ اول، بهار، ۱۳۸۵.

۲. ادیان و مهدویت، محمد بهشتی، انتشارات امیر، تهران ۱۳۴۴ ه‍- ش (چاپ دوم).

۳. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۰ ه‍- ش.

۴. آشنایی با ادیان بزرگ، حسین توفیقی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، ۱۳۹.

۵. مهدی تجسم امید و نجات، عزیزالله حیدری، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۰.

۶. خدمات متقابل اسلامی و ایران، داوود الهامی، مکتب الاسلام، بی جا، ۱۳۷۳.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۹۰

۷. گات‌ها، ابراهیم پورداود، انجمن زرتشتیان ایران، بمبئی، ۱۹۳۸.

۸. مجله موعود، ش ۱۷، مقاله هزاره گرایی در مسیحیت، حسین توفیقی، مؤسسه فرهنگی موعود.

۹. نرم افزار رایحه عشق، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) فارس، بخش مقالات، مقاله اتفاق مذاهب در موضوع موعود.

۱۰. مجله هفت آسمان، ش ۱۲ و ۱۳ مقاله گونه‌شناسی موعود در ادیان مختلف.

۱۱. آرشیو دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، بخش بانک اطلاعات.

۱۲. کتابنامه حضرت مهدی (ع)، علی اکبر مهدی پور، ناشر: مؤلف، قم، ۱۳۷۵.

۱۳. مرجع مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، مؤلف، تهران، ۱۳۸۲.

۱۴. مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی، سید رضی موسوی گیلانی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، قم، ۱۳۸۵، چاپ اول.

۱۵. مؤسسه فرهنگی انتظار نور moC. eejnoM

۱۶. تفسیر قرآن مهر (سوره توبه)، محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران قرآنی، انتشارات پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۵ ش، قم.

۱۷. بحارالانوار الجامعه لدرراخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسه الوفاء بیروت، لبنان، بی‌نو ۱۴۰۴ قمری.

پرسش و پاسخهای قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۹۱

۱۸. بحارالانوار الجامعه لدرراخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی،

(مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسه الوفاء بیروت، لبنان، بی‌نو ۱۴۰۴ قمری.

۱۹. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه قم، دوم، ۱۳۹۵ قمری.

۲۰. مستطرفات السرائر، ابن ادریس حلی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ادریس عجلی حلی، موسسه انتظارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، دوم، ۱۴۱۱ قمری.

۲۱. دستغیب، شهید عبد الحسین، ۱۳۶۱ ش، گناهان کبیره، کانون ابلاغ اندیشه‌های اسلامی، بی جا، دو جلدی.

۲۲. دلائل الامامه، ابن جریر طبری آملی مازندرانی، ابوجعفر محمد بن جریر، دارالذخائر للمطبوعات، قم، کتاب حاضر از نسخه نشر حیدریه نجف به سال ۱۳۸۳ قمری است.

۲۳. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، دوم، ۱۴۱۳ ه. ق.

۲۴. عیون اخبار الرضا، صدوق (محمد بن علی ابن بابویه)، قم، مشهدی، ۱۳۶۳ ش.

پرسش و پاسخهای قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۹۲

۲۵. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبائی، تهران،

دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ ش، چاپ سوم.

۲۶. معجم رجال الحدیث، سید ابوالقاسم خوئی.

۲۷. الصوارم المهرقه فی نقد الصواعق المحرقه، شوشتری، قاضی نور الله، انتشارت چاپخانه نهضت، تهران، بی‌نو، ۱۳۷۶ قمری.

۲۸. البیان فی تفسیر القرآن، خوئی، آیه الله سید ابو القاسم، المطبعه العلمیه، قم، ۱۳۹۴ ق.

۲۹. الاحتجاج، طبرسی، احمد بن علی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسخه حاضر از چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسسه جواد، بیروت عکسی برداری شده است).

۳۰. بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد (ص)، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، دوم، ۱۴۰۴ قمری.

۳۱. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبدالله، دارالکتب الاسلامیه، دوم، ۱۳۳۰، هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری).

۳۲. طوسی، خواجه نصیر الدین و علامه حلّی، ۱۴۰۷ ق، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۹۳

۳۳. المفردات فی غریب القرآن، الراغب الاصفهانی، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۳۳۲ ش، ۵۵۴ ص.

۳۴. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المکتبه الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۹۵ ق، ده جلدی.

۳۵. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.

۳۶. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، آیه الله ناصر، دار الکتب الاسلامیه، تهران چاپ بیست و ششم (۲۷ ج)، ۱۳۷۳ ش.

۳۷. نورالثقلین، عبدعلی بن جمعه حویزی عروسی، قم، المطبعه العلمیه، الطبعه الثانیه، ۱۳۸۳ ق، پنج جلدی.

۳۹. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت داراحیاء الثراث العربی، الطبعه الخامسه، ۱۳۸۶ ق

۴۰. انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۹۳۲ م، کتاب مقدس، تهران، (شامل، تورات، انجیل و ملحقات آنها).

۴۱. ری شهری، محمد محمدی، ۱۳۶۷، میزان الحکمه، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ده جلد.

۴۲. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحدی النیشابوری، المکتبه العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۱۲، ص: ۱۹۴

۴۳. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، رازی، فخرالدین، ۱۴۱۱ ق، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۳۲ جلد.

۴۴. الدرّ المنثور فی تفسیر الماتور، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی‌بکر السیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.

۴۵. شرح نهج‌البلاغه، عبدالحمید بن هبه اللَّه، ابن ابی‌الحدید، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش.

۴۶. اعلام الوری بأعلم المهدی، امین الاسلام طبرسی (صاحب مجمع البیان)، ابوعلی فضل بن حسن انتشارات دارلکتب الاسلامیه، قم، سوم، بی تا.

۴۷. انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۹۳۲ م، کتاب مقدس، تهران، (شامل، تورات، انجیل و ملحقات آنها).

۴۸. الجعفریات (الاشعثیات)، محمد بن محمد بن اشعث، مکتبه النینوی الحدیثه، تهران، بی‌نو، بی‌تا.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن

خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹